

و خلاف طبیعت آوردن بودجه بمجلس است چنانچه سایر بودجهها هم باید بنظر وزیریکه آن بودجه راجع بوزارت خانه اواسترسیده باشد و پس از آن داخل مجلس شورای ملی بشود اینخلاف رسم از چه شد آنرا باید تحقیق کرد و بنده بنظم می آید که این از وظایم و ذممه و تکلیف بزرگ آنهاست که باید تحقیق کنند و بهینند اینستکه بشود از بزرگترین رسم معموله باین اهمیتی که این بودجه داشت آن که بود آنمعاون وزارت مالیه بود که این بودجه را می آورد بکمیسیون بودجه و داخل مذاکره آن میشود و کمیسیون غیر از اینکه او را نماینده رسمی وزارت مالیه بداند چاره دیگر ندارد و البته آن معاون نظرات خودش را باید بدست بیاورد و بتکالیف خودش رسیدگی کند که نظرات هر کس که در آن بودجه لازم است بدست بیاورد و کمیسیون رأی هم بدهد کمیسیون بخمال اینکه این ترتیب بعمل آمده است بودجه بمجلس آمده و در آنجا کمیسیون بودجه گرفته است کمیسیون تکلیف دیگری نداشت و با اعتقاد و کلاهی محترم این بودجه به ترتیب معموله بمجلس آمده و با اعتقاد اینکه نظریات سناست در این منظور است بنام جهات موافقت نمود و بآن رأی داد حالادو مطلب مادرا اینجا داریم یکی اینکه این رسم معمول بعمل نیامده است یکی اینکه چون این ترتیب بعمل نیامده است ممکن بود نظراتی وزارت مالیه غیر از نظرات وزارت مالیه سابق و همچنین نیابت سناست نظراتی غیر از نظرات نیابت سناست سابق داشته باشند و مایباید تلافی ایندو مطلب را کرده باشیم و آن باین میشود که نظرات وزارت مالیه حالیو نظرات مقام نیابت سناست حالیو در این منظور شود و مایباید این دونظر را در این بودجه که اینجا گذشته و برده اند اخذ بکنیم و این نشود مگر اینکه بودجه برده شود و نظرات جدیدی اگر هست بشود دومرتبه بترتیب وارد مجلس شود بنده باتمام اینستالی که گفته شد هر اعم البته باید جریان این خلاف رسم معمول بشود و لسی یک کمیسیون مخصوص راهم هیچ لازم نمیدانم برای اینکار و البته آن نظریکه بیان شد که معاونت و کلاهی محترم را خواستند در این مقام کمیسیون بودجه خودش که خیلی لایق است برای این مقام همین بودجه را اگر بداند و هیئت وزراء با کمیسیون بودجه به نشینند و یک قرار بدهند که تمام مقصود بعمل آمده باشد و بنده زیاد بر این تصور میکنم که لازم نباشد در این خصوص مذاکره بشود و اگر صحیح میدانند اظهارت بنده را تقاضا میکنم یا هیئت وزراء بهمین ترتیب قانع شوند یا اینکه برای بگیرند که کمیسیون بودجه راجع شود . رئیس تجاویز از آنرا درمورد اجازه خواسته اند منم که هم گویا کافی باشد در این پیشنهاد هم باید رأی گرفت (گفته شد در کدام پیشنهاد)

**رئیس** - در این پیشنهادی که تقاضا شده است کمیسینی از طرف مجلس مینماید بشود بروند بودجه را که از مجلس گذشته و تصویب شده است با هیئت وزراء اجرای آن را نمایند آقایانی که این تقاضا را تصویب میکنند قیام نمایند (چند نفری قیام کردند)

**رئیس** - تصویب شد

**وزیر امور خارجه** - حالا که این رازاری

ندادند پس آن رأی مراجع بکمیسیون بودجه را مقرر فرمائید که در آن مذاکره کنیم و بعد نتیجه معلوم میشود.

**رئیس** - این يك مسئله دیگری است غیر از آن تقاضا.

**وزیر داخله** - در اینجا دو مطلب است یکی آنکه در فرمایشات بعضی از آقایان گفته میشد که اینکار بی رویه از کجا طلوع کرده است بنده عرض میکنم که این جای تعجب نیست در مملکتی که این همه مشاغل و مسائل مهمه روی هم ریخته در ظرف چندماه یعنی از روزی که این بودجه درباری بمجلس پیشنهاد شده است یکمرتبه نیابت سلطنت تغییر کرده است دو وزیر مالیه عوض شده است چند روزی است وزارت مالیه بی وزیر مانده دومرتبه ریاست مجلس عوض شده دومرتبه کابینه عوض شده یکمرتبه گویا اعضای کمیسیون بودجه عوض شده در همچو موقعی چه جای تعجب است که بر حسب اتفاق چنین سوء اتفاقها دچار شویم ولی در این هم گویا شبهه نباشد که این اتفاق وارد است و در حقیقت بدون اخذ و استعراج رأی مقام منبع نیابت سلطنت بودجه دربار نمی بایست از مجلس بگذرد ولی چنانچه گفته شد آقایانیکه باین بودجه رأی دادند همچو تصور کرده بودند که این يك بودجه است که نظر ورای نیابت سلطنت هم در آن ملحوظ شده است پس این يك حادثه است و در اصلاح آن باید کوشید و گمان میکنم هیچک از آقایان نباشند که با هیئت وزراء شرکت نکنند در اصلاح کار و البته همه متفقیم که این سوء اتفاق باید اصلاح بشود و البته باز آقایان تصدیق خواهند فرمودند که باید مقام منبع نیابت سلطنت را بکلی از این کار کنار بگذاریم بجهت اینکه واقعا هم شایسته نیست که گفته شود فلان قسمت بودجه دربار چون کافی نبود ایشان خواسته اند که کافی باشد و ایشان را داخل این سوء تفاهات و این مطالب نباید کرد و البته آقایان نمایندگان هم کمال موافقت را در این مسئله دارند ولی از يك طرف چون این مسئله باید اصلاح شود تقاضای کابینه وزراء کرده بودند يك کمیسینی از مجلس با تفصیل وزراء این بودجه را اجرا بکنند آن تقاضا رد شد پس معلوم میشود که نظر آقایان متوجه میشود باینکه باید در اصلاح بودجه کاری کرد همانطوری که گفته شد شاید از هر کمیسینی که تشکیل شود برای اصلاح اینکار کمیسیون بودجه صلاحیتش بیشتر باشد با سابقه که دارد چنانچه گفته شد پس چنانچه حالا تقاضا شد اگر مجلس تصویب بکنند کمیسیون بودجه مأموریت داشته باشد از طرف مجلس شورای ملی که با کابینه وزراء در اصلاح این کار شرکت بکنند چون اطلاعات کافی در این کار دارند.

**رئیس** - پیشنهاد آقای حاج آقا خواننده بشود بعد مذاکره میکنیم.

(بمبارت ذیل قرائت شد.)

بنده پیشنهاد میکنم که اصلاح امر بودجه دربار رجوع بکمیسیون بودجه شده و کمیسیون نظرات کابینه و نیابت سلطنت را تحصیل نکرده و بعد عقاید خود را بمجلس پیشنهاد کند

**آقای شیخ رضا دهخوارقانی** - گویا این مسئله اخیراً این شد که این مسئله راجع بود بکمیسیون بودجه و در آنجا اصلاح شود این را عرض کردم که از موضوع در عراض خود خارج شده باشیم بعد از معلوم شدن این موضوع عرض میکنم که تقریباً امور این مملکت اداری است و اگر اشخاص تغییر بکنند باید ما که نمایندگان ملت هستیم فرقی نگاه داریم بین هیچ فردی از افراد ملت و همچنین فرقی نگذاریم در نیابت سلطنت بین اشخاص یا در مقام وزراء بین اشخاص و این صحیح است که بودجه وزارت دربار میبایست بنظر نیابت سلطنت میرسد آنوقت بمجلس میآید و مجلس نظرات خودش را میبرد و آنچه که بنظرش میرسد تصویب میکند و از قراریکه ذکر شد یعنی بنده هم چو فرقی ندارم حالا اگر درست هم تفهیمم امکان است بنده همچو فهمیدم که آن بودجه درباری که بمجلس آمده است بکمیسیون بودجه رفته و بعد از رفتن بکمیسیون بودجه معاون وزارت مالیه هم حاضر بوده است و بطوری که اظهار شد که مسترد شده است نشد دلیلی مسترد نشدن او هم همین است که معاون وزارت مالیه حاضر بوده است در کمیسیون بودجه آنطوری که اظهار شد مسترد شده است و آرائی که میدادند در کمیسیون بودجه معارض وزارت مالیه حاضر بوده است و این کشف میکند که مسترد نشده است و آنچه از کمیسیون بودجه گذشته و آمده است بمجلس از مجلس يك اکثریت قریب با اتفاق رأی داده شد باینکه کدر کمیسیون بودجه رأی داده شده بود حالیکه محظوظی پیدا شده است که بعضی از درباریان اشکال میکنند که کم است البته باید معاش کافی داد بستمین حالا اگر وزراء و نیابت سلطنت عظمی میفرمایند که کم است بقرینه بنده چیزی که از مجلس گذشته است نباید بتوان اصلاح آنرا دو مرتبه بیان گذاشت و مذاکره در او کرد چنانچه نباید يك مقامی از مقامات دولتی توهین کرد يك مقام بزرگی هم که آن بودجه از آن مقام تصویب شده بمجلس است تصویب شده مجلس راهم نباید دومرتبه مطرح مذاکره و اصلاح قرار داد امروز خارج شده است از مجلس روز دیگر بیاورند که این اصلاح لازم دارد اینهم بر میخورد حالا اگر وزراء و نیابت سلطنت آنرا کم میدانند و وزراء میتوانند يك مبنی که تکمیل میکنند او را و آنچه در نظر دارند پیشنهاد را بکنند بمجلس دوباره برود بکمیسیون و بمجلس بیاید در اینکه بگویند بودجه که از مجلس گذشته است باید اصلاح شود عرض بنده این بود

**رئیس** - با این پیشنهادیکه آقای حاج آقا کرده اند که بر گردد بکمیسیون بودجه مخالفی هست ؟

**مهرز الملک** - بله بنده مخالفم .

**وزیر امور خارجه** - اینکه آقای دهخوارقانی فرمودند دربار بودجه نظر باشخاص نیست و در امورات کل مملکتی نظر باشخاص نداریم اینجا دو چیز را از نظر دور گرفته اند یکی اینکه بنده تصور میکنم که در کارها خیلی نظر باشخاص است بعضی از اشخاص هستند که واقفاً خیلی شایستگی دارند از برای اینکه از آنها يك هیئت استفاده واقعی بکنند و در این موضوع چیز دیگری که در

نظر گرفته شده این بود که اگر بودجه در غیاب آقای نایب السلطنه گذشته بود در این مسئله ایرادی وارد نبود که بعد از تشریف فرمائی شان به مجرد تغییر نیابت سلطنت یا بمجدد ورودشان نظراتی لازم باشد که در بودجه بنیابت آنوقت معلوم نباشد اما در يك بودجه که مستقیماً راجع است بدربار و رئیس آن دولت وارد آن دربار شده است و هنوز آن بودجه نگذشته است باید آن بودجه را خواست و مطالبات کرد گمان ندارم غیر از این هیچکس تصدیق بکند اما اینکه معرمانند هیئت دولت يك چیز را پیشنهاد بکنند مقصود را شاید ملتفت نشده اند یا نتوانسته باشیم طوری بیان کنیم که آقایان منتفت شوند مقصود این است که هیئت دولت در این موضوع با اظهار آقای نایب السلطنه این پیشنهاد را میکنند و فقط نقطه نظرشان اینجا است که نمیخواهند بگویند حتی چیزی علاوه کرد میگویند يك بودجه گذشته است حالا به چه وسیله این اشتباه واقع است در حال این اشتباه واقع شده و يك بودجه گذشته است و البته غیر کفایت و از طرف دیگر نیابت سلطنت نمیخواهد مداخله کند در این مسئله و نمی خواهد ناراضی بودن دیگران را تحمل کند و اسباب عدم رضایت جمعی را فراهم کند و نمیخواهد بگویند این بودجه کم است من زیاد تر میخواهم در این مورد البته اگر هیئت وزراتی هم اینرا بخواهد پیشنهاد بکنند بازور انهان مردم نمیشود این رفع شبهه را کرد شاید نظریات وزراء هم مثل نظریات آقای نایب السلطنه است و همان محظوراتی که ایشان دارند هیئت وزراء هم همان محظورات را را مالیه یا وسائل دیگر چطور شده است که این را گذرانیده اند يك امری است واقع شده و نظریات سلطنت و هیئت وزراء در این است که با کمک مجلس این کار اصلاح شود که بدون کمک مجلس اصلاح نمی شود و خودشان مستقیماً نمیتوانند در این کار دخالت بکنند که آن سوء ظن حاصل نشده باشد و اینکه میگویند بودجه دربار مسترد نشده بوده است در صورتیکه خود اعضای کمیسیون بودجه و رئیس سابق مجلس شورای ملی حاضرند و تصدیق میکنند که در زمان آنها واقع شده است دیگر نمیتوان انکار کرد خود آقای نایب السلطنه بودجه را خواستند و معاون وزارت مالیه آمد بودجه را از کمیسیون گرفت و بخدمت آقای نایب السلطنه معاودت داد و در همان وقت که این کابینه هنوز تجدید نشده بود در همان کابینه سابق او خزان کابینه بود که بنده هم بودم بنده نظر دادم که آقای عبد الحکام بودجه را آورد و تقدیم کرد خدمت آقای نایب السلطنه که با نظریات ایشان بعد تقدیم مجلس شورای ملی بشود پس این استرداد شده دیگر نمیتوان گفت استرداد شده حالا که در این باب که چه شده است آنرا دیگر آقای مستشار الدوله در ضمن يك رشته صحبتی بیان کردند دیگر بنده تکرار نمیکنم ولی عرض میکنم در این مورد مجلس نباید خودش را کنار بگیرد اگر بخواهند این کار را انجام بدهند باصمیمیتی که داریم و با کمک هیئت وزراء باصمیمیتی که دارند بخواهیم اینکار را تمام کنیم و سخاتنه بدهیم باید بواقفت و کمک هم دیگر بکنیم و به نتیجه مطلوب برسیم .

**مهرز الملک** - مقدمه باید عرض کنم که اظهاراتی که در اینجا میشود هیچ مربوط فرمایش آقای نایب السلطنه نیست و خوبست ماتکیه کلام خودمان را آقای نایب السلطنه قرار ندهیم و ایشان بکلی خارج از این ترتیب هستند و اگر اظهاری میشود راجع است باظهارات وزراء و بنده معنی این پیشنهادی که از طرف وزراء شده است نمیدانم بجهت اینکه این اختلافات نظریکه در بودجه دربار است یا راجع است بصورت ظاهری آنوقت آن راجع میشود بکمیسیون بودجه و هیچ چیزی بر آن نخواستند افزود در اینجا اعتراف شده که آن ترتیبیکه باید در آوردن بودجه بمجلس مراعات بشود نشده است چه از طرف کمیسیون بودجه و چه از طرف معاونت وزارت مالیه از هر جا شده است تصور شده است اما اگر از جاع بکمیسیون بودجه راجع باعضاء درباری است که بعضی از اعضاء درباری این حقوق را کم میدانند و راجع بخواهد بودجه است آنهم این ترتیب نخواهد بود بجهت اینکه بالاخره نیز تصدیق میکنم که بودجه دربار نباید ماده باده بیاید مذاکره شود باید اعتباری در ضمن بودجه کل از برای وزارت دربار منظور شود و حالا اینرا چه باید کرد این هیچ لازم نیست که الان رجوع شود بکمیسیون بودجه آقای وزیر مالیه اگر لازم میدانند که بودجه دربار کم است و بعضی از مواد بودجه دربار را کم میدانند ممکن است بطوری که در قانون محاسبات عمومی تصریح شده است يك اعتبار ضمیمی از مجلس تقاضا بکنند آنوقت آن اعتبار فوق العاده وضیمه که آمد بمجلس رجوع خواهد شد بکمیسیون بودجه و کمیسیون بودجه آنرا تصویب خواهد کرد و راپورت خودش را بمجلس میدهد و مجلس هم تصویب میکند و اینکه اظهار شد که این بودجه دومرتبه برگردد بکمیسیون بودجه و دوباره بیاید بمجلس بنده نمیدانم در اینصورت مجلس چه خیالی خواهد داشت .

**رئیس** - مذاکرات کافی است دومرتبه پیشنهاد آقای حاج آقا قرائت میشود و رأی میگیریم (مجدداً پیشنهاد حاج آقا قرائت شد).

**رئیس** - رأی میگیریم باین پیشنهاد آقایانیکه این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام نمایند (کسی قیام نکرد).

**رئیس** - رد شد - دستور روز شنبه - قانون عتبات - قانون تعرفه تلگرافی - راپورت کمیسیون بودجه راجع بوره سید حسن و اسمعیل مجاهد

**وزیر امور خارجه** - بله باین ترتیب اخیر که مشهود میشود که مجلس میخواهد بکلی خودش را کنار بکشد بنده تصور میکنم که بمحظور بزرگی واقع خواهیم شد و شاید مشکلات بزرگ بر بخوریم و اینکه خود وزیر مالیه یک چیزی ضمیمه بکنند باین بودجه و پیشنهاد بکنند بمجلس يك امری است که خیلی اسباب اشکال است و بعضی نمایندگان محترم نظریات و مشکلاتیکه در نظر دارند البته فراموش نباید بکنند و تصور بکنند که اگر مجلس يك کمکی در این باب نکند و با وزراء در این باب اتفاقی نکند و تشکیل يك کمیسینی نکند که در این باب ترتیبی داده شود شاید يك مشکلاتی بر بخوریم مترسم که اسباب بیشمانی بشود .

**رئیس** - اینکه سابقاً بنده عرض کردم بنده برای شنبه برای این بود که نتیجه صحیحی از این کار برده باشیم (در این موقع که هیئت دفترازه اضرار گذشته است رئیس حرکت کرد بمجلس ختم شد)

**جلسه ۳۶۱**

**صورت مشروح روز شنبه (۱۹)**

**شهر حمادی الثانیه ۱۳۲۹**

**رئیس** ( آقای مومن الملک ) ساعت و ربع قبل از ظهر بمقام ریاست جلوس نموده پس از يك ربع مجلس رسماً تشکیل شد .

صورت مجلس رور پنجشنبه ۱۷ را آقای میرزا رضا خان قرائت نمود .

( غائبین جلسه قبل )

**ذکاء الملک** - اصرار اسلام - بدون اجازه - ابوالقاسم میرزا - حاج محمد کریم خان - بجهت - دکتر لقمان - با اجازه - غائب بوده - مهرز الملک ( ۳۵ ) دقیقه از حضور در وقت مقرر تأخیر نمودند

**رئیس** - آقای کردستانی در صورت مجلس ملاحظه داشتید ؟

**آقا میرزا اسدالله خان** - در صورت مجلس در ماده چهارم قانون عتبات مینویسد که بنده فقط با صدی چهل حقوق دولت از مسکوکات مخالف بودم ولی غرض بنده این نبود بلکه غرض اصلی بنده این بود که اگر این مالیات را در محل استخراج این قسم اشیاء عتیقه بگیرند از برای دولت گران تمام خواهد شد در موانع خروج مال التجاره که قبلاً معین است اگر بگیرند بهتر است و این جا اشتباهاً نوشته شده است .

**رئیس** - اصلاح میشود - آقای اردبیلی .

**آقای سید حسین اردبیلی** - کمیسینی از طرف هیئت وزراء پیشنهاد شده بود آنچه بنظر بنده میرسد برای این بوده است که همان بودجه را که از مجلس گذشته است اجرا بکنند و آن هم با اکثریت بلکه با اتفاق اراء از مجلس رد شد .

**رئیس** - کمیسینی که خواسته بودند برای این بود که همان بودجه ای را که از مجلس گذشته است اجرا بکنند .

**رئیس** - دیگر ملاحظاتی نیست ( اظهاری نشد )

**رئیس** - صورت مجلس تصویب شد . دستور امروز قانون عتبات - قانون تعرفه تلگرافی - دو فقره راپورت کمیسیون بودجه حالا شروع میکنم بشور اول از قانون عتبات از ماده هفتم ( عبارت ذیل قرائت شد )

ماده ( ۷ ) مجسمه و ستون و کتیبه هائیکه از زیر خاک استخراج میشود و اهمیت تاریخی داشته باشد آنچه راجع بسلاطین قدیم باشد متعلق بدولت خواهد بود و جزه مالیاتهای مذکور در ماده سیم و چهارم محسوب نخواهد شد فقط دولت ده يك از قیمت را بصاحب اجازه حق الزحمه خواهد داد .

**حاج شیخعلی** - بنده خیلی متحیرم از چنین موادی که از کمیسیون گذشته است برای این که بهر ماده که میرسیم يك محظوری در آن ماده است و نمیدانم چطور شده است که کمیسیون عطف نظری بآن محظور نکرده است مثل اینکه در این ماده هم بنویسد که مجسمه و ستون و کتیبه هائی که از زیر

خاک استخراج میشود تا آخر ماده و هیچ فرق نگذاشته بین این که از کجا استخراج شود یعنی از املاک شخصی استخراج بشود یا از املاک متعلق بدولت در مواد سابق هم که گذشت همین محظور بود و بنده عرض کردم اگر از ملک شخصی خارج شد مانع توازیم بگوئیم که متعلق بدولت خواهد بود بواسطه اینکه مال خود او است بخصوص چیزهایی که معلوم نباشد از چه زمان بوده است اما اگر از املاک دولت باشد چه اجازه از دولت گرفته باشند و چه اجازه کرده باشند از املاک بایره دولت و استخراج کرده باشند آن یک صورت دیگر دارد و در آن موضوع هم اینکه بدون مغارج دولت از اشیاء استخراج شده حقوق بگیرد مخالف بودم و عرض کردم که رأی نمیدهم بملاحظه اینکه اشیاء که خارج میشود بدون زحمت که خارج نمیشود بلکه یک کسی که اجازه میگیرد که از فلان اراضی بایره حفريات بکند بیست جاسی جا را حفر میکند و کلی مغارج مینماید و چیزی گیرش نمی آید آن وقت در یک نقطه یک مجسمه یا یک کتیبه اگر فرضاً بیرون بیاید او را هم دولت ضبط بکند و بنده یک باور بدیده گمان می کنم که مراعات حال آنها نشده باشد بجهت اینکه شاید آن ده یکی را که دولت باو میدهد باندازه مغارجی که کرده است نشود پس بهتر این است که تنگبک بشود که این ترتیب در همه اراضی نیست یعنی اگر در اراضی باشد که متعلق باشخاص است استخراج شد مال خود آنها است و در اراضی دولتی هم نمیشود ضبط کرد و ده یک داد بدون مغارج یعنی اینکه شاید آنها خیلی مغارج کرده باشند و ده یکی که بآنها میدهند موافق نشود بامغارج آنها که از برای استخراج آن اشیاء کرده اند

**افتخار الواعظین** - مجسمه که معلوم

است مراد از آن مجسمه هائی است که از سلاطین قدیم یا غیر سلاطین قدیم از زیر خاک استخراج می شود و معلوم است اگر مجسمه يك نفر از سلاطین قدیم از زیر خاک بیرون آمده که مرصع بوده باشد بجواهر یا آنکه متعلق باشد به یکی از بزرگان مملکت آن هیچ فرق نمی کند که در زمین دولت یا در زمین متعلق باشخاص باشد از هر حائی که بیرون آمد متعلق بهوزه دولت خواهد بود کتیبه هم معلوم است که آن کتیبه هائی است که اهمیت تاریخی دارد و بعضی از سلاطین بعضی وقایع تاریخی خودشان را در بعضی از جاها برسم یادگارتر کرده اند آن ها هم چنانچه از زیر خاک استخراج بشود معلوم است که باید متعلق بدولت و موزه مملکت باشد فقط اشکالی که در این جا بود این بود که می فرمودند بعضی از آقایان که شاید بعضی کتیبه ها در بعضی مساجد و اماکن باشد آنوقت آنها را بردارند و بگویند که مطابق این قانون متعلق بدولت است یا بنواسطه قید شد که کتیبه هائی که از زیر خاک خارج شده و اهمیت تاریخی هم داشته باشد و آقای حاج شیخعلی تصدیق خواهند فرمود که آن قید آخری تصریح می کند که چیزهایی که در ابتدا ذکر شده است باید اهمیت

تاریخی داشته باشد و راجع بسلاطین قدیم باشد یعنی چیزهایی باشد که وقایع تاریخی يك پادشاه در آن جا نقر شده باشد یا مجسمه يك پادشاهی باشد یا اینکه يك ستونی از عمارات سلطنتی باشد و معلوم است که این ها باید متعلق بدولت باشد اما در باب مغارج که فرمودند بدیهی است که آن شخص که گرفته است مغارج کرده است تمام آن مغارج را از برای این نکرده است که این يك مجسمه بیرون بیاید یا این يك ستونی استخراج بشود و ممکن است خیلی از اشیاء عتیقه دیگر هم استخراج کرده باشد از اینجهت بود که نوشته شد که اگر مجسمه یا ستون و کتیبه یا چیزهای دیگر از این قبیل باشد و از زیر خاک استخراج بشود و اهمیت تاریخی داشته باشد آن ها متعلق بدولت خواهد بود فقط باینکه دولت بآنکسیکه استخراج کرده است حق الزحمه میدهد و اگر از چیز های دیگر است که داخل در این مستثنیات نیست و دولت صدی بیست یا چهل هرفرد که معین شد بگیرد و مابقی متعلق بخود مستخرج خواهد بود و این را هم لازمست آقایان بدانند که از برای استخراج عتیقات يك مغارج خیلی گران است که تصور میفرمایند هیچکس صرف نمیکند چند دانه بیل است و چند نفر عمله و تبه هائی را که احتمال میدهند سابق بر این آبادی بوده است و بیک سانه ارسوانج خراب شده است میکنند و يك چیزی خارج میشود و اگر آنچه داخل در این مستثنیات نبود دولت مالیات خودش را از آن میگیرد و مابقی را به صاحبش واگذار میکند

**آقا محمد میر و جردی** - گمان اینست که

اولا مغیر کمیسیون ملزم نیست باینکه حتماً دفاع بکند از هر چیزی که در کمیسیون نوشته شده است بجهت اینکه ممکنست يك رای صحیحی هم در مقابل آن باشد آقای افتخار الواعظین میفرمایند مطابقاً چه در ملک شخصی و چه در ملک غیر شخصی باشد باید متعلق بدولت باشد اینرا بنظر نمیتوان تصویب کرد بجهت اینکه ما در قانون معادن خوانده ایم و از مجلس گذشته است شرع هم گفته است که هر کس مالک زمین است تمام اعماق و بطون زمین و آنچه که در اوست مال اوست بملایه عقیده بنده این است که اگر این قانون کلیه موادش بخصوص این ماده به این طور از مجلس بگذرد پس از این که انتشار پیدا بکند هیچکس اقدام باین کار نخواهد کرد آن وقت دولت باید يك مأمور برای اداره این کار تعیین بکند و مغارج زیادی بکند و آنوقت اگر مثل بنده هم مأمور آن کار باشد تمام آن تلف میشود اگر يك منتش هم معین بکند او هم میرود شریک با او میشود و کلیه طوری میشود که این قسم اشیاء در زیر خاک بماند و از این نعمت غیر مترقبه دولت و ملت محروم میماند و اینکه بعضی از آقایان فرمودند که این استخراجی که میشود دولت و ملت هر دو باید از آن منتفع بشوند بنده عرض میکنم که این مثل این است که من مال را در دریا بریزم و در يك موقع غیر معینی صرف بکنم و این يك چیزی است که ممکن نیست تصویب بکنیم خصوصاً آن جهات مخالف با

شرعش که هرگز تصویب نخواهد شد بخصوص این ماده که علاوه بر چیزهایی که در ماده سابق است يك بسط و گکش دارد و آن این است که قید شده است که چیزهایی که اهمیت تاریخی داشته باشد برای اینکه معین است که چیزهایی را که میشود اهمیت تاریخی بآنها داد بعضی ها هست که اهمیت تاریخی راجع بخود آن چیز است و آن کسی که خبره است میدانند که آن پارچه خیلی قدیم است یا آنکه راجع بسلاطین است ولی بعضی ها است که ممکن است اهمیت تاریخی نداشته باشد و معذک دارای يك قیمت زیادی باشد و چون این عبارت کش بردار است ممکن است در آن مورد هم آن را از آن مستخرج بگیرند باز اگر فقط نوشته میشد که اگر از اثنایه سلطنتی بود متعلق بدولت است يك چیزی بود ولی این قید اهمیت تاریخی داشتن خیلی تولید اشکال میکند باین جهت است که بنده بدو اوصاف تمام این ماده را رد میکنم و عقیده ام این است که عرض کردم و باز هم عرض میکنم که باید این قانون را قسمی نوشت که اسباب این نشود که بکلی از این نعمت غیر مترقبه که دولت و افراد مردم از آن انتفاعات فوق العاده میرند همگی محروم بشوند و این اشیاء زیر خاک بماند که شاید بد کسی ثروتی پیدا بکند که بتواند این کار را بکند یا نتواند

**آقا شیخ رضا** - چیزهایی که از زیر خاک بیرون می آورند و پیدا میکنند چه در ملک شخصی باشد یا در بطون او و چه جاهائی که متعلق بدولت است در هر جا که باشد آن شخص مستخرج مالک آن چیز نمی شود و اینکه گفته میشود يك جائی را که شخص مالک او است تا اعماق آن زمین را هم مالک است صحیح نیست اینکه شاید آن محوطه معاذی باشد یا يك نقطه از کوه که ساکنین داشته باشد و در این صورت معلوم است که نه آنها مالک اینطرف هستند و نه اینها مالک آنطرف پس اینکه گفته میشود که تا اعماق را مالک است صحیح نیست و هیچ دلیلی هم ندارد و اگر کسی هم ادعائی بکنند در این مسئله بنده حاضریم که ثابت بکنم که اینطور نیست پس اینکه مالک يك قطعه زمینی تا اعماق آن زمین و از آنطرف تا همان سارا مالک است هیچ همچو چیزی نیست و اگر دلیل هم بخواهید حاضر عرض بکنم که نه اعماق زمین مال کسی است و نه عنان سما بله چیزی که هست این است که يك اندازه متعلقات دارد که در آن متعلقات ذبححق است مثلا کسی نمی تواند در فضای نزدیک ملک يك شخص تصرفاتی بکند که مانع از بعضی آسایش و راحت و زندگی او بشود مثل اینکه آن نضاروا مظلم و نازیک بکند اما آن جاهای دور که هیچ ربطی بمالک يك زمینی ندارد و هیچ ممنوعیتی از تصرف ندارد پس چیزی که در يك جائی پیدا میشود یا پیدا شده است مال آن مالک نیست چون حیاضت نکرده است برای اینکه املاک تابع حیاضت است مثل اینکه اگر يك چیزی را يك کسی پیدا کرد و ملتفت نشد که این چه چیز است و دور انداخت باز حیاضت نکرده و ملک او نشده است و اگر کسی دیگران را برداشت ملک او است و در صورتیکه پیدا کرد و حیاضت هم کرد ولی از صفایای ملوک شد چنانچه آقای حاج شیخ الرئیس در جلسه گذشته فرمودند

باز آن راجع بدولت میشود چنانچه در صدر اسلام مردم میرفتند محاربه میکردند با طرف مقابل چنان میدادند و مال می آوردند و باز تصرف در آن مالها و آن چیز هائی را که آورده بودند راجع بدولت میشد پس هیچ شکى در این نیست که هر چیزی که پیدا شد و حیاضت شد راجع بدولت و هیئت جامعه مملکت اسلامی است راجع باشخاص نیست در اسلام نظر باشخاص نیست و دولت شاهام امروزه دولت اسلامی است حالا شخصت کبست نباید نظر باین بکنند دولت اسلام عبارت از هیئت جامعه مملکت اسلامی است پس آنچه از صفایای ملوک نیست البته بدولت است و آنچه که از صفایای ملوک نیست البته کسیکه آن را پیدا کرد در ملک خودش و حیاضت نکرد البته مالک آن میشود و لکن در دولت رسم این بوده است که پنج يك آن راجع میشد بدولت حالا هم همان دولت است منتهی اشخاصه برق کرده است و اما آنهائی که در املاک دولت یا از قبیل بطون او پیدا میشود ممکن است که متعلق بدولت باشد پس اشکالاتی که میشود بنده تصور نمی کنم که از چه راه است

**آقا سید حسن هدیس** - آقای مخیر خوب بود آن مطالبی را دفاع بکنند که در اینجا نوشته شده است در این ماده بعضی از الفاظ زیاد شده است مثلا کلمه ( آنچه ) زیاد شده است و ابتدا سخر این ماده نبود دیگر اینکه آن ماده های سابق مقید این ماده بود و ایشان چیزی فرمودند و چون این مطلق است از این که در ملک دولت باشد یا در ملک اشخاص و مواد سابق مقید این ماده است حالا از جهت تعالیاتش و زیادی آن عرض نمیکنم آن يك بی انصافی است که در خودشان میدانند ولی این را لازم میدانم عرض کنم که در اینجا بعضی عبارت ها کم و زیاد شده است و خیلی مطلب را منقلب کرده است مثل اینکه عرض کردم که کلمه ( آنچه ) زیاد شده است و در این هم که این يك باید در ملک خود دولت باشد عبارت وضوحی ندارد و حالا چون خود اول است البته بعد از تمام شدن میروند بکمیسیون انشاء الله در کمیسیون این ملاحظاتی را خواهند کرد و يك الفاظی که غالب همان معانی که تصور کردیم باشد خواهند نوشت يك قدری اشکال کش کم بشود

**افتخار الواعظین** - بنده چون در اینجا اشتباهی برای آقا دست داده است ناچارم با کمال صعوبت رفع آن اشتباه را بکنم میفرمایند لفظ ( آنچه ) زیاد شده است خبر ابتدا زیاد نشده است و عین آن صورتی که در کمیسیون در حضورشان خوانده شد و تصدیق فرموده اند پیش بنده حاضر است می آورم باین صورت مقابله میکنم اگر يك کلمه توفیر داشته باشد بنده برخلاف وظیفه خودم رفتار کرده ام و اما آنچه که میفرمایند که سواد سابقه توضیح کننده این ماده است بنده عرض میکنم که توضیح کننده این نیست ولی از آقایان و مخصوصاً آقای آقا محمد تعجب میکنم که در کمیسیون هستند و عضو کمیسیون اگر مخالفتی دارد باید در خود کمیسیون بگوید ( آقا محمد بنده آنوقت نبودم ) اینجا با آقایانیکه مدافعه میکنند عرض میکنم اگر یکی از مجسمه های سلاطین ساسانی از زیر خاک

در آید آیا متعلق به آن شخص است که استخراج کرده است یا متعلق بدولت است البته بدیهی است که مال دولت است و همچنین اگر چنانچه یکی از سلاطین وقایع تاریخیه و سوانح عمومه خود را داده باشد در يك سنگی بطریق کتیبه کنده باشند که من در فلان سال رفتم با سلطان مصر چنک کردم او را چنین مغلوب کردم چندین اسیر گرفتم یا اینکه بپادشاه بابل چنین و چنان کردم اگر چنین کتیبه هائی بیرون آمد آیا آن مال مستخرج است و همچنین اگر چنانچه ستون عمارت سلاطین قدیم بیرون آمد و اینکه میفرمایند این ماده مقید بخواهد سابق است بنده میدانم که این قسم اشیاء به مستخرج بندهم بگوئیم آقا چون شما رفته اید زمین شخم بکنید یا کاش یا کوزه کاشی بیرون بیاورید يك مرتبه اینها را استخراج کرده اید اینها متعلق بشماست از راجعه ملاحظه میفرمائید

**رئیس** - اینکه شما میفرمائید که باید اعضاء کمیسیون در کمیسیون اظهار مخالفت خودشان را بکنند این تا اندازه سلب حق اظهار عقیده را از نمایندگان میکند هر کس که مخالفتی دارد چه در کمیسیون چه در مجلس و لوائیکه اعضاء کمیسیون هم باشد هر وقت میتواند اظهار مخالفت خودش را بکنند حالا گویا مذاکرات کافی است ( گفته کافی نیست )

**رئیس** - پس رأی میگیریم در اینکه مذاکرات کافی است یا کافی نیست آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - کافی بودن مذاکرات با اکثریت تصویب شد و فقره اصلاح پیشنهاد شده است خوانده میشود یکی از طرف آقای حاج سید ابراهیم و یکی از طرف آقای لسان الحکماء ( پیشنهاد آقای حاج سید ابراهیم بعبارت ذیل قرائت شد ) بنده پیشنهاد میکنم که ماده ( ۷ ) اینطور نوشته شود

مجسمه و ستون و کتیبه هائیکه از زیر خاک استخراج میشود و اهمیت تاریخی داشته باشد و آنچه راجع بسلاطین قدیم باشد دولت از ده هشت مالیات اخذ مینماید

**رئیس** - کمیسیون چه میگوید

**افتخار الواعظین** - آن اولی يك چیز دیگری بود برای اینکه پیشنهاد کرده بودند که از عین ده دو حق الزحمه داده شود

**رئیس** - اولی را مسترد کردید ثانی راجه می فرمائید

**افتخار الواعظین** - پیشنهاد ثانوی چون بتوان مالیات است کمیسیون نمیتواند قبول بکنند اگر مثل اولی دهنده بشود شاید قبول بکنند

**لسان الحکماء** - بنده همان دهنده را تخمین کردم و نظرم این بود که دولت نمیتواند در مغارج شرکت بکند بجهت اینکه مسئله تفتیش خودش ده برابر خرج خواهد داشت و دیگر این که يك مسئله مهمی در اینجا هست و آن این است که ما باید تا يك اندازه مردم را تشویق بکنیم که هم مردم وهم دولت از اینکار انتفاع ببرند و اینکه صدی نود دولت بردارد خیلی بی انصافی است باینجهت بنده پیشنهاد کردم که دهنده را دولت حق الزحمه خواهند داد حالا دیگر بستم برای مجلس و نمایندگان است

اینکه بدیهی است که نمیتوان گفت که تا يك پرده روی خاک مال يك شخصی است و از آن پرده که پائین رفت مال دولت است و از بدیهیات اسلامی است که کسی که مالک سطح ارضی شمالک عمق او هم هست حالا اگر کسی نظر باجتهاد شخصی خودش این را قبول نکند ربطی با اصول مسلمه شرع اسلام ندارد پس بنده عرض میکنم که ما فقط مجسمه و ستون و کتیبه ها را میخواهیم تکلیفشان را معین بکنیم که باید متعلق بکلی باشد و البته مجسمه هم منحصراً نیست که مجسمه سلطان ساسانی باشد مجسمه هر کس میخواهد باشد چون از تقایم تاریخی است و برای موزه دولتی فایده دارد راجع بدولت قرار بدیم سهل است ولی در استخراج ستون و کتیبه این جور چیزهای بزرگ مغارج زیاد میشود نه اینکه مثل مغارج استخراج کاش یا کوزه باشد و پس باید ملاحظه کرد و مغارج آن را بگردن دولت قرار داد که این اشیاء را میرسد باینجهت این عبارت را بنده پیشنهاد کردم و زیاد بر این را که در مواد دیگر نوشته ایم لازم نیست که در این ماده نوشته شود

**رئیس** - رأی میگیریم باین اصلاح آقای حاج سید ابراهیم - آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند ( اغلب قیام نکردند )

**رئیس** - قابل توجه شد ( اصلاح آقای لسان الحکماء بعبارت ذیل قرائت شد ) در آخر ماده ۱۷ بنظر نوشته شود

فقط دولت دهنده از قیمت بصاحب اجازه حق الزحمه خواهد داد

**رئیس** - دفتره اصلاح پیشنهاد کرده اید هر دو را باید خواند ؟

**لسان الحکماء** - همان پیشنهاد ثانی را بخوانند ( نیز بعبارت ذیل قرائت شد ) اصلاح ماده ( ۷ )

از مجسمه و ستون و کتیبه هائیکه از زیر خاک استخراج میشود و اهمیت تاریخی داشته باشد و آنچه راجع بسلاطین قدیم باشد دولت از ده هشت مالیات اخذ مینماید

**رئیس** - کمیسیون چه میگوید

**افتخار الواعظین** - آن اولی يك چیز دیگری بود برای اینکه پیشنهاد کرده بودند که از عین ده دو حق الزحمه داده شود

**رئیس** - اولی را مسترد کردید ثانی راجه می فرمائید

**افتخار الواعظین** - پیشنهاد ثانوی چون بتوان مالیات است کمیسیون نمیتواند قبول بکنند اگر مثل اولی دهنده بشود شاید قبول بکنند

**لسان الحکماء** - بنده همان دهنده را تخمین کردم و نظرم این بود که دولت نمیتواند در مغارج شرکت بکند بجهت اینکه مسئله تفتیش خودش ده برابر خرج خواهد داشت و دیگر این که يك مسئله مهمی در اینجا هست و آن این است که ما باید تا يك اندازه مردم را تشویق بکنیم که هم مردم وهم دولت از اینکار انتفاع ببرند و اینکه صدی نود دولت بردارد خیلی بی انصافی است باینجهت بنده پیشنهاد کردم که دهنده را دولت حق الزحمه خواهند داد حالا دیگر بستم برای مجلس و نمایندگان است

**افتخار الواعظین** - ده دو را کمیسیون قبول میکند که حق الزحمه داده شود .  
**رئیس** - میفرماید حق الزحمه نوشته شود .  
**لسان الحکماء** - بیه عوض جمله ( از دو هشت مالیات اخذ مینماید ) نوشته شود ( ده دو حق الزحمه بستمخرج خواهند داد ) ( اصلاح مزبور مجدداً قرائت شد ) .

**رئیس** - حالا باید در قابل توجه بودن این پیشنهاد رای بگیریم این شور دوم نیست شور اول است و هنوز مطالبی که بکمیسیون تفسیر فرستاده شده است راپورتش نیامده است از اینجهت باید در قابل توجه بودن آن رای بگیریم - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند ( اغلب قیام نکردند ) .

**رئیس** - قابل توجه نشد - اصلاح آقای حاج آقا قرائت میشود ( بمضمون ذیل قرائت شد ) .  
 ماده ( ۷ ) بنده پیشنهاد میکنم - مجسمه و ستون و کتیبههاییکه از زیر خاک استخراج میشود و اهمیت تاریخی دارد و آنچه راجع بسلاطین قدیم است اگر دراملاک دولتی است در حکم دفتنه و متعلق بدولت است و اگر دراملاک شخصی است باید دولت قیمت آنرا بعد از وضع مالیات بستمخرج بدهد .

**رئیس** - در واقع این رای گرفتن قابل توجه نشد .  
**حاج آقا** - خیر این نیست اگر اجازه فرمائید توضیح عرض کنم .  
**رئیس** - همان است حالا بفرمائید توضیح بدهید .

**حاج آقا** - این تکلیف آنهایی که از املاک شخصی استخراج کرده بودند تعیین میشد که آنهایی که از املاک شخص خارج میشود ملک شخص نباشد و باید دولت ضبط بکند و این ربطی با موضوع ندارد حالا اگر اجازه فرمائید عرض بکنم .

**رئیس** - بفرمائید .  
**حاج آقا** - بنده خواهم میکنم از آقایان که در مورد گذشتن هر قانونی مخصوصاً قوانینی که در واقع راجع به حقوق اشخاص میشود در آنها يك دقت کلامی شود که جهات اشکال هر قانونی بکلی مسدود بشود تا قانون اجرا بشود این دوسه ماده که علت هم گفته شد از ماده راجع بدفتنه تا اینجا تمام يك حکم دارد و تمام يك صنف باید در آنها ملاحظه کرد دفتنه چه پول باشد چه آثار عتیقه و کتیبه و غیره تمام يك حکم را دارد اگر ما دفتنه را در املاک شخصی گرفتیم راجع بخود مسمخرج است و دولت باید چیزی بگیرد در سایر چیزها هم همینطور است هیچ فرق نمی کنند این مطلب هم مسلم است امروز بیش فقهاء که مالک سطح اراضی مالک بطن اراضی هم هست و این متفق علیه است و هیچ جای اشکال نیست که بطن اراضی تابع سطح زمین است و نباید شبهه کرد اگر چه يك شبهه کردند و سابق براین هم که در ممانند مذاکره میشد آقای میرزا یانس فرمودند که اما حق زمین تابع سطح نیست بجهت اینکه اگر ما فرض کنیم از سطح زمین يك حفاری بشود از این طرف زمین تا آنطرف زمین اگر مالک سطح

زمین را مالک عمق هم بدانیم آنوقت مالک عمق مالک این طرفی خواهد بود یا آنطرفی و دفتنه که خارج میشود از کدام یک است بنده عرض کردم که این علاوه اینکه ممکن نیست و کسانیکه داناستند میدانند که حرارت زمین مانع است و ممکن نیست از اینطرف زمین سوراخ شود تا آنطرف زمین علاوه بر این عرض میکنم که اگر ممکن شود از سطح زمین تا مرکز اراضی از اینطرف زمین و از سطح زمین تا مرکز اراضی از آنطرف زمین سوراخ کرد این مال صاحب اینطرفی است و آن مال صاحب آنطرفی این تابع ملک است اینطرفش تابع سطح اینطرف و آنطرفش تابع سطح اینطرف این هیچ اشکالی ندارد و هیچ اشکالی ما نمیتوانیم در آن بکنیم اما يك نقطه نظری در اینجا هست و آن این است که اگر این مجسمه و ستون و کتیبه که راجع بسلاطین باشد ولو باین ترتیب شرعی مالک آن شخص است که استخراج کرده است ولی ما باید مصالح عمومی را هم از نظر دور نیندازیم و ملتفت باشیم که اینها راجع باثار تاریخی ملک و وجودش در مملکت اسباب استعمال و امیدواری و بزرگواری مملکت است باید همیشه حفظ بکنیم از اینجهت از این نقطه نظر ما باید يك چیزی بان کسی که این اشیا را استخراج کرده رعایت کرده باشیم و با پول بدیم دولت هم بان نقطه نظر صحیح که راجع بمنافع عمومی است رسیده باشد و آن این است که این را قیمت کند و قیمتش را دولت بعد از وضع مالیات بدهد بستمخرج و آن چیز تاریخی را ضبط کنند و در موزه دولتی نگاه دارند تا آنکه همین که این يك چیز تاریخی شد حق آن شخصی مستخرج از این برود و باید با يك حق قلبی قناعت بکنند بواسطه اینکه من فرق کمی می بینم بین يك ستونی که استخراج شده باشد از اعلام تاریخی و بین يك گنجی که تمام طلای مسکوک باشد آ را تمام باید داد صاحب گنج و مستخرج و يك چیزی دولت بگیرد و اما اینکه يك قیمتی دارد چون بیچاره يك چیزی استخراج کرده باید بکنی معرور باشد و چیزی بدست او ندهد این هیچ منطقی نیست باید دولت قیمت آنرا بدهد و مالیات خودش را بگیرد و آن چیز را هیچ خود او ضبط نکند برای موزه دولتی مجسمه و ستون و کتیبه هر کدامش باشد قیمتش که باور رسید حق ترجیحی میدهم بدولت که قیمتش را بدهد و آنرا حفظ بکند و در موزه دولتی هم بترتیب شرعی محفوظ مینماید و هم ملاحظه انصاف و ترتیب عدالت و وجدانش .

**معاون وزارت فوائد عامه** - در این ماده خیلی مذاکرات شد و بنده تصور میکنم که باید مطلب را واضح گفت در این که رجوع به مجسمه و ستون و کتیبه است درست واضح باشد که ملک مال هر کس باشد اینها مال دولت هست و بنده تصور میکنم که این اشکالی ندارد بجهت این که اگر مال بنده در خانه يك کسی بود آن کس مالک آن چیز نمیشود این اشیا ای که در زیر خاک پنهان است این ها يك چیزهایی است که هیچوقت در هیچ عصری راجع نبوده است در هر عهدهی راجع بسلاطنت و دولت بوده است و همه این ها یا راجع يك جاهای عمومی بوده یا ملک دولت بوده است که

اصلاً ملک اشخاص نبوده است بر فرض که امروز در زیر يك زمینی پیدا بشود از این قبل باشد آن در واقع از چیزهایی است که همان دفتنه دولت را میشود در آن منجوظ کرد که مال دولت بوده در واقع مثل يك چیزی است که بودیه گذاشته شده پس از آنی که کشف شد بجای خودش گذاشته میشود و این اشکال را بنده تصور میکنم که اگر بخواید شود هیچ بان مقصود نخواهیم رسید و اصلاً این قانون را نباید گذاشت و هیچ ذکری از این چیزها نباید کرد و این قبیل چیزها منحصر باین نیست که در يك ملکی باشد و در ملک دیگری نباشد و هر چه از این قبیل چیزها خارج شد باید مال دولت باشد زیرا نمیشود این طور که میفرمائید دولت ببرد از اشخاص هیچ هیچ چیزی برای دولت مقدر نخواهد شد بجهت این که این قبیل اشیا يك قبضتی دارد که دولت قادر نیست که ببرد و قیمت آن را بصاحب ملک بدهد بنده تصور میکنم که چون این قسم اشیا اصلاً مال کسی نیست این ها همیشه در هر جا که مخفی هست مال دولت و عامه بوده است و اگر هم يك وقتی بیرون آمد چون آن جابجوان و دیه بوده است باید متعلق بدولت باشد .

**رئیس** - اصلاح آقای حاج آقا دو مرتبه قرائت میشود رای بگیریم ( مجدداً قرائت شد )  
**رئیس** - رای میگیریم باین اصلاح آقای حاج آقا آقایانی که قابل توجه میدانند قیام نمایند ( اغلب قیام نکردند )  
**رئیس** - قابل توجه نشد از طرف آقای حاج شیخ الرئیس اصلاحی پیشنهاد شده است قرائت میشود ( بمضمون ذیل قرائت شد )  
 بنده پیشنهاد میکنم ماده هفت این طور اصلاح شود مجسمه ها و کتیبه و ستون ها که اهمیت تاریخی دارد اگر در اراضی متعلق بدولت باشد استخراج شود ضبط موزم دولت بشود و در يك قیمت بستمخرج داده میشود و اگر در ملک شخصی باشد متعلق بستمخرج خواهد بود فقط دولت باید بقیمت عادلانه در محل استخراج خریداری نماید .

**رئیس** - کمیسیون چه میگوید .  
**افتخار الواعظین** - این عین همان اولی است کمیسیون قبول نمیکند دیگر اختیار با مجلس است  
**حاج شیخ الرئیس** - اولاً برای این که بطور اختصار ادای تکلیف وجدانی خود را کرده باشم عرض میکنم البته بنده با اکثریت مجلس و آراء مجلس مقس است عرض میکنم این جا خیلی در این ماده مذاکراتی میشود از جهتی بنظر بنده بیربط باین ماده میاید اگر چه از جهتی مربوط باین مواد است مثلاً مسئله صفایای ملوک است که ربطی با بنده ندارد این راجع بمسئله قیمت است و در کتاب جهاد عنوان دارد این دخلی بتقیات ندارد مسئله دفتنه و حکایت خمس آنهم حکمی است شرعی لذا باین مواد هیچ نمیتوان مشابهت داد و آن عنوان شرعی را مبرزان گرفت از برای تسویه آن مالیاتی که دولت آنرا بعنوان مالیات بر حسب لزوم میخواهد بجزایات و عتیقات ببندد پس بنده استدعا میکنم شریعت را داخل مواد قانونی مالیات نکنند و بنده

مطلب را از موضوع پارلمانی خارج میدانم مثل سطح و عمق زمین که از مسلمات میدانم که هر کس سطحش را مالک است عمقش را هم مالک است و هیچ فقیمی هیچ عالمی در آن اختلاف ندارد مگر تجدیدنظری برای یکی از آقایان علماء حاصل شود اما سابقین این نظر را نکرده اند امامت حیاضت که این جا گفته میشود خیلی از آقای معاون معذرت میخواهم مثل اینکه بنده از شیمی و کیمیا بیایم تحقیقات بکنم و کشف کنم که البته بنده از اینها مطلع نیستم چیزی را که شخص حیاضت مسالك میشود آن در اراضی موات است و آنها خودش يك عنوانی دارد اگر رفت دورش را سنگ چید میگوند حق تعجب دارد اگر رفت شتم کرد حق حیاضت دارد اینها هیچ ربطی باده قانونی عتیقات ندارد و برای واستحسان نمیشود يك قانونی را وضع کرد و مشروع دانست و بنده عرض میکنم که اینها سر ایا خلایق و خلاف شریعت و خلاف عدالت است بنده دیگر بیش از این عرض نمی کنم .

**رئیس** - رای میگیریم باین اصلاح آقای حاج شیخ الرئیس آقایانی که قابل توجه میدانند قیام نمایند ( اغلب قیام نکردند )

**رئیس** - قابل توجه نشد آقای دکتر اسمعیل خان اصلاحی پیشنهاد کرده اند قرائت میشود ( عبارت ذیل قرائت شد ) بنده پیشنهاد میکنم که ماده هفتم چنین نوشته شود .

ماده ۷ - - مجسمه و ستون و کتیبههاییکه از زیر خاک استخراج میشود و اهمیت تاریخی داشته باشد و آنچه راجع بسلاطین قدیم باشد متعلق بدولت خواهد بود و جز مالیاتهای در ماده سوم و چهارم محسوب نخواهد شد ولی اگر شئی مستخرج در املاک دولتی باشد دولت دهيك و اگر در ملک غیر باشد در حق الزحمه بستمخرج خواهد داد .

**رئیس** - کمیسیون چه میگوید .  
**افتخار الواعظین** - کمیسیون دود و در تمام اراضی چه دولتی و چه غیر دولتی قبول کرد و حالا اینجا دود هم اگر بایست پیشنهاد بشود باید فرق بین اراضی دولتی و غیر دولتی نگذاشت .

**دکتر اسمعیل خان** - اینجا بریروز آقای حاج شیخ الرئیس تصدیق فرمودند که چیزهایی که متعلق بسلاطین است باید در موزه سلاطین و جاهائی که محل تماشای گاهای عمومی است یعنی راجع بمعمومات مذکور است اینجا اگر بخواهیم این را فی الواقع حق مستخرج قرار بدیم گمان میکنم که صرفه دولت و صرفه عمومی را ملاحظه نکرده باشیم مثل اینستکه غالب آقایان اظهار فرمودند اگر در ملک دولت باشد دولت بتواند که آنرا بگیرد و يك حق الزحمه باوبدهد و متصرف شود اما اگر در ملک سایرین واقع شود باید متعلق بصاحب ملک و مستخرج باشد پس این نظرشان باید اینطور باشد که اگر در ملک دولت باشد حق دولت است و اگر در ملک غیر باشد باید يك حق باو داد و گویا این از باب حق الارض است مثل اینکه اینجا اظهار فرمودند که تا اعصاب زمین ملك است عقیده بنده این است که از باب حق الارض باید يك چیزی

باو داد یعنی در آن اراضی که متعلق بدولت است دهيك حق الزحمه باو بدهند و در اراضی که متعلق بشیر دولت است دود بدهند که هم از باب حق الارض ملاحظه شده باشد هم حق الزحمه آن مستخرج

**رئیس** - رای میگیریم باین اصلاح آقای دکتر اسمعیل خان آقایانی که قابل توجه میدانند قیام نمایند ( اغلب قیام نکردند )

**رئیس** - قابل توجه نشد ماده هشتم قرائت میشود ( عبارت ذیل خوانده شد )

ماده هشتم هر گاه کسی بی اجازه اداره عتیقات حفر اراضی نماید یا چیزی از عتیقات مستخرج را پنهان نموده حقوق دولتی را نبردخته باشد پس از کشف هبتاً ضبط دولت شد مترجم مجازات قانونی خواهد شد

**حاج شیخ اسدالله** - غالب این موادی که اینجا نوشته شده است و یکی از آنها همین ماده است و اشکالات و مذاکراتی که میشود در اینمواد از حیث مطابقه با موازین شرعیه است بنده تصور میکنم که دو جلسه مجلس را ما داریم تمدد میکنم که ضایع بکنیم ( یعنی بنده که ضایع میکنم ) و آخر هم قانون نداشته باشد اینجا يك چیزی مینویسد که در مواد پیش هم نوشته شده است و هر يك از آقایان هم هر چه مذاکره میکنند باز بهمان حالت اولیه باقی مینماند ( مینویسد بدون اجازه دولت اگر کسی در اراضی حفاریات بکند ) و او در ملک خودش باشد و مواخذه دولت است و آن شئی مال دولت است و حال آنکه هیچ مطابق با شرع ندارد بر فرض که اینمواد در اینجا تمدد کرده شود و وقت مجلس را هم ضایع بکنیم مجلس هم رای بدهد بعد از رای دادن با زهم قانونیت ندارد چون از حیث مطابقه با شرع باید بنظر طراز اول باشد و خودشان میفرمایند که اینمواد صحیح نیست .

**رئیس** - اگر منافی با شرع بود آقا اظهار میکردند گفتند يك اشتباهی شده است و اگر اشتباهی شده است در کمیسیون رفع خواهد شد ما هم اینجا رای نمی دهیم این شور اول است که میشود بعد بر میگردد بکمیسیون اگر اشتباهی یا سوء تفاهمی شده است رفع میشود

**حاج شیخ اسدالله** - بنده در این ماده عرض میکنم که این از همان موادیست که مطابق شرع نیست و استدعا میکنم که آقای مخیر هم زیاد تر از این مدافعه نکنند که زود اینمواد بگذرد من در زمین ملکی خودم این کار را کردم چرا باید از من گرفت بلکه باید مالک اطلاع با دانه عتیقات بدهد که مطلع باشد از برای گرفتن مالیات از آن اشیا مستخرج اما بدون اجازه دولت من در زمین شخصی خودم يك حفاری کردم عتیقاتی کشف کردم بجهت قانون باید مال دولت باشد باینجهت عرض میکنم که این ماده صحیح نیست

**افتخار الواعظین** - از آقای حاج شیخ اسدالله با کمال صراحت تمنا میکنم که تراکت پارلمانی را بعد از این ملحوظ داشته باشد و بداند که اعضای کمیسیون فواید عامه در میانشان اشخاصی هستند که پیش از ایشان قفاقت دارند عرض میکنم که آقایان برایشان يك اشتباهی دست داده است آقای مدرس فرمودند -

**رئیس** - باید بشما بگویم که نباید شما بایشان دوس تراکت پارلمانی بدهید اگر لازم باشد بنده بایشان عرض خواهم کرد

**افتخار الواعظین** - بلامعرض میکنم فرمودند که يك لفظی زیاد شده است تغییر زیاد نشده است صورتی که بغض مبارک خودشان نوشته اند پیش بنده است و نسبتاً آن صورت را بنظر مبارکشان خواهم رساند که ببینند که لفظی زیاد نشده است ولی ایشان هشت را خوب مطالعه بفرمایند اگر کسی پس از آنکه شش يك قانونی وضع بکنند برای عتیقات و اگر کسی بدون اجازه اداره عتیقات برود حفر بکند یا اگر اجازه رفتن و یک چیزی استخراج کرد و برای اینکه مالیاترا ندهد آنرا پنهان کرد آیا شش در این جا برای آن شخص مجازات معین نخواهد کرد ؟ این معلوم است که کسی که با اجازه برود استخراج بکند و کسی که بدون اجازه برود استخراج بکند این کسی که اشیا مستخرجه را ظاهراً بیاورد و مالیاتش را بدهد این کس باید فرق داشته باشد با آن شخص آتیم راجع است باینکه اگر کسی بدون اجازه حفر کرده باشد یا آنکه آتشویی مستخرج را پنهان کرده باشد که مالیات دولتی را نخواهد بپردازد آن شئی مستخرج ضبط خواهد شد و مجازات قانونی داده خواهد شد .

**حاج شیخ زهلی** - ماده قانونی که وضع میشود باید همچو وضع شود که مثل قمره نمک نشود که مدتی وقت مجلس صرف وضع بشود و بعد نسخ بشود اگر میخواهد اجرا بشود و بی زحمت باشد این موادی که اینجا نوشته شده است هیچ از برای این کار کافی نخواهد بود جز اسباب تولید زحمت و يك کشا کشی خواهد شد که بالاخره مجبور خواهد شد که این را نسخ بکنند و در این ماده مینویسد که هر گاه کسی بی اجازه اداره عتیقات حفر اراضی نماید دیگر این حفر اراضی کردن معلوم نیست که برای چیست آنوقت اگر يك شخصی در ملک شخصی خودش حفر حوض کرده است اداره عتیقات خواهد گفت که اجازه از من نگرفته اید و خواسته اید که استخراج عتیقات در اینجا بکنید از کجا معلوم خواهد شد در هر خانه که میخواهند حفاری بکنند برای استخراج عتیقات است یا حفر حوض يك معفتش خواهد گذاشت که اگر زین خانه اش را حفر بکند بپسند برای حوض است یا استخراج عتیقات این معلوم باشد که بجهت اینست یا آنکه هر کس بخواید در ملک خودش برای حوض ساختن حفاریات بکند و زمین بکند باید برود ابتداء از اداره عتیقات اجازه بگیرد که من برای حوض میخواهم حفر بکنم نه برای عتیقات این ماده هیچ نمیرساند این مطلب را که بنای حفر اراضی که میکنند برای چیست از کجا معلوم میشود که این شخصی که حفر کرده برای عتیقات بوده یا غیر عتیقات همچنین اشیا عتیقه را اگر اینکه حقوق دولت را نداد اشیا عتیقه هم الان خیلی است در دست مردم آنوقت يك شئی قدیمی که در دست يك شخصی پیدا خواهد شد دولت برود بگیرد آن را از دست

او که این را از توری چاهی که میخواستی بکنی بیرون آمده آخر چرا ما قانونی را که میخواهیم وضع نکنیم ملاحظه اطرافش را نکنیم که آنوقت دچار محظوراتی بشویم که نتوانیم او را اصلاح بکنیم آیا این اشیاء کالان مردم در دست دارند اینها را نیت دارند که چه چیز است چه قدر است نه ندارند و یک مأمورین صبح هم که در تمام ولایات ندارند همه میدانند که قدر اشیاء عتیقه در دست مردم فراوان است آنوقت اشیاء عتیقه در دست یکی که دیده میشود خواهند گفت حالا بیرون آورده او خواهد گفت از سابق داشته ام باید جمیع اطراف کار را نظر کرد و این ماده هیچ قابل اجرا نیست .

**حاج وکیل الرعایا**

این ماده برای این است که دو جمله را متروک کنیم میگوید که « هرگاه کسی بی اجازه اداره عتیقات حفر اراضی نماید یا چیزی از عتیقات و مستخرجات را پنهان نموده این دو تا بهم نمیتواند شرک داشته باشد برای اینکه این داخل این قانون شده است و اطلاع پیدا کرده است و اجازه گرفته است و رفته است عتیقات بیرون آورده است ولی فقط برای این که مالیات دولت را نپردازد پنهان کرده است و این گناهش بزرگتر است از آن کسی که بی اجازه دولت مشغول حفريات شده است و نمیتوان این دو را در حکم با هم دیگر شرکت داد و اگر مجزی بشود بهتر خواهد بود و نانی ضبط را که اینجا بطور کلی میفرمایند ضبط خواهد شد آن هم برای کسیکه بدون اجازه حفريات کرده باشد زیاد است در صورتیکه در جاهای دیگر يك مالیاتی برای حفريات مجلس تصویب خواهد فرمود که بدهند و بعد از برای باقی معلوم خواهد شد که یکجا ختم میشود و اینکه بکلی ضبط شود گمان میکنم زیاد است به يك مالیاتی برای تهیه آشنا شدن بقانون میتوان تصویب کرد اما بکلی ضبط را بنده مخالفم و کمال بی انصافی است بجهت این که شاید این قانون در ممکت ما با این وسعت تمام معانی خودش را نتواند بپیماند و اسباب این میشود که اشخاصی که بی خبر از این قانون بدون اجازه مشغول حفريات میشوند یک چیز خوبی که بدستشان میاید از دستشان بگیرند و شاید خود آقایان این را یک قدری بهتر از بنده میدانند که این یک قدری قابل توجه است .

**حاج سید ابراهیم**

بنده فقط میخواستم سؤال کنم این که نوشته شده است مرتکب مجازات قانونی خواهد شد مردان چه قانونی است گذشته که نیست یا بنده است که نیامده است .

**افتخار الواعظین** - مراد از این مجازات قانونی آن قانون جزایی است که کلیه دران مملکت نوشته خواهند شد از برای کسانی که مخالف قانون بکنند و از برای هر مخالفی لابد يك مجازاتی معین خواهد شد و همچنین از برای اشخاصی که بخواهند عتیقاتی را که پنهان بکنند از برای اینکه مالیات دولت را ندهند یا آنکه بدون اجازه دولت مشغول حفريات شده باشند آن قانون جزای کلی مجازاتی تعیین میشود که آن مجازات درباره آن قسم از اشخاص مجزی خواهد شد .

**رئیس** - مذاکرات کافی نیست ؟ گفتند کافی است .

**رئیس** - چهار پنج فقره اصلاحات پیشنهاد شده است باید خوانده بشود و رأی بگیریم ولی اگر مخالفی نباشد بعد از تنفس خوانده شود (گفتند صحیح است و تنفس شده)

(مجلس مجدداً بعد از تنفس یکساعت و ربع قبل از ظهر منتهی گردید)

**رئیس** - چند فقره اصلاح استراجع بمانده ۸ که باید قرائت شود ولی يك فقره پیشنهاد است که از طرف آقای ارباب کیخسرو شده است که ارجاع بکمیسیون است و این اصلاح حق تقدم دارد اول قرائت میشود ( اصلاح مزبور به سبب ارباب کیخسرو قرائت شد )

بنده پیشنهاد میکنم جمله ( مرتکب مجازات قانونی خواهد شد ) از آخر ماده ۸ قانون عتیقات حذف و ماده مزبور بکمیسیون فوائد عامه ارجاع شود با مشورت وزارت فوائد عامه در جات مجازات را در خود این قانون مشخص نمایند .

**ارباب کیخسرو** - بنده در سایر فقراتش هم نظرانی داشتم ولی چون آقایان فرمودند عرض نکردم خصوص در این ماده که میگوید ( مجازات قانونی خواهد شد ) در صورتیکه هیچ قانون مجازاتی نگذشته است و این قانون را اینجا میگذارند که اجرا بکنند بنده میدانم بموجب کدام قانون مجازات آن مجازات قانونی خواهد شد در صورتی که اگر آن قانون معلوم باشد مأمورین دولت در یک جزئی مضطرب مجازات سخت بدهند این است که بنده تقاضا میکنم که این ماده برگردد بکمیسیون که در آنجا با نظرات وزارت فوائد عامه اصلاح شود

**رئیس** - مخبر کمیسیون چه میگوید .

**افتخار الواعظین** - همین طور که فرمودند بنده هم تقاضا میکنم برگردد بکمیسیون که تجدید نظر بشود .

**رئیس** - چون خودتان هم تقاضا میفرمایید دیگر رأی نمیگیریم ارجاع بکمیسیون میشود (ماده ۹ ببارت ذیل قرائت شد)

ماده ۹ - در اشیاء مستخرجه دولت همیشه از روی قسمت اضافه محلی با صاحب اجازه طرف خواهد بود که یک نفر از طرف دولت از اهل خیر محلی در تحت نظارت مفتشین تعیین قیمت خواهند نمود

**حاج وکیل الرعایا** - آنچه در مواد سابق بود هنوز لاینحل مانده است و نمی توانیم بدانیم که نظر مجلس بجهت قسم او را خواهد داد لکن در اینجا لازم است که در این ماده چون راجع قیمت است و نتیجه همه زحمات از اینجا شناخته میشود و مقصود اصلی اینجا است بنده گمان میکنم اینکه میگویند که يك نفر از طرف صاحب امتیاز و يك نفر از طرف دولت از اهل خیر محلی در تحت نظارت مفتشین تعیین قیمت خواهند نمود چون تجربه نشان داده است که همه مأمورین دولت مسجری خیالات عدالت خواهند نیستند و بعضیها رأی خودشان را هم شرکت میدهند و این حفريات در همه جای مملکت و خیلی از جاهای دور دست خواهد بود بنده

زراع دیگری بشود پس ما باید يك قانونی بنویسیم که حقیقه تولید اشکال نکنند بعد ما اسباب زحمت نشود و موارد اختلاف منحصر بیک موقع مخصوص هم نیست که بگوئیم این مثال اشکالی ندارد یا اشکال آن را رفع کنیم .

**آقا میرزا اسدالله خان** - بنده در ماده سه و چهار در ضمن مذاکرات عرض کردم دولت دچار اشکالات فوق العاده خواهد شد از تعیین قیمت این جنس و این بیاناتی که آقای مخبر فرمودند گمان میکنم که کافی نبود بجهت اینکه همیشه حساب ده تومان و اشکال يك تومان نیست تا اینکه باین آسانی که اینجا حل کردند حل شود و اینکه اینجا معین کرده اند چیزی مفهومی نمیشود - مینویسد در اشیاء مستخرجه دولت همیشه از روی قیمت با صاحب اجازه طرف خواهد بود یک نفر از طرف صاحب امتیاز و يك نفر از طرف دولت از اهل خیر محلی بنده این را فارسی نمیدانم و بالاخره یک نفر از اهل خیر محلی نیست آنجا یک هیج آبادی و مأموری نیست که یک نفر خیره که از روی قیمت دانا باشد و اطلاع داشته باشد که قیمت آن شئی چقدر است پس بطوریکه عرض کردم دولت دچار مشکلات بزرگ خواهد شد و باز عرض میکنم که عتیقه بنده همان است که در موقعیکه از مملکت خارج میشود اگر بگیرد دچار اینهمه محظورات خواهد بود و این منجر میشود باینکه اشیائیکه قیمتشان خیلی کم است بقیمت خیلی گزاف بدولت بدهند و هیچ منفعتی عاید دولت نشود از اینجهت بنده مخالفم .

**حاج شیخ الرئیس** - بنده با کمال اختصار عرض میکنم که این ماده در موقع اجرا خیلی اسباب زحمت رعایا و فقرا خواهد شد برای آنکه دست دولت هر چه باشد فویست و چون نظر نمایندگان محترم همیشه ب حفظ حقوق ضعیف و رنجبران است این است که باین واسطه بنده تصور میکنم این ماده اگر اینطور بگذرد اجمالاً اینست تفسیر حقوق فقرا خواهد شد و اینطوریکه آقای مخبر فرمودند بنده کافی نمیدانم .

**رئیس** - گویا مذاکره کافی است - ماده ده قرائت میشود ( ماده ۱۰ ببارت ذیل قرائت شد )

ماده ۱۰ - مأمورین اداره عتیقات در کلیه اشیاء مستخرجه نظارت دارند که اسماً و وصفاً با اسم محل و مستخرج و صاحب اجازه را در دفتر مخصوص ثبت نمایند .

**رئیس** - مخالفی در این ماده نیست ؟ ( مخالفی نبود ) ماده ۱۱ قرائت میشود .

( ماده مزبور ببارت ذیل قرائت شد )

ماده ۱۱ - جمیع اشیاء عتیقه روی خاک کی باستانی قالی و قالیچه و انواع فرشها که بخارج مملکت حمل میشود مثل اشیاء عتیقه زیر خاکی باید با علامت و پته اداره عتیقات بوده اداره مزبوره مواظبت خواهد کرد که دیمک حق سمساری معمول از آنها دریافت شده باشد .

**حاج سید ابراهیم** - اینجا خیلی غریب است و گویا در پیشنهاد وزیر هم این ماده نبوده و در کمیسیون زیاد شده و خیلی هم بی ترتیب است بواسطه اینکه معلوم میشود مأمور اداره عتیقات باید

برود در خانه هاهم کس يك کتاب کهنه دارد یا چیزی دیگری آترا بردارد و پته بپسباند مسگر اینکه بخواهیم وضع مالیات بکنیم بر هر چیزی که کهنه می شود باید يك پته بپسباند و سمساری هم در حال فروش نیست این قیمت چه چیز است که باید پته بپسباند .

**مخبر** - توضیحاً برای استحضار خاطر آقا عرض می کنم بطوریکه فرمودند در آن پیشنهاد اول وزیر نبود ولی بعد در مرتبه این ماده را بعنوان ماده واحده پیشنهاد کردند از طرف وزارت فوائد عامه و این جا مراد وقتی است که آن اشیاء عتیقه روی خاکی را بخواهند بخارج مملکت حمل بکنند اگر چنانچه در داخل مملکت یا در منازل کسی باشد بدیهی است که دیگر پته لازم ندارد بلکه اگر بخواهند بخارج از مملکت حمل نمایند این را میرید بدارم عتیقات يك پته باو می چسباند آن حق سمساری که الان معمول است از قرار توضیحاتی که آقای معاون دادند الان گرفته میشود آن حق سمساری را میگیرند و بخارج حمل میشود

**محمد هاشم میرزا مالیات** سمساری که گرفته میشود مالیات عتیقات نیست آنچه اینجا گرفته میشود باید راجع بعتیقات باشد مالیاتی که از حیث سمساری باید گذارده شود آن لایحه میخواهد علیحده و آن چیزی هم که از مملکت خارج میشود آن مالیاتی است که در گمرک گرفته میشود اینجا را نمیشود شامل این حکم قرار دادو دیگر باید قید شود اشیائی که از زیر خاک بیرون میآیند قبیل قاچاق باشد ولی بجزر این که از قدیم است نمیشود الان صد سال است که خیلی چیزها بیرون آمده و در دست مردم است این را نمیشود گفت بلکه مالیاتی بعنوان عتیقات روی آن انداخته و از اول این قانون نوشته شد برای آن چیزهایی که از زیر خاک بیرون آمده باشد از حفريات باشد نه اینکه بجزر عتیقات والا ممکن است که يك چیزی خیلی مدتها در آن خانواده مانده است و عتیقه است هیچ از زیر خاک هم بیرون نیامده است بنده مخالف این ماده هست مگر که اصلاح شود .

**حاج وکیل الرعایا** - نظر اینکه اینجا در پیشنهاد بنده بوده است چه از طرف وزیر چه از طرف کمیسیون گمان میکنم با آن مفهومی که حالا از این فهمیده میشود گویا فرق داشته باشد مستخدمان عتیقاتی است که از مملکت خارج میشوند آن چیزهایی که در بیوتات است و آنها را زینت خانه های خودشان قرار داده اند یا در جره دارائی آنها است ولی چون در موقتی که ما میخواهیم این جا تعرفه گمرکی بگذاریم چون تعرفه مملکتی است آن نظر خودش را اینجا بچنانچه است و بد نظری هم نیست از آن ترتیبات دیگری که قبلاً یکی از نمایندگان محترم اشاره فرمودند بهتر است و اگر ما میخواهیم در وقتیکه خارج میشود چیزی بگیریم شاید اغلب آنها چیزهای کوچککی است و آنان قیمت باینجهت بنده تصور میکنم که دولت باید حق خودش را از آن اشیاء معموله بخارج بگیرد پس در اینصورت بنده گمان میکنم که اگر مانع تصویب نکنیم که در وقت خارج شدن از مملکت يك حق سمساری یعنی یکصدی دهی بدولت عاید شود که آن هم راجع بخارج عمومی است و تقریباً مالیاتی است بر اشیاء و این خیلی

شاید است و ممکن هم است که او از يك وسیله اشیائی که انتفاع زیادی میرسد ما يك مالیاتی ما از او بگیریم و در همچو موقتی اگر ما يك مالیاتی بگیریم شاید کمتر از این موقتی داشته باشیم و گمان میکنم که نمایندگان محترم دقیق تر از این که هستند نشوند و تصدیق خواهند فرمود که باین قبیل مالیاتها که تحمیل بر فقرانیست خیلی محتاجیم .

**حاج امام جمعه** - اینقدرش را مسلم می دانم و آقایان نمایندگان در وضع قوانین حال مالیات بنده را بیشتر از حال مالیات بگیر ملاحظه میکنند و ضمیمه شان هم همین است و کبیل همیشه طرف رعیت را که مالیات بنده است باید ملاحظه بکنند و کبیل دولت که نیست و کبیل مردم است این ماده که اینجا نوشته شده است يك چیزی است بنده يك شمشیری است درست میکنیم و میدهم بدست مأمورین عتیقات حالت مأمورین امروز مان هم معلوم است اینجا نوشته شده است اشیاء عتیقه عتیق در لسان ما یعنی کهنه است کهنه هر چیزی مختلف است و چیزی درده سال کهنه حساب میشود يك چیزی در صد سال کهنه میشود و یکی هم در هزار سال و این اشیاء عتیقه يك معنای مهمل مجملی است يك مالیاتی باین می بندید و آن چه چیز است آن این است که يك پته بر آن بپسباندند و يك ده يك بگیرند که اجازه داشته باشد و اینکه مخبر گفت این وقتی است که از داخل بخواهند به خارج ببرند و این مثل گمرک است این جا همچو چیزی نیست قانون را باید طوری شای بنویسید و بهانه بدست مأمورین ندهید و بنده تصور می کنم که نمایندگان خیلی نیک نیتی را از احد گذرانیده اند حق هم این است که نیک نیتی کنند انشاء الله مأمورین ما هم خوب خواهند و دوائر ما خوب خواهد شد اما حالت امروزی را نباید غافل شد حالت مأمورین مان همین است که می بینید خصوصاً با حال امروزه که هست يك چیزی بدهید دست مأمورین اداره معارف آنوقت داخل خانه های مردم بشوند که شما اینجا عتیقات دارید عتیقات هم يك چیزی است که میزان معین ندارد چند ساله را عتیقه میگویند چه چیز را عتیقه میگویند و داخل خانه مردم بشوند که می خواهیم این را بنده بزنیم این میزان معینی ندارد این عرض بنده يك عرض دیگر هم راجع بکلیه این قانون است و آن این است که مادو اصل مسلم داریم .

**رئیس** - اینجا مذاکره در ماده با زدهم است نه در کلیه در موقع شور دوم و کلیات اگر عقابندی داشته باشید راجع با اساس این قانون ممکن است اظهار بفرمایند .

**مخبر** - آقای حاج امام جمعه که فرمودند در این ماده چیزی که دلالت داشته باشد بر این که این مالیات در موقتی که از مملکت خارج می شود میگیرند نیست و مأمورین اداره عتیقات شاید بخانه مردم بریزند برای استحضار خاطر مبارکشان عرض میکنم که این عبارت است می گوید جمیع اشیاء عتیقه روی خاکی باستانی قالی و قالیچه و انواع فرشها که بخارج مملکت حمل میشود پس مراد وقتی

است که از مملکت خارج میشود و محل بخارجه شود  
**ارباب** - بنده این ماده را بکنی در اینجا  
زائد میدانم اینجا مذاکره در حفريات است یعنی  
کسانیکه حفر میکنند زمین را و بک چیز هنگفتی  
مفت بدست میاید باید يك چیزی بدولت بدهند این  
را ببول خریده اند و مال مستشان است و این را  
بچه حق میفرمائید که اینطور باید باشد اگر از  
بابت حق گمرکات است که آن موافق تعرفه گمرکی  
میشود و آنهم راجع بوزارت مالیه است راجع بفرمانده  
عامه نیست .

**رئیس** - اصلاحی از طرف آقا میرزا مرتضی  
قلیخان شده فرائد میشود .

( اصلاح مزبور بمبارت ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد میکنم که ماده بازده این قسم  
نوشته شده و اصلاح شود .

جمیع اشیاء عتیقه که میخواهند بخارج مملکت  
حل نمایند باید قبلا در اداره عتیقات اجازه داده  
و بعد از ادای عشر بقیه را علامت گذارند سوای قالی  
و قالیچه و انواع فرش ها هرگاه در سرحد این  
اشیاء عتیقه بدون علامت و پنه دیده شود باید اداره  
گمرکات عشر مزبور را دریافت داشته علامت گذارند  
**رئیس** - رای میگنیم باین اصلاح بطریق  
که قرائت شد .

**مخبر** - چون این اصلاح عین مقصود کمیسیون  
است کمیسیون قبول دارد .

**رئیس** - عرض کردم تا آن راپورتها کمیسیون  
نیاید باید بطریق نظامنامه رفتار شود لهذا رای  
میگیریم آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند  
قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - با اکثریت قابل توجه شد این قانون  
نما شد آقای آقا شیخ رضا توضیحی داشتند راجع  
بنظری که در این قانون عتیقات کرده بودند سوء  
تفاهمی شده است اجازه خواسته اند توضیح بدهند  
**آقا شیخ رضا** - در بعضی از عرایض بنده

نسبت بعضی از اعاضه قنای مجلس سوء تفاهمی  
روی داده است تصور فرمودند که بنده تمام استخراج  
را راجع بدولت عرض کرده ام اینک عرض کنم که  
بنده اینطور عرض کردم آن چیزهایی که مال مردم  
است بمباره آخری از صفایای نونک و مال دولت است  
این ها را عرض کردم راجع بدولت میباشد و غیر از  
آنها را عرض کردم که در آن دو عشر بمباره آخری  
خمس منظور خواهد بود .

**رئیس** - شور دوم قانون تعرفه تلگرافی چند  
فقره مواد و اصلاح رجوع شده بکمیسیون کدایپورت  
تاک او است داده شده ماده ۱۰ و ۱۴ و ۱۵ مطرح  
خواهد بود .  
ماده اول قرائت میشود ( ماده مزبور بمبارت  
ذیل قرائت شد )

ماده ۱ - قیمت مخابرات تلگرافی در تمام خاک  
ایران بغض فارسی تا ده کاهه اول هزار و ده شاهی  
وبعد هر کله ه شاهی است .

**رئیس** - مخالفی نیست ( مخالفی نبود ) رای  
میگیریم ماده اول بطریقیکه قرائت شد آقایانیکه موافقتند  
ورقه سفید خواهند انداخت و آقایانیکه مخالفند ورقه آبی

خواهند انداخت ( در اینموقع شروع نأخذ اوراق  
رای گردیده آقای حاج میرزا رضاخان بعد ذیل  
شماره نمود ورقه سفید علامت قبول ۵۱ ورقه آبی  
علامت رد ( ۱۰ )

**رئیس** - ماده اول با اکثریت ۵۱ رای تصویب  
شد ماده ۱۰

( ماده مزبور بمبارت ذیل قرائت شد )  
ماده ۱۰ - تلگراف کننده باید عنوان طرف  
خود را بطور وضوح تعیین نماید .

**رئیس** - مخالفی هست ( اردیلبی بنده مخالفم )

**آقا سید حسین اردیلبی** - این کلمه بطور  
وضوح از آن چیزهای خیلی مهم است بسا هست که  
اسباب اشکال میشود ممکن است که یک کسی بقدری  
معروف باشد که فوری تلگراف یا برسد ولی اجزای  
تلگرافخانه بگویند که يك تفصیلی باید بر او زیاد  
شود و این را نمیتوان که اجزاء تلگرافخانه را  
متقاعد نمود که این یک کلمه یادو کلمه خیلی وضوح  
دارد و آن طرف خیلی معروف است اجزاء قبول نخواهند  
کرد و میگویند که باید بطور وضوح بنویسد از این  
جهت بنده تصور میکنم که اسباب اشکال فراهم شود .

**حاج وکیل الرعایا** - یکی از مشروح ترین  
عایدات دولت اخذ قیمت مخابرات است که حق دارد  
که او را عبارت این چیزی را زیاد تر قبول بکنند و بمصارف  
دولت برساند و گمان میکنم از اینکه بقدر دو کلمه  
زیادتر بنویسند که مطلب واضح باشد بهتر است  
بنکه هم اگر ما متحد باشیم در رای ما هیچ رای  
بسی نداده باشیم بنده مخصوصاً بعد میگنیم که  
دو کلمه زیادتر بنویسد تا اینکه یک چیزی بدولت عاید  
شود برای اینکه تازو مجبور نباشد تلگراف نخواهد  
کرد چه ضرر دارد مملکتی که تقریباً هر مالیاتیکه  
بآنها میخواهند تحویل بکنند برای مخارج عمومی  
حسن نکرده اند که باید مالیاتی برای مخارج عمومی  
وضع کنند که مخارج ادارات بکنند پس چقدر ندارد  
که ما حاضر بشویم ارسو ته عایدات دولت بزنیم و  
این گویا بجای خودش درست باشد و هیچوقت نباید  
از دست داد و گمان میکنم که این جزئیات بالاخره کلی  
خواهد شد برای دولت .

**رئیس** - گویا مذاکرات کافی باشد ( گفتند  
کافی است )

**رئیس** - اصلاحی از طرف آقای اردیلبی  
پیشنهاد شده قرائت میشود .

( اصلاح مزبور بمبارت ذیل قرائت شد )  
بنده پیشنهاد میکنم که عبارت ذیل ضمیمه ماده  
۱۰ شود ( مگر اینکه معروفیت محلی داشته باشد )

**مخبر** - اینجا عرض میکنم که آقای اردیلبی  
گویا ماده ( ۱۱ ) این راپورت را فراموش فرمودند  
که آنجا آدرس را نوشته است و اگر چنانچه شخص  
طرف معروفیت او بقدری است که بدو ذکر اسم او  
فورا فراش تلگرافخانه تلگراف را میبرد و برساند  
ابداً اداره تلگراف نمیگوید که اسم پدرش و کوچه اش  
راهم بنویسد ولی اگر معروفیت ندارد لازم است  
که فوری توضیح بدهند مثلاً شام بنویسد حاجی حسین  
این حاجی حسین کدام است حاج حسین طهرانی است  
یا سبزواری اینجا اداره تلگراف میگوید که شما  
لفظ خراسانی یا طهران را زیاد کنید تا فراش من

بداند وقتیکه تلگراف شما بمقصد رسد بدون معطلی  
میبرد و برساند و اینجا مدارا و وضوح بدیهی است در  
صورتیکه وضوح باندازه باشد که لازم نداند  
البته اداره تلگراف کسی را مجبور نخواهد کرد  
بذکر بعضی از کلمات .

**اردیلبی** - اینکه آقای مخیر ماده ( ۱۱ ) را  
اظهار میفرمایند آن مربوط برض بنده بنده نیست  
ماده ( ۱۱ ) همینقدر میگوید بطور مختصر  
آدرس بدهید و در سال سه تومان در ازای او  
کارسازی دارند این ربطی برض بنده ندارد ولی  
ممکن است اجزاء تلگرافخانه بپهچوجه متابعت  
نکنند و اصرار خواهند کرد که این واضح نیست البته  
وضوح آن مخاطب را در آنجا باید دانست و ممکن  
است که در آن نقطه معروفیت داشته باشد که یک کلمه  
معلوم شود لکن در تلگرافخانه متقاعد نمیشوند پس  
باید این عبارت نوشته شود و استثناء بکنند مگر اینکه  
معروفیت محلی داشته باشد .

**رئیس** - رای میگنیم باین اصلاح آقای  
اردیلبی آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند  
( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - با اکثریت قابل توجه شد و بر میگردد  
بکمیسیون ماده ۱۴ قرائت میشود

( ماده مزبور بمبارت ذیل قرائت شد )  
ماده ۱۴ مخابرات تلگرافی احدی جز مخابرات  
سلطنتی مجانی نخواهد بود

**آقا شیخ محمد خیابانی** - در تمام اینمواد  
قانون اداره تلگرافخانه طرف بود باشخاص و آنجا  
میتوانستیم که رای بدهیم و هر قدر تمجیل بکنیم برای  
عایدات دولت لکن اینجا بیسیم که اداره تلگرافخانه  
طرف میشود با حقوق ملی مثلا این حقیرا داده شده  
است برای انجمنها یا وزارتخانه چنانچه آقای میرزا  
مرتضی قلیخان امروز هم فرمودند بعضیها سوء استفاده  
میکنند مثلا منشی اداره نامه باسم اینکه تلگراف  
مجانی است تلگراف موضوع شخصی میکند این  
استفاده سوئی است از يك حق مشروع و این را باید  
جلوگیری کرد ولی امروز قبل از اینکه مایک حتی  
بدهیم با جمتها و يك ترتیبی بدهیم برای انجمنهای  
ایالتی و ولایتی یعنی یا اعتباری بدهیم بآنها نباید  
باین رای بدهیم و باین زودی با هم این اقدام را نخواهند  
کرد که يك اعتباری بانجمنها بدهند که آنها هم  
تکلیفشان را بفهمند و عرایض مردم را چطور از چه  
راه بر مرکز برسانند و این احتیاجاتیکه داریم مخابرات  
انجمنهای ایالتی و ولایتی قبل از اینکه مایک ترتیبی  
بدهیم که مجانی باشد و بآنها اعتباری بدهیم گمان  
میکنم که اگر امروز این قانون را گذرانند نمیتوانم  
قول بدهم که تا یک دو سال دیگر دولت آن اقدامی  
را خواهد کرد که عرایض مردم با يك  
سهولتی بر مرکز برسد و انجمن بفهمد تکلیف خودش  
را که عرایض مردم را چطور و از چه راه بر مرکز  
برساند و هیچکس هم نمیتواند صد تومان دویت  
تومان خرج بکند از خودش و چطور عرایض ملت  
را بدولت برساند و بکلی این مخابرات قطع میشود  
و انجمن ها نخواهند اطلاع داد بعضی وقایع را  
دولت هم گمان میکنم که اقدام نخواهد کرد باینکه

اصلاحی در این کار بکنند و يك تکلیفی برای آنها  
معمین بکنند و این هم عرض میکنم که سابق ازوزارت  
داخله گویا يك اختلافی شده بود که مخابرات مجانی  
نباشد يك چنین چیزی نظرم هست و از انجمن  
آذربایجان اشکالات این را اظهار داشته بودند و  
ممکن نیست این را قبول بکنند البته صحیح است  
و مجانی نباید باشد مخابرات لکن طرف اینجا حقوق  
ملت است یا تلگرافخانه .

**معاون وزارت پست و تلگرافخانه**

در اینجا مقصود این نیست که وزراء با هر کس را که  
وزارت مالیه صلاح بدانند مخابراتش مجانی گفته  
بشود مقصود این است که وزارت تلگراف مسئولیت  
عایدات خود را دارد چون ماده دارد که باید تمیز  
الصاق کند به تلگرافات بعد از اینکه بشاید تمام  
مخابرات تلگراف تمیز الصاق شود دفتر تلگراف وقتی  
میتواند مرتب باشد و حسابش را نگاه بنارد که  
استثناء نداشته باشد پس از این نقطه نظر کمسولیت  
دارد و باید حساب خودش را بدیوان محاسبات به  
پردادد نمیتواند عایدات اداره را از جمع خودش  
بدون جهتی خارج بکند باید تمام مطالب در دفتر  
اداره بطور یقول جمع شده باشد بله مسلم است یکی  
از مخارج هم این خواهد بود و ادارات دولتی يك  
یولی باید برای مخابرات بدهند و بول دادن ادارات  
دولتی که مخابراتی دارند با انجمن ها و بول دادن  
در مقابل این قسم از مخابرات بول ریختن از این  
کیسه دولت بان کیسه دولت است لکن قایده اش  
هدین قدر است و این ماده برای این وضع شده که  
ترتیب اداره تلگراف مرتب باشد و هر وزارتخانه  
دارای يك بودجه است همچنانیکه از بابت بودجه  
تنگوریل تمام وزارتخانهها اخطار شد و در بودجه  
خودشان نوشته اند که تمام مخابرات تلگرافیکه دارند  
و بعد از آن آن میزانی را که پیش بینی کرده اند  
بوزارت مالیه پیشنهاد بکنند و از وزارت مالیه بخواهد  
اعتبار بدهند آنوقت آن وزارتخانه مطابق اعتباری  
که گرفته است میفرستد که فلاقتی تمیز بفرستیم ما  
برای اینکه بتوانیم از عهده حساب در موقع پرداخت  
حساب بدیوان محاسبات بر آئیم و حساب ما تماماً  
مرتب باشد تمام عایدات خودمان را جمع کرده و  
حسابهم معین است امروز از این نقطه نظر خیلی  
واجب است برای محاسبات اداره تلگراف خانه این  
ترتیب ول یک مطلب دیگری هست که امرز آقای  
آقامیرزا مرتضی قلیخان تا يك اندازه توضیح دادند  
و مکرر عرض شده ما يك رشته سیم بیشتر نداریم  
در هر جائی آنچه امتحان کردیم با این می ترتیبی  
که فعلا در مخابرات مجانی داریم گذشته از آنجمله  
اولیه مجال نمیدهند این مخابرات مجانی که مخابرات  
مردم که راجع بتجارت است بمحل های خودش برسد  
بعلاوه پس از اینکه رجوع میکنیم باصل مقصود  
می بینیم که در تلگرافات مجانی که از ادارات دولتی  
یا انجمنها میشود در يك صد کلمه بواسطه اینکه  
هیچ حدی برای آنها معین نیست نود صد کلمه آن  
مطالبی است که ابدأ از او استفاده نمیشود و اداره  
تلگراف بعد از اینکه خواسته باشد که این تفکیک  
بکند نمیتواند این حق را بدارد تلگرافخانههای

خود بدهد بجهت اینکه اداره تلگرافخانه مسئولیتش  
این است که هر چه باو میدهند حتماً باید منابره کند  
پس باین ملاحظه و ملاحظه اولیه و آقای آقامیرزا  
مرتضی قلیخان پیشنهاد فرمودند و بنده هم قبول کردم  
و علتش این بوده است خیلی لازم و واجب است  
این ماده و هیچ ضرری وارد نمی آید و وزارت  
مالیه بجهت آن اداراتیکه امروزه مخابره تلگراف  
بدون بول میکنند تمیز میدهند و ابواب جمع خودشان  
میکند یعنی يك اعتباری بآنها میدهند ما هم بمقدار  
آن اعتبار تمیز بآنها میدهم و ابواب جمع خودشان  
می کنیم .

**معزز الملک** - بنده تصور میکنم اولاً این  
ماده که آمده است بمجلس این عین پیشنهاد آقای  
مرتضی قلیخان نیست در آنجا يك استثنای بود و  
فقط مخابرات سلطنتی را برای مخابرات وزارتخانهها  
يك قراری داده بودند همچنین برای انجمنها ولی  
این ماده بکلی تغییر کرده است و توضیحاتیکه معاون  
دادند نمیتواند دلیل بشود برای صحت این ماده بجهت  
اینکه ایشان میفرمایند و اساساً تصدیق میکنند که  
تلگراف دولتی باید مجانی باشد آنوقت میفرمایند  
وزارت مالیه یکمده تمیز خواهد داد اگر این ماده  
گذشت هیچ نمیتواند وزارت مالیه و این حق را  
ندارد که تمیز بدهد چرا بجهت اینکه اعتبار تمیز  
دادن يك وجهی است بوزارت خانهها و این بتصویب  
مجلس باید شده باشد پس مطابق این ماده که گذشت  
نمیتوان گفت که وزارت مالیه حق دارد خودش يك  
چیزی اعتبار بدهد و کلمه این چیز غریبی خواهد  
شد که اگر ما بگوئیم که دولت خودش صاحب تلگراف  
است و تلگرافات را باید بول بدهد این در واقع  
بولی است که دولت از این کیسه خودش داخل کیسه  
دیگرش میکند و تمام آقایان تصور میکنم که همراه  
هستند در اینکه مخابرات دولتی باید تمام مجانی باشد  
و در این مسئله حرفی نیست چیزی که هست شاید  
میگویند که از این مسئله سوء استفاده میشود یعنی  
از تلگرافات دولتی بعضی مطالب شخصی ذکر می  
شود آن حق دولتی را سلب میکند و این خیلی چیز  
غریبی است و فلسفه غریبی است عوض اینکه این حق  
را از دولت بگیرند جلو گیری بکنند و مانع شویند از  
از ادخال مطالبی که نباید مخابره شود و سوء استفاده  
بشود آن وقت این مانع هم بکلی مرتفع خواهد شد  
والصاق تمیز هم هیچ دلیل نمیشود بجهت اینکه همین  
که استثناء کردید که مخابرات سلطنتی مجانی است  
يك استثناء بیداد هر کاریکه بان تلگرافات سلطنتی  
میکند بکلمه مخابرات دولتی بکنید بنده بکلی  
این ماده را زیادی می دانم و این يك چیز  
مضحکی است .

**رئیس** - گویا مذاکرات کافی ( بعضی  
تصدیق کردند و بعضی اظهار کردند کافی نیست )

**رئیس** - پس رای میگیریم آقایانیکه  
مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند ( بیش از دوسه  
تفرقیام نکردند )

**رئیس** - معلوم میشود مذاکرات کافی نیست  
آقای حاج وکیل الرعایا بفرمائید .

**حاج وکیل الرعایا** - این مطالبی را که  
دردنجه قبل عرض کردم دیگر اینجا تکرار نمیکنم

**حاج شیخ الرئیس** - نظریات آقای حاج -

تمام این معانی اینجا باید تحت مذاکره بیاید اگر  
نوشتم تمام مخابرات دولتی مجانی است بدخترانه  
آچه امروز در این مملکت است حدودی ندارد و  
بنده میتوانم ثابت کنم در این مجلس که حدودی ندارد  
و خیلی جاهاراً می بینم که مداخلات میشود من غیر حق  
و یکی از محلهائیکه در رکاب مخارج خیلی ضروری  
دولت می رسد همین محل تلگرافخانه بود و از همین  
نظر که مخابرات دولت مجانی باشد کار تلگرافخانه  
بجائی رسیده است که تقریباً نمیشود از او استفاده  
کرد برای چه هیچ معلوم نیست چرا این کار شده تقریباً  
بجهت يك عدم دقتی شده عرض میکنم این پرواضح  
است وزارت داخله فوائد عامه تجارت باید بول از  
دولت بگیرد و خرج بکند وظیفه خوری است اینجا  
نشته کار میکند اما وقتی بنشیند بول بگیرد از دولت  
یکی از بولهای هم که باید بگیرد و خرج بکند باید  
از اینجا باشد ولی همین که بنشیند بول از اینجا بگیرد  
و خرج بکند دولت میگوید بان اداره این بولی که  
گرفتهی کجا خرج کردی او بپاید صورت خرج  
خودش را بنمایاند اما وقتیکه بنشیند که تلگراف  
مجانی دولت بنویسد بدهد عرض کردم آن حدس  
معلوم نیست متأسفانه در این صورت حال حاله تلگراف  
خانه را پیدا خواهد کرد در وقتیکه مجلس شورای  
افتتاح شده بود عایدات تلگرافخانه دویست هزار  
تومان بود اما عایدات تلگرافخانه ۱۰۱۰۰۰  
تومان شده است این کجا رفته است چه شده است  
تمام وقت تلگراف خانه صرف مخابرات  
مجانی میشود ماعوض اینکه عایدات را زیاد کنیم داریم  
عایدات را کم می کنیم و مستهلک می کنیم بنده  
عرض میکنم گمان میکنم که اگر این کار را بکنیم  
برای ما صرف نمیکند بنده عرض میکنم اگر این کار  
را بکنیم اقلاً در سال دارای سیصد هزار تومان عایدات  
تلگرافخانه خواهیم شد بنده شاید بقدر همه آقایان  
رفاهیت مردم را بخواهم و خودم در راه یکی از اشخاص  
بدانم که اینجا آمده اند که رفیق حمت از آنها بکنم  
اما برای همین نظر مخصوص میگویم که باید بول از  
آنها گرفت و حفظ حدود و نفورشان نکرد نباید  
ملاحظه کرد که بکلیاسی بکسیه او بیفتد اما یک وقتی  
خبردار شوند که کار خراب است بنده عرض میکنم  
در صورتیکه میتوانم هر قدر از این راههای مشروع  
سخت گیری بکنیم مطلب نیخواهند بول هم بدهند  
چه ضرر دارد آخر از این راه باید رفع حوائج این  
مردم بشود مگر ایران بهشت شده است که احتیاجات  
نداشته باشد از راههای دیگری هم که ندهم همه -  
چیز حاضر باشد من می بینم ایران بهشت نشده همه  
چیز هم اینجا حاضر نیست باید تمام چیزها با زحمت  
خود اهالی تهیه و حاضر شود باید يك بولی بدهند  
تا اینکه با آن بول بتوانند لوازمات رفاهت و آسایش  
را فراهم کنند يك مملکتی که بمقابل مملکت فرانسه  
است بایست وشش کرور عایدات نمیتواند خودش را  
اداره کند باید عایداتش را زیاد بکند که بتواند فقط  
مردم را راضی نگاه بدارد و حالا اگر میخواهد که  
مجلس رای بدهد که مخابرات دولت همه اش مجانی  
باشد بنده بشما قول میدهم که عایدات تلگرافخانه  
صدی بدهد تنزل خواهد کرد .

**رئیس** - رای میگیریم باین اصلاح آقای  
اردیلبی آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند  
( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - با اکثریت قابل توجه شد و بر میگردد  
بکمیسیون ماده ۱۴ قرائت میشود

( ماده مزبور بمبارت ذیل قرائت شد )  
ماده ۱۴ مخابرات تلگرافی احدی جز مخابرات  
سلطنتی مجانی نخواهد بود

**آقا شیخ محمد خیابانی** - در تمام اینمواد  
قانون اداره تلگرافخانه طرف بود باشخاص و آنجا  
میتوانستیم که رای بدهیم و هر قدر تمجیل بکنیم برای  
عایدات دولت لکن اینجا بیسیم که اداره تلگرافخانه  
طرف میشود با حقوق ملی مثلا این حقیرا داده شده  
است برای انجمنها یا وزارتخانه چنانچه آقای میرزا  
مرتضی قلیخان امروز هم فرمودند بعضیها سوء استفاده  
میکنند مثلا منشی اداره نامه باسم اینکه تلگراف  
مجانی است تلگراف موضوع شخصی میکند این  
استفاده سوئی است از يك حق مشروع و این را باید  
جلوگیری کرد ولی امروز قبل از اینکه مایک حتی  
بدهیم با جمتها و يك ترتیبی بدهیم برای انجمنهای  
ایالتی و ولایتی یعنی یا اعتباری بدهیم بآنها نباید  
باین رای بدهیم و باین زودی با هم این اقدام را نخواهند  
کرد که يك اعتباری بانجمنها بدهند که آنها هم  
تکلیفشان را بفهمند و عرایض مردم را چطور از چه  
راه بر مرکز برسانند و این احتیاجاتیکه داریم مخابرات  
انجمنهای ایالتی و ولایتی قبل از اینکه مایک ترتیبی  
بدهیم که مجانی باشد و بآنها اعتباری بدهیم گمان  
میکنم که اگر امروز این قانون را گذرانند نمیتوانم  
قول بدهم که تا یک دو سال دیگر دولت آن اقدامی  
را خواهد کرد که عرایض مردم با يك  
سهولتی بر مرکز برسد و انجمن بفهمد تکلیف خودش  
را که عرایض مردم را چطور و از چه راه بر مرکز  
برساند و هیچکس هم نمیتواند صد تومان دویت  
تومان خرج بکند از خودش و چطور عرایض ملت  
را بدولت برساند و بکلی این مخابرات قطع میشود  
و انجمن ها نخواهند اطلاع داد بعضی وقایع را  
دولت هم گمان میکنم که اقدام نخواهد کرد باینکه

اصلاحی در این کار بکنند و يك تکلیفی برای آنها  
معمین بکنند و این هم عرض میکنم که سابق ازوزارت  
داخله گویا يك اختلافی شده بود که مخابرات مجانی  
نباشد يك چنین چیزی نظرم هست و از انجمن  
آذربایجان اشکالات این را اظهار داشته بودند و  
ممکن نیست این را قبول بکنند البته صحیح است  
و مجانی نباید باشد مخابرات لکن طرف اینجا حقوق  
ملت است یا تلگرافخانه .

**معاون وزارت پست و تلگرافخانه**

در اینجا مقصود این نیست که وزراء با هر کس را که  
وزارت مالیه صلاح بدانند مخابراتش مجانی گفته  
بشود مقصود این است که وزارت تلگراف مسئولیت  
عایدات خود را دارد چون ماده دارد که باید تمیز  
الصاق کند به تلگرافات بعد از اینکه بشاید تمام  
مخابرات تلگراف تمیز الصاق شود دفتر تلگراف وقتی  
میتواند مرتب باشد و حسابش را نگاه بنارد که  
استثناء نداشته باشد پس از این نقطه نظر کمسولیت  
دارد و باید حساب خودش را بدیوان محاسبات به  
پردادد نمیتواند عایدات اداره را از جمع خودش  
بدون جهتی خارج بکند باید تمام مطالب در دفتر  
اداره بطور یقول جمع شده باشد بله مسلم است یکی  
از مخارج هم این خواهد بود و ادارات دولتی يك  
یولی باید برای مخابرات بدهند و بول دادن ادارات  
دولتی که مخابراتی دارند با انجمن ها و بول دادن  
در مقابل این قسم از مخابرات بول ریختن از این  
کیسه دولت بان کیسه دولت است لکن قایده اش  
هدین قدر است و این ماده برای این وضع شده که  
ترتیب اداره تلگراف مرتب باشد و هر وزارتخانه  
دارای يك بودجه است همچنانیکه از بابت بودجه  
تنگوریل تمام وزارتخانهها اخطار شد و در بودجه  
خودشان نوشته اند که تمام مخابرات تلگرافیکه دارند  
و بعد از آن آن میزانی را که پیش بینی کرده اند  
بوزارت مالیه پیشنهاد بکنند و از وزارت مالیه بخواهد  
اعتبار بدهند آنوقت آن وزارتخانه مطابق اعتباری  
که گرفته است میفرستد که فلاقتی تمیز بفرستیم ما  
برای اینکه بتوانیم از عهده حساب در موقع پرداخت  
حساب بدیوان محاسبات بر آئیم و حساب ما تماماً  
مرتب باشد تمام عایدات خودمان را جمع کرده و  
حسابهم معین است امروز از این نقطه نظر خیلی  
واجب است برای محاسبات اداره تلگراف خانه این  
ترتیب ول یک مطلب دیگری هست که امرز آقای  
آقامیرزا مرتضی قلیخان تا يك اندازه توضیح دادند  
و مکرر عرض شده ما يك رشته سیم بیشتر نداریم  
در هر جائی آنچه امتحان کردیم با این می ترتیبی  
که فعلا در مخابرات مجانی داریم گذشته از آنجمله  
اولیه مجال نمیدهند این مخابرات مجانی که مخابرات  
مردم که راجع بتجارت است بمحل های خودش برسد  
بعلاوه پس از اینکه رجوع میکنیم باصل مقصود  
می بینیم که در تلگرافات مجانی که از ادارات دولتی  
یا انجمنها میشود در يك صد کلمه بواسطه اینکه  
هیچ حدی برای آنها معین نیست نود صد کلمه آن  
مطالبی است که ابدأ از او استفاده نمیشود و اداره  
تلگراف بعد از اینکه خواسته باشد که این تفکیک  
بکند نمیتواند این حق را بدارد تلگرافخانههای

**رئیس** - گویا مذاکرات کافی ( بعضی  
تصدیق کردند و بعضی اظهار کردند کافی نیست )

**رئیس** - پس رای میگیریم آقایانیکه  
مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند ( بیش از دوسه  
تفرقیام نکردند )

**رئیس** - معلوم میشود مذاکرات کافی نیست  
آقای حاج وکیل الرعایا بفرمائید .

**حاج وکیل الرعایا** - این مطالبی را که  
دردنجه قبل عرض کردم دیگر اینجا تکرار نمیکنم

**حاج شیخ الرئیس** - نظریات آقای حاج -

وکیل الرعايا البته بآن وجهه که توجه هستند میتوان گفت نظر صحیحی است ولیکن باید متوجه کرد خاطر ایشان و کسانی که با ایشان هم عقیده هستند یک نکته دیگر و آن نکته دیگر اهمیتش بیشتر از نظریات ایشان است و آن نکته این است که امروز باید حالت حالیه مملکت ایران را در نظر بگیرند نه ملاحظه صرفه و غبطه مآلیه دولت را که البته آن هم نظر صحیحی است لکن در جای خودش و بوقع خودش اما امروز اگر نباید تضییق بکنند بر مخابرات دولتی و سلطنتی که جز مخابرات پولی باشد با این ترتیب دخالتی که امروزه ولایات و ایالات دارد و وقایعی که اتفاق می افتد و باید تلگراف بکنند بر کز و همین طور که گفته شد هیچ انجمن ولایتی یا ایالتی عایدات ندارد که بتواند از آن عایدات صرف مخابرات بکنند بلکه نمیتواند صرف مخابرات هم بکنند حالا بنابر این اگر ما این نظریه متوجه باشیم گرچه شاید هم یک روزی بیاید که بنده هم این نظر را تعقیب کنم و نصوب کنم لکن هر روز مصالح نوعیه و فوائد مملکتی میدانیم که اجازه نمیدهیم بطوریکه گفته شد برای مخابرات پول بدهند بلکه بطوری که گفته شد و توضیح داده شد بنده هم معتقد نیستم باین ماده و خیلی این ماده زانمانی با حفظ مصالح مملکتی میدانم.

**معاون وزارت پست و تلگراف - منصب**

بنظرم نزدیک است از موضوع خارج بشود اولاً ابتدا گفتگو در پیل نیست مقصود این نیست که در این ماده اضافه در عایدات شود مطلب این است خویست که آقایان توجه فرمایند که در این باب چندین مرتبه در هیئت وزرا هم مذاکره شده و نتیجه این شد چون آن بودجه هارا ملاحظه فرموده اند هراشکال میفرمایند اگر ملاحظه میفرمودند میدیدند که وزارت مآلیه این ترتیب را برای سنه تنگوزیل داده است از برای ادارات دولتی چون این اداره یک عایداتی دارد یک مخابراتی مثلا ملاحظه فرمایید اداره گمرک یک عایداتی دارد یک مخابراتی هر چیزیکه وارد شد جزء عایدات محسوب میشود آنچه وارد میشود آیا ممکن است بدون ثبت وضبط باشد نمیشود دوداره گمرک خیلی چیزها وارد میشود راجع ببول است و از گمرک معاف است لکن اداره گمرک این اشیاء را بدون ثبت و ضبط و اجرت خارج میکنند ابتدا نمیکند اداره پست باید مکاتبه دولتی را بدون اجرت حمل بکنند ولی بدون ثبت وضبط میشود حمل کرد نمیتواند حمل بکنند باید ثبت ضبط بشود و باید از برای هر وزارتخانه یک حدود معین بشود و باین حدود وزارت مآلیه یک اعتباری بآن وزارتخانه بدهد و این حکم بنا هم شده است که بمقدار اعتباریکه بوزارتخانه داده شده است تمیر باو میدهم و آنوقت این جزء عایدات محسوب میشود و این مسئله در چندین جلسه در هیئت وزراء برای انتظام امور اداره مناقصه شده و وزراء این ترتیب را نصوب کردند که باید برای هر وزارتخانه یک حدودی معین بشود تا اینکه نتوانند تمیزی بکنند و مخابراتی که غیر از کار دولت است مجانی مخابره بکنند باین ملاحظه آمدند این اعتبار را دادند و این حکم را هم قبلا بما داده اند پس این ماده هم موافق ترتیبی

که هیئت وزراء داده اند خیلی واجب و لازم است و خود هیئت وزراء برای جلوگیری بعضی از مأمورین دولتی که بآنها اجازه داده میشود نتوانند از حدود خودش تجاوز بکنند بآنها اعتبارات داده میشود که مخابرات مجانی نباشد تا اینکه نتواند توسعه یافته بکند دیگر اینکه بفلان مأمور عدلیه یا نظمی ولایات اختیارات داده میشود که مخابرات مجانی باشد مخابرات او تمام نیاید از مرکز عبور بکند اینکه ما بدانیم که این مخابرات او راجع به امور دولتی است یا راجع بکار شخصی است او بتمام نفذ رشته این کار چون اداره را مختل کرده است و بعد در چند روزی دوازده ساعت اداره مشغول مخابرات مجانی دولتی است در صورتیکه نتیجه کاملی هم ندارد و این ماده خیلی واجب و لازم است و از برای اینکه صورت اعتبارات مخابراتی در وزارتخانه محفوظ بماند و وزارتخانه از حساب خودش مطلع باشد و صورت مخابرات هر ماهه هر وزارتخانه هم برای آن وزارتخانه فرستاده میشود که آن وزارتخانه هم حدود اعتبارات خودش را از دست نهد.

**رئیس - حالا مذاکرات کافی هست؟ (اظهار شد کافی است.)**

**رئیس -** اصلاحی پیشنهاد شده است از آقای میرزا مرتضی قلیخان اگر این اصلاح را کمیسیون قبول دارد دیگر در آن رأی نمی گیریم و الا رأی میگیریم.

( اصلاح آقای میرزا مرتضی قلیخان عبارت ذیل خوانده شد )

بنده پیشنهاد میکنم ماده دیگری باین مضمون الحاق شود.

**ماده -** مخابرات تلگرافی سواى مخابرات سلطنتى مجانى نخواهد بود و وجه گرفته میشود ولی برای هر وزارتخانه مبلغی اعتبار داده میشود که اگر از آن مبلغ زیاد شد وجه آن را بدهند.

**رئیس -** اصلاح دیگری است از طرف شاهزاده محمد هاشم میرزا اقراقت میشود (ببابت ذیل خوانده شد.)

بنده پیشنهاد میکنم اینطور نوشته شود - تلگراف دولتی اگر مشتمل بر مطالب شخصی یا خارج از وظیفه آن اداره است در حکم تلگرافات شخصی و غیر مجانی است.

**رئیس -** اون باید در اصلاح شاهزاده محمد هاشم میرزا رأی بگیریم چون رأی در اصلاح آقای میرزا مرتضی قلیخان اگر بخوایم بگیریم باسرای قضایى باشد و در اصلاح شاهزاده محمد هاشم میرزا در قابل توجه بودن آن رأی خواهیم گرفت.

**محمد هاشم میرزا -** اجازه فرمایید توضیحی عرض کنم.

**رئیس -** بفرمایید.  
**محمد هاشم میرزا -** چون تمام دلالی که آقایان معاون و مخیر آوردند منتهی بدو دلیل شدیدی آنکه گفتند این ترتیب برای اداره کردن و نگاهداشتن حساب آسانتر است و از مد نظر فراموش کرده اند که

وقتیکه اینطور شد وقتیکه بانجمن یا یکی از ادارات دولتی اعتباری داده میشود برای هر یک وزارتخانه و هر یک اداره قدرتی لازم است برای نگاه داشتن حساب آنها در موقعی هم که بخوانند اجرا بکنند و تلگرافات آنها را مخابره کنند چقدر اختلافات دست خواهد داد که این تلگراف شخصی است یا دولتی است دیگر آنکه ممکن است اشکالات زیاد پیش بیاید مثلا یک نقطه کوچکی مثل راه مرز باید در اول سال از برای آنجا و سایر نقاط در بودجه اش پیش بینی شده باشد که چقدر اعتبار میخواهد برای تلگرافات آنوقت يك نقطه مثل راه مرز منتهی در بودجه صد تومان پیش بینی شده باشد برای آن در صورتیکه ممکن است يك اتفاق در آنجا بیفتد که در ماه مرز تومان مجازات لازم داشته باشد و چقدر اشکال برای دیوان مخابرات خواهد شد برای رسیدگی باین محاسبات و شاید برای هر ولایتی يك اتفاقی بیفتد آنوقت باید در صورت حساب هر ولایتی تمام این مصطلحات و این تلگرافاتیکه مخابره شده است نوشته شود با دلالت و پرمایش دوم اینکه فرمودند در نقاط جزء ما نخواهیم توانست این ترتیب را اطلاع پیدا کرد بنده عرض میکنم که این هم اشکالی ندارد مثلا اگر نظمی فارس یا خراسان تلگرافی بنقطه دیگری کرد که از مرکز عبور نکرد تلگراف خانه حکم خواهد بود که مرکز تلگرافخانه حکمت بر کز تلگرافخانه را گذار شده است که میفرمایند از مرکز نخواهد گذشت که مرکز رسیدگی کند دیگر اینکه فرمودند مخابرات مجانی وقت تلگرافخانه را تضییق میکند بعضی مطالب شخصی مخابره میکنند و وقت سیم صرف مطالب شخصی میشود باین وجه بنده پیشنهاد کردم که تلگرافات دولتی و اگر مطالب شخصی یا خارج از وظیفه آن اداره است در حکم تلگرافات شخصی و غیر مجانی است مثلا اینکه نظمی تلگراف بکند بدلیه عادلیه تلگراف بکند بشعبه وزارت خارج این بدلیه ایست که خارج از وظیفه اداری اوست و نباید مجانی باشد و حکما باید پول بدهد اگر غیر از مطالب شخصی شود راجع بانداره بود باید مجانی باشد و یک زحمتی نباید قرار داد برا ادارات و در هر چه دولتی گمان میکنم این ترتیب نباشد

**معاون وزارت پست و تلگراف - بنده**

اینجا يك مسئله را دقت ننموده اند که ما این ترتیب را داریم و بدبخانه بشفرت نکرد برای اینکه عرض کردم که اداره تلگرافخانه یعنی مأمور تلگراف مأذون نیست که آن تلگراف یا تلگراف احدی را توقیف بکند این فرمایش را میفرمایند آن باید حق داشته باشد که تلگرافی را مخابره بکند وقتی که تلگراف را مخابره نکرد او بدلیه ایست بدون خودش این حکم را کرده است علاوه وقتی که يك مطلبی را از خراسان بتهران بگویند او چه میداند چه مطلبی را میگویند از خراسان بتهران چنانچه بدبخانه همین مخابراتی که امروزه بیاخته مطرح مذاکره است مطالب زیاد است که هیچ مربوط بکار فوتی و کلی نیست و با تکلیف از وزارت داخله خواسته ایم و هنوز وزارت داخله تکلیف مارا معین نکرده است و ما مجبوریم تمام این مطالب مفصل را که راجع بمطالب دولتی و عمومی نیست بیگیریم

در صورتیکه بطوریکه عرض کردم تحت جمع اداره خواهد شد و وقتی که جمع عایدات را باین ترتیب بدهند خواهیم دید که خرج و جمع مساوی شده و هیچ اضافه ندارد علاوه بدون این ترتیب امور اداره مرتب نمیشود اینکته گفته میشود مخابرات ادارات دولتی مجانی گفته شود یعنی چه پول در تحت دفتر بیاورند و تحت حساب بیاورند یا بیاورند و در صورتی هم که باید تحت دفتر بیاورند باید شما اجازه بدهید که يك دفتر دیگری باز بکنند برای این مخابرات که پول نداشته باشد و این در داخله اداره میسر نیست از برای ترتیب دادن اداره و آن جمله که فرمودند که اختیار داده میشود که اگر مطالب دولتی نبود و شخصی بود میتوانیم او را قبول نکنیم وقتیکه این را گفتند طرف مقابل قبول نمیکند وزیر بار نیروی که تلگراف او دولتی نیست آنوقت طرف میشود با او و آنوقت شکایت میکند از آن مأمورو مأمور تلگرافخانه که تلگرافی را بدون يك دلیل بزرگی توقیف کرده است قانونا باید خارج شود اینکته میفرمایند پول نگیرند نه اینست که نکرده باشیم ما در اینست تلگرافات را نگاه داشتیم لکن اتفاقی بعد افتاد و تمام اتفاقات را راجع کردند باینکه فلان تلگراف را اداره تلگرافخانه توقیف کرده است و من هیچ عیبی در او نمی بینم در این مسئله و بنده عرض نکردم اداره تلگرافخانه پول بگیرد عرض کردم که این اداره تلگرافخانه ناچار است که پیش بینی بکند که تعمیرات چقدر لازم دارد اما احتمال دارد در يك تلگرافخانه تا معاش خراب شود احتمال دارد مختصر خرابی پیدا بکند باید همین طور مخابرات تلگرافی را هم پیش بینی بکنند و اگر يك اتفاقی افتاد وزارت مآلیه این اعتبار را میدهد اگر در يك وقتی بکسانی اتفاق افتاد که کار مهمی در آن نقطه بخصوص پیدا کرد یکسال وقت دارد در آن اداره تلگراف وقتی که دید ششماه مانده است که آن اعتبارش سر بیاید و سصد تومان دیگر بیشتر از اعتبار او باقی مانده است و دوماه بوعه سر آمدن اعتبار مانده است قبل از آنوقت اعتبار میخواهد وزارت مآلیه باز اعتبار میدهد ما هم سند خرج باو میدهم از برای انتظام و ترتیب اداره و پرداخت محاسبات غیر از این شکل دیگری برای اداره اسباب زحمت خواهد شد.

**رئیس -** کمیسیون این پیشنهاد شاهزاده محمد هاشم میرزا را قبول دارد؟

**افتخار الواعظین -** چون این پیشنهاد با مقصود کمیسیون مخالفت دارد نمیتواند قبول بکنند.

**رئیس -** پس رأی میگیریم باین پیشنهاد شاهزاده محمد هاشم میرزا آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند.

( بیش از دو سه نفر قیام نکردند )

**رئیس -** قابل توجه نشد - آقای میرزا مرتضی قلیخان ؟ همان اصلاحی که پیشنهاد کرده بودند رأی بگیریم ؟

**میرزا مرتضی قلیخان -** این ماده را که بنده پیشنهاد کردم در کمیسیون جزء آخرش را انداخته اند و باینجهه است که مصطب تغییر کرده است

و بنده مخالفم با پیشنهاد کمیسیون لکن در ضمن پیشنهاد خودم تصریح کرده ام و پیشنهاد خودم را قبول دارم بجهت اینکه بنده در آنجا تصریح کرده ام که يك اعتباری بوزارتخانه و انجمن ها داده شود در ضمن نطق خودم هم توضیح دادم که انجمنهای ولایتی و ایالتی را مخصوصا باید اعتبار داد برای اینست که آنها همیشه محتاجند که مذاکرات با محل های لازمه بکنند این فرمایشها که مخیر فرمودند صحیح است لکن باید بانجمنهای ایالتی و ولایتی اعتبار داده شود و این اعتبار هم ناچار باید با اجازه مجلس باشد و امروز اگر این ماده بگذرد اسباب زحمت میشود که بعد دچار زحمت خیلی سختی خواهیم شد بنده دوباره پیشنهاد میکنم مجلس که این اعتبار زائد باشد و فقط انجمنهای ایالتی و ولایتی در او مخصوصا ذکر شود و بآن طور عقیده ام این است که اگر رأی بگیریم هیچکس مخالفت نکند و مجلس امروز تصویب بکند.

**رئیس -** پس رأی میگیریم پیشنهاد اولی آقای میرزا مرتضی قلیخان يك مرتبه خوانده میشود باصافه لفظ انجمن های ایالتی و ولایتی ( مجدداً پیشنهاد میرزا مرتضی قلیخان قرائت شد به عبارت ذیل )

**ماده ۱ -** مخابرات تلگرافی سواى مخابرات سلطنتى مجانى نخواهد بود و وجه گرفته میشود ولی برای همه وزارتخانه و انجمن های ایالتی و ولایتی مبلغی اعتبار داده میشود که اگر از آن مبلغ زیاد شد وجه آن را بدهند.

**افتخار الواعظین -** کمیسیون ماده خودش را مسترد میدارد و اینرا قبول میکنند.

**رئیس -** پس رأی میگیریم بنده بطوری که خواننده شد آقایانی که تصویب میکنند ورقه سفید خواهند داد.

( در این موقع شروع باخذ اوراق رأی گردید و آقای حاج میرزا رضا خان او رأی را از این قرار احصاء نمودند ورقه سفید ( ۴۸ ) ورقه آبی ( هشت ) .

**رئیس -** با اکثریت ۴۸ رأی تصویب شد. چون ماده دهم بر گذشته است بکمیسیون حالا هم ظهر گذشته است ماده ( ۱۵ ) بماند تا آن هم برگردد اغلب آقایان تصدیق کردند.

**رئیس -** از شنبه چهارم آقای اسدالله خان با اکثریت ( ۱۱ ) رأی حاج و کبیل الرعايا با اکثریت ( ۶ ) رأی بجای آقا میرزا رضا خان و شاهزاده ابوالقاسم میرزا برای کمیسیون بودجه منتخب شدند از شعبه ششم آقایان آقا میرزا علی اصفهانی با اکثریت ۹ رأی بجای لواء السوله از شعبه پنجم آقای ذکاء الملک با اکثریت ۹ رأی بجای آقا میرزا ابراهیم خان آقای انتظام الحکماء با اکثریت ۸ رأی بجای آقای میرزا مرتضی قلیخان از شعبه اول آقا میرزا رضا با اکثریت ۶ رأی برای کمیسیون بودجه معین شدند دستور روز سه شنبه قانون جنگل ها بقیه شور در قانون تعرفه تلگرافی - طرح آقای عز الملک راجع باینکه نمایندگان قبول شغل دولتی بنمایند راپورت کمیسیون بودجه راجع بپورته دو نفر مجاهد مقبول

**میرزا ملک -** چون وزیر مآلیه

خیلی اصرار دارد که عمل خالصه زودتر يك ترتیبی برایش داده شود و تسکینش معلوم شود و يك راپورتی هم راجع بعمل خالصه اطراف تهران نوشته و بهیئت رئیس داده اند و تا روز سه شنبه هم طبع و توزیع خواهد شد از این جهت تقاضا میکنم که آن راپورت جزء دستور روز سه شنبه گذارده شود  
**رئیس -** بله راپورت داده شده است و امروز فرستاده می شود برای طبع و توزیع ولی راپورتی که از کمیسیون بودجه باید داده شود گویا تا روز سه شنبه حاضر نباشد.

**میرزا الملک -** راپورتی از کمیسیون بودجه نباید بیاید.

**رئیس -** چون دو مسئله است یکی اجازه دادن خالصات یکی وجه فرات

**میرزا الملک -** این مسئله وجه خسارت هم در کمیسیون قوانین مآلیه مطرح شده است لکن کمیسیون نتوانست متقاعد بشود و از طرف وزیر مآلیه هم يك رأی قطعی ماده نشده است فقط صورت دو سه جلسه است که در اینخصوص مذاکره کرده اند و بلا تکلیف مانده است و موصول کرده اند برای هیئت وزراء هم هنوز در اینخصوص ترتیبی نداده اند.

**رئیس -** پس حالا میخواهید راپورت کمیسیون قوانین مآلیه جزء دستور سه شنبه شود

**میرزا الملک -** بله رأی بگیریم.

**رئیس -** رأی میگیریم آقایانیکه تصویب میکنند راپورت کمیسیون قوانین مآلیه جزء دستور روز سه شنبه شود قیام نمایند ( اغلب قیام کردند )

**رئیس -** با اکثریت تصویب شد

**حاج آقا -** يك تلگرافی از خراسان آمده بود بحضور حضرت اقدس آقای نایب السلطنه و به مجلس فرستاده بودند و بنا بود که جواب آن نوشته شود و در مجلس خوانده شود و فرستاده شود نمیدانم جواب او چه شد.

**رئیس -** این قبیل مطالب را نمیشود جزء دستور کرد حالا اگر میخواهید جزء دستور سه شنبه رأی میگیریم برای روز پنجشنبه.

( در این موقع که بیست دقیقه از ظهر گذشته است رئیس حرکت کرد مجلس ختم شد )

( اسمی را بپای باورا )

( ۱ ) - رأی در ماده ( ۱ ) قانون تعرفه تلگرافی با اکثریت ( ۵۱ ) - تصویب کنندگان - آقا شیخ ابراهیم زنجانی - آقا شیخ ا - دهغوراقانی - شاهزاده سلیمان میرزا - مشیر حضور - شبیبانی - دکتر اسمعیل خان - ادیب التجار - حاج سید نصرالله - دکتر لقمان - انتظام الحکماء - معاضد السلطنه - دکتر علیخان - شاهزاده لسان الحکماء - آقا میرزا احمد - دکتر حیدر میرزا - حاج و کبیل الرعايا - دکتر امیرخان - آقا سید حسین اردبیلی - شاهزاده ابوالقاسم میرزا - آقا میرزا داودخان - آقا سید جلیل علیزاده - منصور السلطان آقا سید محمد رضای هممائی - آقا میرزا مرتضی قلیخان - معذل الدوله - احتشام الملک - رکن الممالک - آقا میرزا علی اصفهانی - معتمد التجار - مساوات - حاج شهبانمی خراسانی - آقا شیخ مهدی نجم آبادی - حاج معین الرعايا - آقا شیخ غلامحسین ضیاء الممالک - آقا میرزا محمدعلی

خان تربیت - افتخار الواعظین - آقامیرزا ابراهیم خان حاج میرزا رضاخان - حاج شیخ رئیس - آقامیرزا رضا خان نائینی - آقا میرزا قاسم خان - حاج عزالمالک آقا میرزا علی اکبر خان دهخدا - حاج سید ابراهیم حاج شیخ اسدالله - آقا میرزا رضای مستوفی - آدینه محمدخان - متین السلطنه .

رد کنندگان (۱۰ نفر) .  
آقای میرزا ابراهیم قمی - محمد هاشم میرزا - دکتر حاج رضاخان معزز الملک - طباطبائی - فرزانه آقا میرزا اسدالله خان کردستانی - سعیدالاطباء - لواءالدوله - ارباب کیخسرو .

(اسامی ربابهای با اوراق) .  
(۲) رای در ماده (۱۴) قانون تعرفه تلگرافی با کثرت (۴۸) رای (تصویب کنندگان) صدرالعلماء دکتر اسمعیل خان - آقا شیخ علی شیرازی - زنجانی - حاج شیخ رئیس معتمدالتجار ذکاءالملک - حاج سید نصرالله - انتظام الحکماء - آقامیرزا داودخان رکن المالک - دکتر حیدر میرزا - دکتر حاج رضا خان - لسان الحکماء - حاج شیخ علی خراسانی - مساوات شیبانی - سیمان میرزا - آقامیرزا ابراهیم قمی - آقا سید محمد رضا هدایتی - سعیدالاطباء - آقامیرزا احمد - منتصر السلطان - آقامیرزا مرتضی فیضیان - آقا سید حسین کرازی - ابوالقاسم میرزا - معین الدوله - معاضد السلطنه - آقا میرزا اسدالله خان - کردستانی - طباطبائی - آقا میرزا قاسم خان - اعصابه الملک - افتخار الواعظین - حاج معین الرعایا - ضیاءالمالک - نجم آبادی - عز الملک - شیخ غلامحسین - حاج میرزا رضاخان - شیخ اسدالله - آقا شیخ حسین یزدی - حاج عزالمالک - میرزا یانس - دهخدا - حاج سید ابراهیم - هشتروندی - آقا میرزا رضای مستوفی .

(رد کنندگان ۸ نفر) .  
آقا میرزا ابراهیم خان - آقامیرزا رضا خان نائینی - فرزانه معزز الملک - نیرالسلطان - حاج وکیل - الرعایا - ادیبالتجار - محمد هاشم میرزا .

جلسه ۳۶۲

صورت مشروح روز ۳ شنبه ۲۳

شهر جمادی الاخری ۱۳۲۹

رئیس ( آقای مومن الملک ) ۳ ساعت ونیم قبل از ظهر در صندلی ریاست جلوس نموده ۳ ساعت وربع قبل از ظهر مجلس رسماً افتتاح شد صورت مذاکرت جلسه روز شنبه ۱۹ را آقای آقامیرزا رضاخان نائینی قرائت نمود (غائبین جلسه قبل) آقایان ناصر الاسلام - حاجی محمد کریمخان بدون اجازه - آقای بهجت با اجازه .

محمد هاشم میرزا - آن روز راجع به ثبقات بنده اسمی از قاجاق بزدم عرض کردم این قانون راجع به ثبقاتی است که از حفریات پیدا می شود و مالیاتی بتوان عتیقات بسته شده است مطلق که نوشته بود سواى قالیچه و قالی که از عتیقات خارج بشود و در کمربت اگر بخواهد مالیاتی بر آن ببینند علیحده است اسمی از قاجاق نبردم .

رئیس - اصلاً میشود  
دکتر اسمعیل خان - بنده در باب ملکیت بریز عرض کردم تا اگر مالک دولت باشد عشر

بمستخرج بدهد و اگر در املاک شخصی باشد عشر بستخرج و عشر صاحب ملک میدهد که حق الارض باشد اینجا اشتباه شده است

رئیس - اصلاح می شود دیگر ملاحظاتی نیست ( اظهاری نشد - صورتجلسه باین اصلاحات تصویب شد) - کاغذی است از آقای سیددار اعظم رسیده است قرائت می شود (بمبارت ذیل خوانده شد)

مقام مجلس شورای ملی شهبانگه ارکانه چون برای استعلاج چشم علی اصغر بنده زاده و اقامت او برای تحصیل و سیاحت خود بنده باروب و مسافرت بلجندنی برای رفع خستگی قسمتین قسم شد که بقعه حرکت کردم و آقای ساعدالدوله اخوی را برای خدمت دولت و ملت و مجلس مقدس بودیمه و نعم البیدل در اینجا برقرار داشتیم از مجلس محترم استعفا دارم که در حق آن برادری که با دگاران من است و خود او هم حق بزرگ برای خدمات در راه ملت و مشروطیت و انفسد مجلس دارد گماز هر امری و معاونت و توجه رافرموده باشد دیگر استعفاى از نمایندگان محترم ندارم و سعادت آنها را از خداوند متعال خواهم ۱۷ شهر جمادی الثانی ۱۳۲۹ (محمد ولی)

رئیس - مذاکراتی ندارد فقط برای اطلاع بود دستور جلسه امروز قانون جنگل ماهیچه شور در قانون تعرفه تلگرافی - راپورت کمیسیون قوانین مانیه راجع بخاصه جات - شرح آقای عزالملک راجع بعه قبول نمایندگانی شغل دولتی - راپورت کمیسیون راجع بدونفر مجاهد - معاون وزارت مالیه برای جواب پایه سئوالات حاضر شده اند و آقای ادیبالتجار دوازده فقره سئوال داشتند آقای ادیبالتجار فرمایند

ادیبالتجار - اولاً عرض میکنم این سئوالات بنده اغلب آن ها هفت ماه و شش ماه و پنجاه پیش از این شده است البته سئوال هر نماینده تا اهمیت نداشته باشد بتوسط مجلس مقدس از هیئت وزراء و قوه مجریه اظهار نمیکند چون سئوالات من خیلی موقمش گذشته است و این سئوالات راجع بشش روز و هفت روز قبل نیست و اغلب اینها هفت و شش ماه و پنج ماه تاریخ دارد سؤال اول بنده در باب قیوض دیوانی و معامله آنها است چنانچه همه آقایان ندیدند و وزارت مالیه هم میدانند این مسئله يك و زور و بولی شده است باین معنی که هم از کمیسیون دولت خارج شده و بحساب دولت گذاشته اند وهم بکمیسیون ارباب حقوق خیلی جزئی عاید میشود چنانچه سالیان دراز است حقوق دیوانی را تومانی چهار هزار سه هزار دو هزار تا یک قران و ده شاهی هم بنده شنیده ام بمفرود شش سئوال بنده این است که این تفاوت بکمیسیون دولت میروند بکمیسیون صرافان بازار یا اشخاصی که این معاملات را میکنند و هم شنیده شده است در خود اداره مالیه هم در اغلب اوقات صرافهای قانون راجع به ثبقاتی است که از حفریات پیدا می شود و مالیاتی بتوان عتیقات بسته شده است مطلق که نوشته بود سواى قالیچه و قالی که از عتیقات خارج بشود و در کمربت اگر بخواهد مالیاتی بر آن ببینند علیحده است اسمی از قاجاق نبردم .

یا غیر و برای بعد از این چه اقداماتی کرده اند که این قسم تعدیات بدولت یا ارباب حقوق نشود سؤال دوم بنده در باب امتیاز نقره است که در اوایل تشکیل مجلس يك اجازه داده شد در باب نقره و شنیده شده که تاکنون بیست کرور یا زیادتر نقره آمده است منفعت دولت از باب ضرب سکه و تفاوت گدازد و بعضی چیز های دیگر که از این منر و مجری عاید دولت شده است چه مبلغ است و معاون وزارت مالیه میتواند صحت این معاملات را و این منفعتی را که در عمل ضرابخانه معین شده بفراهمند که مجلس مطلع شود و دیگر در باب نقشبند ضرابخانه که سه ماه است البته مطلقه که جمعی در روزنامه جات اعلان کرده اند پنجاه هزار تومان تفاوت آن رانما هم میکنم و هیئت نقشبند هم برای اینکار معین شد و نتیجه آن نقشبند چه شد شنبه شده که تقریباً در این خصوص هشتاد هزار بلکه صد هزار تومان آن هیئت نقشبند اختلاف بیرون آورده اند و دفاتر ضراب خانه را خواسته اند و بانها نداده اند ولی صحت و سقمش را نمیدانم و در این خصوص هم آنچه اطلاع دارند بفراهمند سئوال سوم بنده وجوهی را که کابینه سابق از بانک استقراضی گرفته اند گویا شنیدم یکصد و هشتاد هزار تومان و يك فقره چهار هزار تومان این پول از چه بابت بوده و باز شنیدم حق نقشبند را که دولت ایران در باب معاملات رهنی بانک استقراضی موافق قرار داشت القاء کرده اند و در عوض آن صد و هفتاد هزار تومان را گرفته آیا صحیح است و حق نقشبند دولت ایران که قیمت ندارد سلب شده است یا خیر سؤال چهارم بنده در خصوص جناب حاج وکیل الرعایا است آیا در وزارت مالیه آقای حاج وکیل الرعایا چه سمتی را دارا هستند چون نظر من همیشه بر این است که وکلای ملت روی صندلی و کالت خدمت این ملت را بکنند نه در وزارتخانه ها ، آقای حاج وکیل الرعایا هم خیلی زحمت کشیده اند بنده در این مدت و کالت دو مرتبه بوزارت مالیه رفته ام و اطلاع وافی ندارم لیکن متواتر شنیده شده آقای حاج وکیل الرعایا در آنجا اطاق مخصوصی دارند میخواهم بدانم آیا بودندشان در وزارت مالیه است رسمی داشته یا نداشته است و تصدی ایشان با مقام وکالت گمان میکنم منافی بوده است در این خصوص هم جواب بنده را بدهند سئوال پنجم بنده در باب منافع روده است مدت مدیدی است قانون روده از مجلس گذشته که آنهم يك کمی برای امنیت و نظمی ملکت باشد این قانون که از مجلس گذشت و هم جاری کرده است یا دیگری وزارت مالیه صحت اینکار را میتواند بفراهمند سؤال دهم بنده این است که بوزارت مالیه داده شده است از تمام ولایات این وجوه را مردم با این ضعف بنیه شان اطاعت کرده و داده اند بمصارف ملت و شهر ها رسیده است یا خیر ؟ و حساب های صافی آن با گمان اطمینان بظهران و مرکز رسیده است یا خیر و باسم دوائر ثلاث بعد از این هم از مردم پول خواهند گرفت یا خیر ؟ یا زدهم در باب اصلاحات و کم کردن اجزای ادارات مرکزی وزارت مالیه وسایر ولایات سابق در هر شهری يك نفر پیشکار مالیه بود نهایت در تحت اوامر حکومت بوده او اداره میکرد در سال دو بیست الی سیصد تومان یا قدری زیادتر میکرد این اوقات مالیه ملکت البته باید بطور تجدید اداره شود ولی

و در این صورت این خسارت ها را آیا وزارت مالیه بیای دولت چطور قبول میکند و عقیده بنده این است که این خسارت از آن اشخاص است که آن وقت مسئول اینکار بوده و بی احتیاطی کرده اند گرفته شود و وزارتین داخله و مالیه در موقع اقدام ننموده اند و برای اساله طهران که حالاً سه ماه است از اول سال گذشته است باین تجربه دو ساله از طرف وزارت مالیه چه پیش بینی شده است و چه نیالآت و اقدامات میتوانست صحت این معاملات را و این منفعتی را که در عمل ضرابخانه معین شده بفراهمند که مجلس مطلع شود و دیگر در باب نقشبند ضرابخانه که سه ماه است البته مطلقه که جمعی در روزنامه جات اعلان کرده اند پنجاه هزار تومان تفاوت آن رانما هم میکنم و هیئت نقشبند هم برای اینکار معین شد و نتیجه آن نقشبند چه شد شنبه شده که تقریباً در این خصوص هشتاد هزار بلکه صد هزار تومان آن هیئت نقشبند اختلاف بیرون آورده اند و دفاتر ضراب خانه را خواسته اند و بانها نداده اند ولی صحت و سقمش را نمیدانم و در این خصوص هم آنچه اطلاع دارند بفراهمند سئوال سوم بنده وجوهی را که کابینه سابق از بانک استقراضی گرفته اند گویا شنیدم یکصد و هشتاد هزار تومان و يك فقره چهار هزار تومان این پول از چه بابت بوده و باز شنیدم حق نقشبند را که دولت ایران در باب معاملات رهنی بانک استقراضی موافق قرار داشت القاء کرده اند و در عوض آن صد و هفتاد هزار تومان را گرفته آیا صحیح است و حق نقشبند دولت ایران که قیمت ندارد سلب شده است یا خیر سؤال چهارم بنده در خصوص جناب حاج وکیل الرعایا است آیا در وزارت مالیه آقای حاج وکیل الرعایا چه سمتی را دارا هستند چون نظر من همیشه بر این است که وکلای ملت روی صندلی و کالت خدمت این ملت را بکنند نه در وزارتخانه ها ، آقای حاج وکیل الرعایا هم خیلی زحمت کشیده اند بنده در این مدت و کالت دو مرتبه بوزارت مالیه رفته ام و اطلاع وافی ندارم لیکن متواتر شنیده شده آقای حاج وکیل الرعایا در آنجا اطاق مخصوصی دارند میخواهم بدانم آیا بودندشان در وزارت مالیه است رسمی داشته یا نداشته است و تصدی ایشان با مقام وکالت گمان میکنم منافی بوده است در این خصوص هم جواب بنده را بدهند سئوال پنجم بنده در باب منافع روده است مدت مدیدی است قانون روده از مجلس گذشته که آنهم يك کمی برای امنیت و نظمی ملکت باشد این قانون که از مجلس گذشت و هم جاری کرده است یا دیگری وزارت مالیه صحت اینکار را میتواند بفراهمند سؤال دهم بنده این است که بوزارت مالیه داده شده است از تمام ولایات این وجوه را مردم با این ضعف بنیه شان اطاعت کرده و داده اند بمصارف ملت و شهر ها رسیده است یا خیر ؟ و حساب های صافی آن با گمان اطمینان بظهران و مرکز رسیده است یا خیر و باسم دوائر ثلاث بعد از این هم از مردم پول خواهند گرفت یا خیر ؟ یا زدهم در باب اصلاحات و کم کردن اجزای ادارات مرکزی وزارت مالیه وسایر ولایات سابق در هر شهری يك نفر پیشکار مالیه بود نهایت در تحت اوامر حکومت بوده او اداره میکرد در سال دو بیست الی سیصد تومان یا قدری زیادتر میکرد این اوقات مالیه ملکت البته باید بطور تجدید اداره شود ولی

مراد اولیای امور صحت عمل است نه زیاد کردن صندلی و بز و اجرای اداره بنده از فرار یکبار از فرودین اطلاع دارم خیلی زیاد روی در توسعه اداره آنجا شده بیزانی که در بودجه دیده ام در سایر ولایات هم آن توسعه را از حیث مز و صندلی و اعضاء و حقوق معمول داشته اند مالیه ملکت طاقت این تحصیلات زیاد را ندارد بنده عرض نمیکم که فقط یک نفر پیشکار مالیه در یک شهری مالیه را اداره بکنند اجزاء هم لازم دارد و مخصوصاً نمایندگان ملکت و خود حضرتعالی که معاون وزارت مالیه هستید تصدیق خواهید کرد که خیلی زیاد روی شده است و با این ضیق مالیه ملکت این توسعه در ادارات مالیه را مقتضی نمیدانم در این خصوص چه اقداماتی کرده اند سؤال دوازدهم در باب جنس های دولتی سال آتیه دریابنخت و شهرهای دیگر چه اقداماتی نموده اند آیا اسمال بازم معاملات تسعیر خرواری در تومانی و بیست و پنج قران خواهد شد یا اینکه يك قرار کلی صحیحی گذاشته اند که مردم از بابت نان لامعاله آسوده باشد یکی هم از سئوالات بنده هم شنیده ام بیست و چهار هزار لیره (آقایان هم شنیده اند...

رئیس - موقمش نیست .  
ادیبالتجار - خیلی خوب عجانة جواب این سئوالات بنده را آقای معاون استعفا میکنم بفراهمند معاون وزارت مالیه - اگر چه خود آقای ادیبالتجار ابتداء فرموده اند که این سئوالات را ماه است کرده اند و تاکنون جواب ایشان بعهده تأخیر افتاده است ولی چون بنده میدانم که ایشان ساهی هستند که زود جواب داده شود بنده هم در این چند روز تا اندازه کمی سعی کرده ام که جواب های ایشان را امروز عرض کنم اولاً در باب قیوض دیوانی و معاملاتی که شده است و اینکه این تفاوت بکمیسیون کی رفته است این مسئله نقشبند خیلی مشکل است که رسیدگی بکنند گمان نمیکم بتوانیم ولی چیزی را که در این چند روز بعد از زحمات زیاد نتوانستیم تحقیق کنیم این است از بابت تزلی کدر این باب شده است از بابت قیوض سنه ماضیه تقریباً مبلغ ۲۹۸۰ تومان بکمیسیون دولت یعنی بخزانة دولت عاید شده و اما از بابت سنه آتیه که فرمودید برای سال آتیه چه فرماری داده اند وزارت مالیه با خزانه دار کل مشغول ترتیب جدیدی است که نتیجه اقداماتی که میکنند البته از نظر نمایندگان محترم خواهد گذشت و از تصویب مجلس هم خواهد گذشت و يك قاعده اتخاذ خواهد کرد که بمعموم مردم حقوقشان عاید بشود بدون اینکه خسارتی بکسی وارد بشود و اما اینکه فرمودید صرفاً در وزارت مالیه بوده است آن را بنده اطلاع ندارم یعنی در این چند روز که بنده بودم هیچ چیزی را بنده اطلاع ندارم و در سئوالشان هم چون تصریح شده بود چنین چیزی این است که نمیتوانم جواب این را عرض بکنم و در باب نقره که سؤال فرمودید که چه قدر وارد وجه قدر عاید دولت شده در سنه استیل چهل و یک هزار و شصت و شصت و سه قریس نقره وارد شده که قیمت آن چهار میلیون و یکصد و هشتاد و سه هزار و پانصد و پنجاه و نه تومان و پنجاه هزار و ده شاهی است که از این بابت شصت و هشت هزار و شصت و هشت و هفت تومان و شش هزار و کسری عاید دولت شده و در باب ضرابخانه و نقشبند آن نتیجه

رئیس - موقمش نیست .  
ادیبالتجار - خیلی خوب عجانة جواب این سئوالات بنده را آقای معاون استعفا میکنم بفراهمند معاون وزارت مالیه - اگر چه خود آقای ادیبالتجار ابتداء فرموده اند که این سئوالات را ماه است کرده اند و تاکنون جواب ایشان بعهده تأخیر افتاده است ولی چون بنده میدانم که ایشان ساهی هستند که زود جواب داده شود بنده هم در این چند روز تا اندازه کمی سعی کرده ام که جواب های ایشان را امروز عرض کنم اولاً در باب قیوض دیوانی و معاملاتی که شده است و اینکه این تفاوت بکمیسیون کی رفته است این مسئله نقشبند خیلی مشکل است که رسیدگی بکنند گمان نمیکم بتوانیم ولی چیزی را که در این چند روز بعد از زحمات زیاد نتوانستیم تحقیق کنیم این است از بابت تزلی کدر این باب شده است از بابت قیوض سنه ماضیه تقریباً مبلغ ۲۹۸۰ تومان بکمیسیون دولت یعنی بخزانة دولت عاید شده و اما از بابت سنه آتیه که فرمودید برای سال آتیه چه فرماری داده اند وزارت مالیه با خزانه دار کل مشغول ترتیب جدیدی است که نتیجه اقداماتی که میکنند البته از نظر نمایندگان محترم خواهد گذشت و از تصویب مجلس هم خواهد گذشت و يك قاعده اتخاذ خواهد کرد که بمعموم مردم حقوقشان عاید بشود بدون اینکه خسارتی بکسی وارد بشود و اما اینکه فرمودید صرفاً در وزارت مالیه بوده است آن را بنده اطلاع ندارم یعنی در این چند روز که بنده بودم هیچ چیزی را بنده اطلاع ندارم و در سئوالشان هم چون تصریح شده بود چنین چیزی این است که نمیتوانم جواب این را عرض بکنم و در باب نقره که سؤال فرمودید که چه قدر وارد وجه قدر عاید دولت شده در سنه استیل چهل و یک هزار و شصت و شصت و سه قریس نقره وارد شده که قیمت آن چهار میلیون و یکصد و هشتاد و سه هزار و پانصد و پنجاه و نه تومان و پنجاه هزار و ده شاهی است که از این بابت شصت و هشت هزار و شصت و هشت و هفت تومان و شش هزار و کسری عاید دولت شده و در باب ضرابخانه و نقشبند آن نتیجه

که از این کار حاصل شده است این است که از دو ماه قبل وزارت مالیه يك هشتی را برای نقشبند امور ضرابخانه معین کرده است و مشغول نقشبند شده اند لیکن راپورتی که بوزارت مالیه داده اند ناقص بوده و چون ناقص بوده این مسئله را در دو هفته قبل وزارت مالیه رجوع کرد بخزانة دار کل که يك نقشبند خوبی در این مسئله عمل بیاورد و نتیجه نقشبند خود را بوزارت مالیه اطلاع بدهد و پس از رسیدن راپورت از خزانه دار کل بعرض مجلس خواهد رسید و فعلاً «مستر دیبکی» را که یکی از مستخدمین امریکائی است مأمور اینکار کرده اند و از بابت وجهی که فرمودید از بانک استقراض گرفته شده از چه بابت بوده وجهی که گرفته شده یکصد و هشتاد و پنجاه هزار و یکصد و سه تومان و کسری است و از بابت مازاد عایدات کمرکات شمالی بوده است لاغیر در باب آقای حاج وکیل الرعایا که فرمودید وزارت مالیه چه سمتی دارند آنچه بنده در این چند روز تحقیق کرده ام گویا در سابق در هیئت مدیره خدماتی بایشان رجوع شده آن خدمات ناقص مانده است پس از افتتاح مجلس شورای منی از طرف مجلس باو اجازه داده شده که کارهای سابق خود را امتداد دهد و با تمام برساند و پس از ختم عمل دیگر کاری در وزارت مالیه نداشته باشد و از این جهت ایشان مشغول بوده اند و کارهایی که از طرف وزارت مالیه من غیر رسمه بایشان رجوع میشده دنبال داشته اند ولی ست رسمیتی در وزارت مالیه ندارند و بطریق مخصوصی بصورتیکه فرمودید بنده در این چند روزه ندیده ام که داشته باشند و ندارند در باب عمل روده که فرمودید که چقدر عاید دولت شده است صورت آن را بنده جدا خواسته ام و تا روز پنجشنبه حاضر خواهد شد و صورت عایدات آن را بعرض نمایندگان محترم خواهم رسانید ولی اداره آن مرتب است چه در مرکز و چه در ولایات مشغول کار هستند و بعد هامیتوانیم اطمینان داشته باشیم که عایدات این اداره هم مثل سایر ادارات دولتی در تحت نظر دولت بوده حیف که بصرف نان شهر رسیده آنچه تخمین صورت پهنه داده اند تقریباً اول حمل تا حال (۱۳۱۷۵) خروار گندم از طرف دولت بخازنه داده شده است و از قرار خرواری سیزده تومان و پنجاه هزار دولت قیمت گرفته تفاوت آن تا بحال معلوم نشده است چون بتوسط اداره جهانبان طومانیانس شرکت خیریه شرکت متفقه داده نشده و از بابت خسارت صورت خواسته ایم و هنوز صورت نداده اند که قیمت نان در این ایام چه بوده تا اینکه معلوم بشود خسارت دولت چه بوده جواب این را تحقیق کرده در جلسه بعد عرض خواهم کرد که چقدر خسارت دولت در این مدت کشیده است و اینکه فرمودید که کی علت این خسارت شده است این مسئله خیلی غامض است که باید بعد از تحقیق رسیدگی معلوم شود که کی عمداً یک همچو کاری کرده است و کند دولت را تسعیر کرده است قبل از وقت داده است که بعد دولت دچار سختی شده است که آن وقت دولت نتواند از کسی مطالبه خسارت را بکنند عجاناً این خسارت را متحمل شده در باب اقداماتی که دیوان محاسبات در این وقت کرده است سؤال کردید که سندیست داشته است یا خیر البته

اقداماتی که کرده است تا بحال اگر سندیت نداشت دولت آن هیئت را در آنجا نمی پذیرفت و بسبب این است که سندیت داشته است در باب اجرای کارهایی که از آن هشت صادر شده البته وزارت مالیه جداً تعقیب خواهد کرد و بموقع اجراء خواهد گذاشت در باب دیوان محاسبات جدید همین روزها اسمایی که باید پیشنهاد شود بمجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد شد که اعضای آن را انتخاب کنند در باب فروش شخصی بعضی که فرمودید جزع و فزع دولت حساب کرده اند صورت این را خواسته ام و در جلسه بعد عرض خواهم کرد ولی بطوریکه از خارج به بنده اطلاع داده اند یک عده طلب اشخاص را داخل کرده اند در فروش دولتی ولی بطور تحقیق نمیدانم البته تحقیق میکنم و بعد از تحقیق عرض میکنم اما اینکه فرمودید در آنجا وزارت مالیه یک چنین خیالی دارد ابتدا چنین چیزی نیست و ابتدا صحت ندارد که بخواهد فروش کسی را جزء فروش دولتی حساب بکند در باب عمل کردن املاک خالصه نیشابور که فرمودید نیست و پنجهزار تومان عایدی داشته است و صورت آن را آقای ادیب التجار داده اند اینکه میفرمایند مخالف است با آن سورتی که بوزارت مالیه رسیده است و بنده خواهم میکنم آن صورت خودشان را ببینند بپندارند تا تحقیقاتی که لازم است در این باب بکنند سال گذشته خالصه نیشابور را چه آقای حاج و کبیرالرعایا کرده اند ایشان بیشتر از آنجا فرستادند و ضبط کرده اند که صورت ضبطی را که بوزارت مالیه داده اند عیناً حاضر است که شش هزار و هفتصد و دوازده تومان بشماران و پانصد دینار نقدی داشته است و شصت و چهار هزار و هشتاد و پنج و من و کسری گندم داشته است و دوست و نود و نه خروار و بیست و پنج من جو داشته است و هفتصد و سی و پنج خروار و شصت و پنج من کنجد داشته است و هشت خروار و سیزده من شلتوک و ۲۹ خروار و شصت و شش من جوزق داشته و همچنین کادوانه و بعضی چیزهای دیگر و صورت مخارجی که داده اند سه هزار و هفتصد و دوازده تومان و سه هزار و شصت و پنجاه دینار مخارج نقدی و بیست و چهار خروار و شصت و پنج من گندم و هفده خروار و یازده من جو و پنجاه خروار شلتوک و سی و نه خروار کاخ خرج ادار این کار شده است ولی وزارت مالیه هنوز این صورت را تصدیق ندارد و میخواهد یک نفر مأمور بفرستد که هم تقشیر بکند عایدی سه گذشته را و هم فراری در باب عایدی هفتاد و سه بعد در باب دواثر ثلاث سؤال کردید که جوهری که در این مدت عاید دولت شده چه بوده است و بطور صحیح چه قدر عاید دولت شده است از اول حمل این تیل تا اول حمل این تیل عایدات دواثر ثلاث چهارصد و شصت و پنجاه هزار و چهارصد و پنجاه و یک تومان و سه هزار و نهصد و شصت و نه دینار بوده است و مخارج اداری یکصد و هشتاد و چهارصد و سی و دو تومان و سه هزار و هفتصد و هشتاد و چهار دینار و اما اینکه سؤال فرمودید حالیه باسم دواثر ثلاث چیزی اخذ می شود عرض میکنم که وزارت مالیه جز اداره تجدید تربیات اداره دیگری را نمی شناسد در خصوص اصلاح کم کردن ادارات مرکزی و ولایات بنده در این خصوص تمام فرمایشات آقای ادیب التجار را قبول دارم و البته خیلی ادا اثر را باید کاست و اینکه بودجه

هارا وزارت مالیه خواست که تجدید نظری بکند برای همین بود که جرح و تعدیلی که لازم است یعنی بعضی ادارات را که ابتدا لازم ندارد و بعد دولت نمی خورد آنها را جرح کند ماده کنند و پیشنهاد مجلس نمایند در باب گندمیکه از برای شهر طهران و ولایات که فرمودید لازم است دولت چه تهیه کرده به موجب راپورتی که از طرف حکومت طهران بوزارت مالیه رسیده رسماً اشعار شده است که از امروز دیگر محتاج بگندم دولت نیستند زیرا که گندم زیاد است و ابتدا دیگر دولت محتاج باین خسارت نخواهد بود که تحمیلی دولت بشود و از باب سال آتی هم بوزارت داخله اشعار شده است از وزارت مالیه که آنچه گندم لازم دارند قبلاً اطلاع داده شود که وزارت مالیه تهیه ببیند و اما اینکه فرمودید جنس ولایات و مرکز را خیال تسعیر دارند خیر ابتدا تا بحال چنین اجازه بکسی داده نشده است و در این باب یک قاعده صحیحی اتخاذ خواهد شد و حتی الامکان اقدام خواهد شد که جاهائی که ممکن است تسعیر بشود یک مسئله هم گویا راجع بنمک بود که آنرا هم سؤال فرموده بودید و اینجا اظهار نکرید ولی حاضر است عرض میکنم

**رئیس** - موقعش نیست.

**معاون** - بسیار خوب.

**ادیب التجار** - در خصوص قبوض دیوانی که از گذشته ها فرمودند اطلاعی نداشته اند و هیئت تقشیریه معین خواهند کرد استدعا میکنم چون این کار مهمی است و یک وقت بدنامی برای دولت حاصل شده است و یک پول مبینی را جمعی مفتخور خورده اند بنده استدعا میکنم با آن جدیتی که آقای ماضد الملک دارند یک جدیتی بکنند و یک هیئت تقشیریه را که دولت پیشنهاد قبول وزارت مالیه باشد تعیین فرمایند که این بدنامی از دولت رفع شده و برای بعد از این هم طوری بکنند که اگر یک چیز زیادی هم داده می شود بکسیه دولت عاید شود که در حقیقت بکسیه افراد ملت داخل شده است و مرددم خوبی راضی هستند باینکه این تفاوت بکسیه دواثر ثلاث بدشود بکسیه بعضی اشخاص دیگر در خصوص نقره و منافع آن که فرمودید یک چیزی سؤال کرده بودم که صحت آن را بفرمایند که این حساب و این قمی که بیان کردند آیا بطور صحیح همین قدرها میشود و آن راجع به تقشیر می شود تقشیر را هم که فرمودند دوماه بیش از این تأسیس شده است هنوز نتیجه بعمل نیامده است امیدوارم همینطوریکه فرمودید نتیجه آن را بمجلس عرض بکنند و جوهری که از بانک اسقراضی گرفته اند فرمودند یکصد و هشتاد هزار و کسری بوده است یک چیزی هم بنده عرض کردم جوابش را فرمودند شبیه که این وجه در خصوص الغاء حق تقشیر دولت ایران گرفته شده است یا این پول دیگر است و این صحیح است یا خیر حق تقشیر که هیچ قیمت ندارد آیا برداشته اند یا برداشته اند در خصوص حاج و کبیرالرعایا که در وزارت مالیه اطاقی بایشان راجع بوده است این روزها را عرض نکرده سابقاً البته همه نمایندگان شنیده اند زیرا عرض کردم آیا امروز هم متصدی امور هستند یا خیر اینرا بفرمایند

در باب منافع روده که فرمودند مقدار و مبلغ عایدی روده را و صحت عمل اداره او را در خصوص قاجاق اونفرمودند که چندین مرتبه بطور قاجاق برده اند از سرحد ایران و بعد از این هم مواظبت خودشان و اداره کردن دواثر ثلاث آنرا فرمودند در باب خساراتی که وزارت مالیه در عمل آن با آن سئوالاتی که در مجلس مکرر در مکرر بنده کردم و با آن اسراریکه هر یک از آقایان نمایندگان داشتند که علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد و این بی میلانی که وزارت مالیه در تهیه جنس برای دارالخلافه بایودن جنس کرده است بنده عرض میکنم که گناه این بی میلانی که از بعضی از اشخاص در سابق شده است دولت و ملت آن خسارت را قبول نمیکند و وزارت مالیه هم قبول نمیکند و آن اشخاصی که مسئول بوده اند این جنس آذوقه تهران را بموقع حاضر بکنند و نکرده اند با آنچه سئوالاتی که کرده بودیم گمان میکنم که این خسارت بای آنها باشد در باب دیوان محاسبات هم انشاء الله همینطوریکه فرمودند اعضای آن را زودتر پیشنهاد مجلس خواهند فرمود که قدری از این مقدمات گذشته آسوده شویم در باب فروشهای شخصی هم زودتر پیشنهاد بکنند و وعده فرمودید بعضی مجلس خواهد رسانید در باب عمل کردن املاک خالصه نیشابور چون وقت مجلس را بنده خیلی قبضی میدانم و میترسم آقای رئیس منع بکنند که وقت مجلس را توضیح میکنم باین جهت اینجا عرض میکنم لکن در خارج مجلس صورتی جزء آن حاضر است که عمل کرد آنرا مینمایند در باب جوهری را که از از باب دواثر ثلاث فرمودند ندانم که این مبلغ راجع بچند محل بوده است یا تمام ولایات بوده یعنی باسم دواثر ثلاث اصلاح و کم کردن ادارات هم که فرمودند خیلی متشکریم که اقدام فرمایند در خصوص جنس دولت هم خیلی متشکریم که جواب آنرا قدری واضعتر بفرمایند

**رئیس** - اینکه می بیند جواب سئوالات را میچم میدهند برای این است که مبهم سؤال می کنند باید سؤال را واضح بکنند تا جواب را واضح بگویند

**معاون وزارت مالیه** - بله بطوریکه حضرت رئیس هم اشاره فرمودند بعضی سئوالات بطور مبهم شده بود باینجه بنده هم تحقیقات در آن موارد نکردم و در مسئله تقشیر که فرمودند این پولی که گرفته شده است راجع بالغاء حق تقشیر بوده است که از بانک گرفته اند آنرا هم چون در ضمن سؤال توضیح فرموده بودید این است که جواب شما را دادم که این از باب عایدات گمرکات شمال بوده است اما در باب تقشیر راجع بقیوس هیئت تقشیر که معین خواهد شد بنده خیلی جد خواهم کرد که هر چه زودتر معین شود که تفصیل این قبوض از چه قرار بوده است در باب صورت عایدات خالصجات نیشابور هم خیلی متشکر میشوم که صورت آن را بفرستید بوزارت مالیه در باب عایدات دواثر ثلاث هم راجع بعایدات دواثر ثلاث در تمام مملکت بوده است اختصاص بجائی ندارد

**رئیس** - بعضی سئوالات دیگر هم هست ولی اگر بخواهم همه سئوالات را بنمایند شاید تمام

جلسه صرف سئوالات بشود خوب است جلسه دیگر هم حاضر شوید که آن سئوالات بشود

**معاون وزارت مالیه** - حالا استدعا می کنم که راپورت قوانین مالیه راجع بخالصجات را مقدم بدارید

**رئیس** - رأی میکنیم بحق تقدم راپورت کمیسیون قوانین مالیه راجع بعمل خالصجات آقایانی که تقدم این راپورت را باین مسائل دستور تصویب می فرمایند قیام نمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد - حالا مذاکرات در کلیات است در کلیات مخالفی هست ؟

**دکتر حاج رضا خان** - بنده اجازه خواسته ام

**رئیس** - مخالف هستید؟

**دکتر حاج رضا خان** - بله مخالف هستم

**رئیس** - بفرمایند

**دکتر حاج رضا خان** - بنده چون خودم جزء اعضاء کمیسیون قوانین مالیه هستم برای بنده خیلی مشکلات در آنجا دست داد که حل نشد لهذا بیشتر ایرادات و مخالفت بنده در این است که آن مشکلات حل بشود و اجازه نامه از طرف دولت پیشنهاد شده است و او را کمیسیون رد کرد در آن وقت چند ماده از کمیسیون در ضمن راپورت خودشان پیشنهاد کرده اند بنده میدانم که این اجازه نامه است که دولت میخواهد یا قانون است که از طرف نمایندگان پیشنهاد شده است اگر این طرح قانون است باید برود بکمیسیون مبتکرات و قابل توجه بشود بعد از آنجا راپورت بدهند و مطرح و مذاکره شود و در صورتیکه اجازه است نمیدانم کمیسیون از طرف دولت میتواند این اجازه را حاصل بکند یا اینکه خود دولت باید پیشنهاد بکند و بعد اگر اجازه لازم است مجلس بنده آیا لازم است دولت هم مطلع باشد و بنظر دولت هم رسیده باشد یا خیر اولاً این یک اشکال بنده است ثالثاً این که ما اگر بخواهیم که برای اجازه و استیجاره که راجع به مجلس است یک اختیاری بوزیر بدهیم قانون اجازه و استیجاره عموم اموال دولت در مجلس یک شور شده است و در کمیسیون هست و شور دوم لازم دارد به عقیده بنده اگر او میآید به مجلس خیلی زودتر میگذشت از این ماده که اینجا نوشته اند بنده نمیدانم علت اینکها و نمایانند به مجلس و یا برای حفظ خالصه تهران اجازه میدهیم دوسه ماده مخصوص بگذرد چه چیز است و اصلاً عرض میکنم فلسفه اینکها اجازه نامه باید بمجلس بیاید نه فقط برای ملت است بلکه برای آن موادی است که ما دیدیم او اجازه نامه خالصجات طهران بود آن مشروطات خانمان برانداز و این سه ماده جلوگیری نخواهد کرد از آنها لهذا بنده بکلی مخالف با دادن خالصجات را بیک کمیانی و این سه ماده هیچ ممکن نیست جلوگیری کند از این قبیل موادی که در آن اجازه نامه سابق بود

**معزز الملک مخبر کمیسیون قوانین مالیه** - ایراد اولی آقای حاج دکتر رضا خان در واقع راجع باین بود که کمیسیون حق ندارد

یک چیزی را که بکمیسیون رجوع میشود پیشنهاد بکند در صورتیکه تصور میکنم چنین چیزی نباشد یک لایحه از طرف مجلس رجوع شده بود بکمیسیون با آن دلالتی که خودش در کمیسیون بودند و تصدیق دارند و در کمیسیون هم تصدیق کردند آن پیشنهاد رد شد و حالا میفرمایند چرا کمیسیون اولاً کمیسیون همیشه حق پیشنهاد بمجلس دارد دیگر آنکه میگویند نظر دولت لازم است و شرط است لابد تصدیق خواهد کرد که اگر نظر دولت شرط است معاون وزارت مالیه که آن پیشنهاد را کرده بود حضور داشت و تقریباً مثل این است که این پیشنهاد از طرف خودشان شده بود ایشان نمایندند نظر دولت هستند و ما هم هیچ حق نداریم در صورتی که معاون یک وزارت خانه در کمیسیون حاضر است و یک پیشنهادی را قبول میکنند بگوئیم که نظر شما نظر دولت نیست شما بروید و مخصوصاً با نظر یک دولت دیگری بیایند اما مسئله ثانوی که فرمودند چرا عوض این قانون یک قانون دیگری نیامده است اولاً این ایراد صحیحی نیست بجهت اینکها ممکنست هر قانونی بیاید بفرمایند چرا این قانون آمده است قانون دیگری نیامده است ثالثاً اینکه جنابعالی در کمیسیون تشریف داشته و میدانید که در کمیسیون مذاکره شده که چون یک اصل است در قانون اساسی که محتاج به تقصیر است راجع به نقل و انتقال چنانچه بعضی نظر دارند و نقل و انتقال که شامل اجازه میدانند و بعضی شامل اجازه نمی دانند اگر نقل و انتقال را شامل اجازه و استیجاره بدانیم آن وقت آن قانون اجازه که میفرمایند یک شورش شده چیز زیادی خواهد بود و برخلاف قانون اساسی خواهد بود و اگر نقل و انتقال را شامل اجازه ندانیم آن وقت هیچ تبصره قانونی نمیشود برای آن معین کرد و اگر نقل و انتقال شامل اجازه نشد آن وقت ممکن است آن قانون بیاید و برای آنکه آن تقضه نظر جناب عالی حاصل شود خوبست نقاضاً بفرمایند که زودتر این مسئله تقشیر از مجلس بگذرد تا رفع اشکالات بشود یک نکته دیگر که فرمودید این سه ماده جلوگیری از آن شرایط خانه برانداز نمیکند البته مجلس شوری نظری این باشد آنوقت مجبور خواهد شد که در هر کار جزئی خودش دخالت بکند بجهت اینکه هیچ کس حق بجز خودش اعتماد ندارد و البته تصدیق خواهند فرمود که باین ترتیب آثار پیش نییود یک قوه مجریه هست در مملکت و کسانی هستند که مأمور حفظ منافع مملکتی هستند مستقیماً کلیات را مجلس شورای ملی اجازه میدهد و حفظ منافع دولت و تعیین جزئیات با دولت است ما که دیگر باین درجه هم نباید مداخله در اجرائیات بکنیم علاوه بر این چند ماده هم چندی قبل از مجلس گذشت و یک اکثریت قریب با اتفاق یک دخالتی از برای خزانه دار کل تعیین شده است که تقریباً این هم جزء وظایف آن خواهد بود در صورتی که وزارت مالیه این قبیل اشخاص صحیح دارد دیگر نباید بگوید که تمام جزئیات هم بتصویب من باید باشد این جا از حجت مدت معین شده است از حجت تبیه بودن داخله هم معین شده است دیگر سایر

شرایط جزئیات میماند که مثلاً بچند نسطه مال الاجاره را میدهند بطور بدبختی تصور میکنم که جزء وظایف مجلس باشد

**دکتر حاج رضا خان** - سوء تفاهمی شده است اجازه میفرمایند توضیح بدهم

**رئیس** - بفرمایند

**دکتر حاج رضا خان** - آقای مخبر از قول بنده فرمودند که فلانکس میگوید حق ندارد کمیسیون یک چنین چیزی پیشنهاد کند در صورتی که کمیسیون حق دارد ابتدا بنده چنین چیزی نگفتم هیچ نگفتم کمیسیون حق ندارد بنده عرض کردم چندین اشکال دارم و یکی از آنها اینست که نمایند کمیسیون این حق را دارد یا ندارد

**معزز الملک** - مخصوصاً فرمودید

**آقای شیخ غلامحسین** - عرض میکنم بنده دو نظر دارم در این بواسطه این دونظر مخالفم یکی این است که می بینم این قانون آمده است بمجلس و خلاف نظامنامه داخلی است بجهت اینکها در نظامنامه داخلی مینویسد طرح قانون آن است که نمایند پیشنهاد کند و یازده نفر از نمایندگان آنرا امضاء کنند و یک ترتیب معینی ندارد لایحه قانونی آن است که از طرف وزرا پیشنهاد میشود و این نه طرح قانونی است و نه لایحه قانونی بجهت اینکها می بینم این قانون وضع میشود برای طهران مجلس شورای ملی میشنند قانون وضع میکند برای چندین طرف طهران و این ترتیب گمان میکنم که وظیفه مجلس شورای ملی آنگاه بجهت اینکها وظیفه مجلس شورای ملی وضع قانون است نه برای طهران فقط اگر میخواهد برای خالصجات قانونی وضع کند باید برای تمام خالصجات قاصون وضع کند نه اینکه مجلس شورای ملی به شنیدن قانون وضع کند برای خالصجات اطراف طهران

**رئیس** - اما در مسئله طرح یا لایحه این اگر قبول کردنی نبود بنده هم قبول نمی کردم طرح قانونی را یک نفر نمایند هم حقدار پیشنهاد بکند و در کمیسیون قوانین مالیه گویا دوازده نفر هستند در صورتیکه یک نفر این حق را داشته باشد دوازده نفر بطریق اولی حق خواهند داشت دیگر اینکه چون معاون وزارت مالیه در کمیسیون بوده و این را قبول کرده است این اول حالت صرح قانونی را داشته ولی بعد از قبول کردن ایشان حالت لایحه قانونی را پیدا کرده است

**معاون وزارت مالیه** - چون تقاضای فوریت این طرح قانونی از رف کمیسیون شده است بنده هم تقاضای فوریت آنرا میکنم

**رئیس** - حالا در کلیات آن مذاکره می کنیم

**مجلس الدوله** - بنده تصور میکنم وقتی یک مسئله خوب تشریح شد برای هیچکس تردید و اشکالی باقی نمیماند این دوسه مسئله است یکی این است که طرح قانونی تازه تقدیم مجلس شد و حال اینکها اینطور نبوده دیگر یک لایحه برای اجازه خالصجات دولتی تقدیم شده بود و چون آن از مجلس رد شد مجلس وظیفه خودش را ندید که داخل جزئیات



آن شود این مسئله مسلم است که در هر امری مجلس در کلیات او قوانین وضع میکند که ادارات دولتی در جزئیات آن اقدامات میکنند این بود که پس از آنکه آن قرار داد را که دولت پیشنهاد کرده بود رد شد کمیسیون چند ماده را که میتوانست شامل تمام جزئیات آن شود آنرا پیشنهاد کرد و اما اینکه چرا تامل نکرد که در خصوص کلیه خالصجات و املاک دولتی يك طرحی پیشنهاد کند و يك تکلیف صحیحی برای این کار معین بکنیم این بجهت این بود که نظر داشتیم با اهمیت موقع چون بنده مدتی در خالصجات بودم و خوب میدانم که دولت هرگز نمیتواند باین زودیها در این چند سال اجراء کافی عامل بدست نیاورد خالصجات را اداره کند در این مدت مدید خالصجات در تحت نظر يك وزیر اداره میشد همه اش بطور اجاره اداره میشد و حالاکه اجاره میشد اجارانش هم يك ترتیبی داشت یکسال و دو سال و سه سال و نظرم هست که هیچوقت از پنجسال تجاوز نمیکرد باین واسطه اجاره او لازم بود که زودتر اجاره شود نه اداره وزارت مالیه هم نظرش باین بود که نمیتوانست اداره بکند و وقتیکه اجاره باشد بنا بر اطلاعات خارجی بنا بر مصالح ممالک بهتر از این شکلی که در در اینجا شده است نمیشد که تحت نظر خزانه دار کمال باشد و سه شرط اصلی در تحت سه ماده باشد یکی اینکه اجارات در کمال دقت در تحت نظارت خزانه دار کمال باشد و با کمال دقتیکه وزارت مالیه میکند در تحت نظر دقتیکه خزانه دار کمال دارد در تحت این شرایط اجاره برود بنده عرض میکنم که امروز اگر چنانچه یکساعت بکروز توپ بیفتد چون تعویض را که در نظر بیاوریم که نه در تحت نظر کمیاتی است و نه اینکه دولت مداخله دارد در این صورت چند خسارت در هر ساعت دولت دارد و خسارت دولت بیش از این است که ما بخواهیم این ملاحظاتی تقدیم و تأخیر در اجاره بیانداوریم اینست که عرض کردم با کمال دقتیکه شده است باین ترتیب اگر اجاره بدهند جلوگیری خواهد کرد از يك خسارت کلی که ممکن است بدولت از این راه متوجه شود.

**رئیس -** آقای محمد هاشم میرزا مخالفند؟  
**محمد هاشم میرزا -** بله  
**رئیس** بفرمائید.  
**محمد هاشم میرزا -** بنده باین طرحی که از کمیسیون قوانین مالیه پیشنهاد شده مخالف هستم نه بواسطه اینکه شرایطش کم است با زیاد بنده چون عقیده ام اینست که انتقال را شامل اجاره میدانم و از حقوق تمامه مجلس میدانم بموجب قانون اساسی لهذا عرض میکنم باید این حقوق را بمجلس داد و اینهم که آقای مدلل الدوله فرمودند که شرایطی در آن اجاره نامه بود که مجلس نمیخواست مداخله در آنها بکند و آنها را تصویب بکند خیر اینطور نبود میخواست که بکسوری بکند که تمام مقدماتش را وزارت مالیه با خزانه دار کل هر دو هر طور صلاح میدانند قرار بگذارند بعد کلیه تمام موادش را ماده بعد ماده بمجلس بیاید و از نظر و کلاه بگذرد

و اگر این حق را واگذار بکنیم یوزارت مالیه گمانم این است که يك حق ثابت مجلس را واگذار کرده ایم بدون جهت یوزارت مالیه و منافع زیادی در آمدن اینها بمجلس بنده میبینم چنانچه از تدبیرش تمام مضار کمیاتی خالصجات سابق و کمیاتی گوشت حاصل شد و تمام از وظایف مجلس بود و عمل نشد و باین درد سرما گرفتار شدیم و جمعی هم بمرحمت افتادند و مجبور شدیم که بالاخره آن ترتیبی که بر خلاف قانون داده بودند منقصل بکنیم لهذا بنده عقیده ام این است که در تمام این ها هر قسم که وزارت مالیه صلاح میدانند اگر چه عقیده بنده این است که باید بجزء بخود رعایا داده شود و هیچ ضرری هم در این نیستیم مثل مالیاتی که هزار و يك تومان و جنس يك خروار و ۲ خروار گرفته میشود و هیچ ضرری هم از اینراه بدولت وارد نیاید و بنده منافع رعایا و منافع صحیح دولت را هم در همین عقیده میندازم و این قانون را رد میکنم.

**معاون وزارت مالیه -** چیزی که وزارت مالیه را مجبور کرد و اصرار دارد که این لایحه وزارت مالیه در يك موقعی دچار این زحمت شده است که هر چه فکری میکند بچه شکل جلوگیری از ضرر دولت بکند میکند که هیچ وجه ممکن نیست مگر این که بطریق مازاد قرار بدهد اگر آن جواب بنده را در جواب آقای ادیب التجار در مسئله خالصه نیشابور التفات فرموده بودند شاید مخالفت نمیکردند و تصدیق میفرمودند که هر چه خالصه دارد دولت باید اجاره بدهد نهایت يك مسئله را این جا فرمودند که اگر برعایا اجاره بدهند بهتر است وزارت مالیه هم خیلی مایل است که این املاک را برعایا اجاره بدهد و وزارت مالیه پیشنهاد میکند بطریق مازاد با اطلاع خزانه دار کل اجاره بدهد حالا هر کس زیادتر داد و شرایطش کمتر بود آنها را قبول میکند و بنده قصد مخالفت را در این باب هیچ نمیدانم و هر روزی که این مطلب عقب بیفتد ضرری و خسارتی در خالصجات عاید دولت خواهد شد حالا بسته برای مجلس است.

**رئیس -** مذاکره در کلیات کافی نیست؟ (اغلب اظهار کردند کافی است)  
**رئیس -** چون تقاضای فوریت شده است لایحه تقاضای رای میگیریم بعد رای میگیریم که داخل مواد شویم آقای معاون راجع بفوریت توضیحی بدهید.  
**معاون وزارت مالیه -** توضیح همین جمله اخیر بود که عرض کردم هر قدر این لایحه زودتر بگذرد وزارت مالیه زودتر میتواند منافع دولت را حفظ بکند و هر قدر دیرتر بگذرد موجب خسارت دولت میشود.  
**رئیس -** آقایانی که فوریت این لایحه را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)  
**رئیس -** با اکثریت ۹۴ رای تصویب شد حالا رای میگیریم که داخل مواد این لایحه شویم آقایانی که تصویب میکنند که داخل مواد این لایحه شویم قیام نمایند با اکثریت ۹۴ رای تصویب شد مادامی که بخوانید

(بمبارت ذیل قرائت شد)  
**ماده اول -** وزارت مالیه مجاز است املاک خالصه دولتی اطراف طهران و خوار را بطور مزایده باستحضار خزانه دار کل با جاره بدهد  
**دکتر علی خان -** مخالفت بنده بمربوطیک سؤالی است که میکنم و چون در موقع کلیات نشد اینجا عرض میکنم در اینجا نوشته شده است که وزارت مالیه باستحضار خزانه دار کل با جاره بدهد میخواستم سؤال کنم که در این لایحه که پیشنهاد شده است خزانه دار کل نظری کرده است و قبل از اینکه پیشنهاد شود با او شوری شده است و ممکن نیست که دولت خودش اداره بکند یا بخر اگر شوری شده است و نظر او در این لایحه بوده است که ممکن نیست دولت خودش اداره بکند که بنده حرفی ندارم موافق هستم اگر نظر او در این لایحه نبوده و بدون شور با خزانه دار کل پیشنهاد شده است و فقط استحضار او را شرط قرار داده اند در این صورت بنده مخالفم  
**معاون وزارت مالیه -** وزارت مالیه قبلا مذاکراتی در این باب با خزانه دار کل کرده است و بعد از آن این را پیشنهاد کرده است و نظریات او را هم در این پیشنهاد جلب کرده است.  
**هشردی -** چون بنده از اصل قانون اساسی را شامل میدانم با جاره هاییکه از طرف دولت باید باشد لهذا این ماده را در همین مگر باین شرط که بعد از این که اجاره نامه نوشته شد بدیاید تصویب خزانه دار کل و مجلس هم برسد باحالا باید از این اگر باین شرط که بنده هم حالا پیشنهاد میکنم چنانچه بتصویب مجلس هم میرسانند یعنی اجاره نامه آخری که نوشته شد موادش بیاید در مجلس مطرح بشود و مذاکره میشود موافقم و الامتثال  
**معزز الملک -** چون این جا مکرر اظهار می شود و مخالفت باین مواد را موکول میکنند باصل قانون اساسی از این جهت لازم است توضیحا عرض کنم بر فرض این که این ماده هم بگذرد گمان میکنم منافاتی با آن اصل قانون اساسی نداشته باشد بجهت این که چنانچه حضرتعالی فرمودید يك هده هستند که نظرشان این است که این ماده شامل اجاره هم میشود و يك عمده هستند نظرشان برخلاف است و میگویند شامل اجاره نمیشد (حالا اگر ما صبر میکنیم که تفسیر این ماده میشود و از کمیسیون بر میگشت و میدیدیم اکثریت مجلس بکدام طرف مایل میشد و قطع میکرد تفسیر این مسئله را يك مدتی لازم داشت این و چنانچه در موقع تقاضای فوریت معاون وزارت مالیه بیان فرمودند که تأخیر قطع عمل خالصجات همه روزه اسباب خسارت دولت است حالا برای این که يك چیزی پیشنهاد شده باشد که هم مخالفتی با آن اصل قانون اساسی نداشته باشد و هم تکلیف وزارت مالیه معین شده باشد این سه ماده پیشنهاد شده است و باین سه ماده نباید بنظر قانون ملاحظه کرد که این يك قانونی است که همیشگی خواهد بود و بعد از ۵ سال دیگر هم باز ۵ سال به ۵ سال همین قانون مجری است این طور هست عرض کردم چون این ماده قانون اساسی هنوز تفسیر نشده است اسکن با احتمال اینکه شاید

تفسیر بشود باین طور که اجازه میدهد هم از وظایف مجلس است لهذا ماده اول که اجازه میدهد بوزارت مالیه از طرف مجلس اجازه داده است و هیچ سلب حق نمیکند از مجلس و باین دو شرط معین و بعد هم بسایر شرایطی که خزانه دار کل و وزارت مالیه بدها معین خواهند کرد اجازه داده میشود پس سلب حتی از مجلس از حیث خود اجاره نخواهد شد و بعد هم آن ماده این طوری که که عرض کردم همیشگی نخواهد بود و از حالا وزارت مالیه مختار است این کار را بکند که برای يك مدتی که تا ۵ سال خواهد بود این خالصجات اطراف طهران و خوار را اجاره بدهد لیکن بمجلس وقت دارد که با فرصت و دقت تمام آن اصل قانون اساسی را تفسیر بکند اگر اجازه حق مجلس شد باید تمام اجارات املاک دولتی بمجلس بیاید و اگر حق مجلس نشد آن وقت مجلس شورا مختار است که يك موادی از برای تعیین تکالیف و حدود و حقوق دولت را در باب اجاره داری بنویسد چنانچه در کمیسیون قوانین مالیه هم در این خصوص چیزی موجود است پس گمان نمیکند باین دلایلیکه عرض کردم این موادی که نوشته شده است مخالفتی با قانون اساسی نداشته باشد بر فرض هم اگر مطابق این مواد اجازه بدهد که وزارت مالیه اجاره بدهد.

**آقا سید حسین اردبیلی -** اینکه آقای مغیر میفرمایند که گمان میکنم این قانون مخالفتی با قانون اساسی نداشته باشد بعکس بنده گمان میکنم که خالی از مخالفت نیست بجهت اینکه این ماده مفادش اینست که وزارت مالیه اجازه دارد یعنی مجلس بواسطه این قانون بوزارت مالیه اجازه میدهد که خالصجات اطراف طهران و خوار را بطور مزایده اجاره بدهد کانه این ماده رابطه اجاره این املاک را از مجلس قطع میکند که دیگر مجلس کاری با آن ها ندارد بجهت اینکه اجازه داده است و بعد از برای اینکه مجلس مطمئن باشد یکی دو ماده هم بعد از این نوشته اند و خواهد آمد که بعد از آنکه بواسطه آن دو ماده هم مجلس خواص جمع شد و این اجازه را داد آن وقت وزارت مالیه مجاز است که با استحضار خزانه دار کل هر طوریکه صلاح میدانند بطور مزایده اجاره بدهد و دیگر لازم نیست که مجلس دقتی در مواد اجاره نامه بکند و ملاحظاتی و نظریات خودش را اظهار نماید مفاد این ماده این است ولی این ماده با آن اصل در قانون اساسی بمقدمه آنهاست که نقل و انتقال را شامل اجاره می دانند که بنده هم یکی از آنها هستم منافات دارد و عقیده ام اینست که این اصل میگوید وقتی که املاک دولتی با جاره داده میشود کلیه مواد و شروط اجاره نامه باید بمجلس بیاید و آن شروط هم منحصرا باین دو ماده نیست که در اینجا ذکر شده چنانچه آن قرارداد که پیشنهاد کرده نبود عمل چون مجلس آن ها را بواسطه مواد غیر مناسب صلاح نمی دانست لهذا رد کرد مثل اینکه با رعایا بطور رفتار بکند معاکمات آنها چطور بشود ولی این ماده مارا ملزم میکند بر این که واسطه این کار را از مجلس منقطع دانسته بوزارت مالیه اختیار بدهیم هر طوریکه صلاح

میدانند اجاره بدهد و حتی مجلس را بهین قدر اختصار داده اند که بگویند مثلا مستأجرین باید از اتباع داخله باشد یا مدت از پنجسال تجاوز نکنند در صورتیکه بنده چنانچه عرض کردم تصور میکنم که اگر این اصل قانون اساسی را در نظر بگیریم و نقل و انتقال را شامل اجاره بدانیم مجبور هستیم تمام شرایط و مواد اجاره نامه را به مجلس بیاوریم و از مجلس بگذرانیم نه اینکه فقط بهین دو شرط اکتفا بکنیم و از حیث شرایط دیگر اختیارات تام بای نحوگان بوزارت مالیه بدهیم.

**معزز الملک -** بنده عرض خود را دیگر تکرار نمی کنم و فقط همین قدر عرض می کنم که وقتیکه کمیسیون قوانین مالیه این ماده را داد اگر درست دقت بفرمائید خواهند دید که مقتضای روح این ماده این است که کمیسیون قوانین مالیه هم معتقد شده است باین که اجاره از وظایف مجلس است بجهت اینکه اگر معتقد نمیشد می گفت که حق ندارد مجلس داخل این مسائل بشود برای اینکه از وظیفه او خارج است پس بملاحظه این صورتی که شده است این مواد که مواد اصلی خواهد بود قید شده است که این اجازه بوزارت مالیه داده میشود ولی بشرط اینکه مدت بیش از پنج سال نباشد و مستأجر از اتباع خارجه نباشد و بعد سایر شرایطی که واگذار کرده است بنظر خزانه دار کل و نظر وزارت مالیه و تصور میکنم که این منتهای سوء ظن باشد که بگویند حتما اگر بنا بر ضمانت باشد هیچکس نمیتواند کار بکند.

**آقای شیخ رضا -** بنده فقط راجع به مخالفتی که در این ماده دارم لازم میدانم عرایض خود را عرض کنم چون که بعضی از آقایان اینجا اظهار کردند که این ماده با قانون اساسی مخالف است باینکه مخالف نیست و مبتنی بر دقت آن را باین که اگر آن اصل تفسیر بشود بطوریکه نقل و انتقال شامل اجاره هم بشود آنوقت این مخالف خواهد بود در صورتی که این را بنده هیچ محتاج به تفسیر نمیدانم بجهت اینکه هر چیزی را که اسمش را اجاره بگذارند آن اجاره نمیشود این بیع است و از آقایان فقها هم البته در اینجا هستند و تصدیق خواهند فرمود پس بهتر حال در صورتی هم که انتقال شامل اجاره نشود چون این بیع است آن اصل شامل اینست خواهد شد بجهت اینکه حاصل دولت از محصولات خالصجات اعیان است بلکه اگر در ضمن دکان یا بعضی از چیزها می بود ممکن بود که اجاره باشد ولی چون اینجا عمده آنها اعیان است از قبیل جو و گندم آنها را کسی اجاره نمیدهد بلکه آنها را میفروشند و البته آقایان هم تصدیق خواهند فرمود که در شرح اسلحه و سایر ادیان هم همینطور است در دادن اعیان اجاره هیچ موضوعیتی ندارد اجاره دادن این است که معین را بدهد باو تا يك مدتی داشته باشد و از آن انتفاع ببرد و بعد از آن عین را بتویس بدهد وقتی که معین رامیدهد که بخورد این اجاره دادن نیست این فروختن است اینرا اجاره گفتن غلط است ولی این يك غلطی است که عامه مملکت ما بآن گرفتار شده اند و تمام نوتجات ملاها و غیر ملاها هم این قسم است در صورتیکه این قسم از معاملات بیع است نه اجاره پس اجازه دادن خالصجات عین فروختن

محصولات آنها است و بهر حال مشمول آن ماده قانون اساسی هست پس لازمست که بمجلس بیاید و الحداش هم آمده است ولو اینکه آن اصل تفسیر نشده است و حال اینکه تفسیر شده ولی راپورتش هنوز بمجلس نیامده است حالا بنده نظرم باینها نیست و اشکال بنده این بود که آقای معاون در ضمن مذاکره در کلیات اظهار کردند که بعضی از آقایان اظهار کردند که بهتر این بود که این املاک داده شود بسکنه آن دهات و فرمودند که وزارت مالیه البته بطور مزایده بمرض گذاشت آن وقت هر که خواست میخرد و دهاتیان هم اگر خواستند حق دارند و بآنها داده میشود ولی بنده تصور میکنم که این ماده این را نیرساند بجهت اینکه حالا که سایر جاها که صاحبان آن اراضی سکنه شهرها هستند و دولت حقیرا که دارد از آنها میگیرد و بواسطه مستأجر دیگری نیست آیا میشود گفت که آنها مستأجرند صورتاً این معنی در آنها هست ولی این عنوان در آنها نیست پس همینکه گفته میشود که مجلس اجازه میدهد که دولت املاک خالصه را اجاره بدهد این معنیست اینست که بقیه بدهد و این محصولات را بفروشد بکسان دیگر ظاهر اینطور است البته تصدیق هم میفرمایند و همینطور است (گفته شد - این طور نیست) اگر این طور نیست بعد بیاید این جا و جواب بدهید بنده که چنین تصور میکنم که صاحبان اراضی ثمره آن محصولات را که از اراضی خودشان باید بدولت بدهند آنها را از دولت نه اجاره کرده اند و نه عنوان اجاره داری بآنها داده میشود حالا اینجا همین طور بشود اگر بنا بود بخود دهاتیان بدهند هیچ لازم نبود که اینطور نوشته شود و بیاورند به مجلس همینطور بآنها عیناً بدو حق دولت را میگیرند ولی این که اینطور نوشته شده است معلوم میشود که این اجاره باین است نه بخودشان آن وقت در این باب بنده عرض دارم و آن این است که اگر بنا باشد ب دیگران بدهند تصور نمیکند که مصلحت دولت باشد بجهت اینکه مصلحت دولت که گفته میشود نه تنها راجع است باموال که يك قدر پولی عاید دولت بشود بلکه دولت هم اراضی محصولات دارد و هم نفوس دارد که عمده است بجهت اینکه اگر نفوس نداشته باشد اراضی و اموال هیچ فائده ای ندارد نفوس است که تزیید میدهد و اراضی را دایر میکند و محصولات آن عاید دولت میشود باین جهت بنده تصور میکنم که ولو اینکه مقدار کمتر از سایرین از این اراضی را داد حقوق دولت را بخود بدهد چنانچه حقوق دولت را از شهرها بلا واسطه از خود آنها میگیرند از اینها همین طور بتوسط مأمورین دولتی بگیرند بهتر است از این که مستأجرین که در حقیقت خریداران نفوس آنها هستند بجهت این که با این ترتیب است اهالی آنجا بمنزله عیبی هستند که فروخته میشود چنانچه خود آقایان هم میبینند که وقتی که بیرون میروند دامن آنها را میگیرند و بنده هم یکی از آنها هستم که دامنشان میگیرند پس این جهت را باید ملاحظه کرد که دولت نفوس را که عبارت از هیئت جامعه مملکت است بیشتر اهدیت بدهد از این گذشته بنده هیچ تصور نمی کنم که تفاوتی هم داشته باشد یعنی يك منفعتی داشته باشد

فروختن اینها که اسمش را اجازه میگذارند باینکه از خود آنها بگیرند اگر آتلی مامون با سایر اجزاء دولت بگویند که دولت ممکن نیست که این حقوق را خودش از خالجات بگیرد بنده عرض میکنم که در این صورت اگر بآن کسانی هم که اسمشان را مستأجر نمیگذارند بدهند باز باید دولت بگیرد بجهت اینکه در این مدتی که بطور باطل اینها فروخته شده بودند آنچه را که مستأجر و مالکین موقتی از آنها می گرفته بکمک دولت و توسط مأمورین دولت بود پس چه فرق میکند که دولت بدهد بدیگری تا اینکه بهر طوری که دلش میخواهد رفتار بکند یا اینکه خودش با آن رفتی که نسبت بر رعایای خودش خواهد داشت مستقیماً از آنها بگیرد مسلم است که بدیگران دادن زحمتش بر عا یا و سکنه خالصجات بیشتر است از اینکه خودش بگیرد و اگر چه یک چیز جزئی هم تصور شود که باید مستأجرین بدهند لکن دولت باید بداند که در مقابل آن چند نفوس و اهالی آن جا صدمه خواهند رسانید که آنها را در فشار خواهند گذاشت و از دولت و ملت و هیئت های دولتی و ملتی خواهند رنجاند و اینها یک خسارتی است که تحمل آنها شاید صحیح نباشد پس بنده این ملاحظاتی که عرض میکنم بنظر هم چو میاید که دولت حقوقی را که در خالصجات دارد اگر توسط مأمورین خودش وصول بکند و بگیرد بهتر است از اینکه بدهد بدست دیگران و آن وقت آنها به کمک مأمورین دولتی علاوه زور خودشان که در حقیقت زورشان بیشتر میشود بگیرند و بدولت بدهند این عرایش بنده بود اگر قبول شود.

بکنند بهتر است از اینکه بدیگری واگذار نماید پس در صورتی که خود وزارت مالیه اعتراض میکند باینکه امروزه اسباب اداره کردن این املاک برای من فراهم نیست نمیشود این املاک را دور انداخت باید یک تکلیفی برای آنها معین کرد منتهی اینست که وقتی که درجه اول ممکن نمیشود باید پرداخت بدرجه دوم یعنی در صورتی که می بینیم اسباب اداره کردن این املاک برای دولت فراهم نیست باید با یک ترتیب صحیحی اجازه داده شود که آنها را اجازه بدهند

**لواءالدوله** - عرض کنم این قانون یک علتی دارد که تقریباً همان طوری که آقایان فرمودند مخالف است با قانون اساسی بجهت اینکه نقل و انتقال را بنده هم یکی از آنهاست هستم که شامل اجازه میدانم و از این جهت هم در کلیات رأی ندادم و بنده هم شاید مایل باشم باینکه خالصه دولتی اجازه داده شود ولی چون همان طوری که فرمودند امروزه اسباب اداره کردن آن برای دولت فراهم نیست چندان مخالفتی ندارم باینکه این املاک را دولت اجازه بدهد اما بطور اجازه بدهد با بطور که پس از آنکه به مرض مزایه گذاشتند کسی که پیدا شد صورت اجازه نامه او را بجماعت بکشید بکنند که مجلس هم نظریات خودش را در آن بکند نه اینکه همین طور بگوئیم وزارت مالیه مجاز است که هر طوری که دلش میخواهد اجازه بدهد باید هر کس که بطور مزایه میخواهد اجازه بکند بانصوب مجلس یا اجازه بدهند.

**افتخار الواعظین** - حقیقت امر این است که باید فی الجمله نظر انداخت باینکه چهارصد پارچه املاک قراء و فصحاء خالصجات در حالتیکه محصول نزدیک برداشتن است بابت تکلیف در صحرا مانده است و ایشرا هم باید ملاحظه کرد که همین قسمتی که آقایان نمایندگان محترم متکلفند ب حفظ حقوق ملت همین قسم متکلفند بعضی حقوق دولت بجهت اینکه دولت باید همین عایدات را بدست بیاورد و بعد خرج منافع ایستاد عرض بکنم بکنم و اولاً میفرمایند که این مخالف است با قانون اساسی بهیچوجه من الوجوه این قانون مخالفی با قانون اساسی ندارد بجهت اینکه مجلس شورای ملی و وزارت مالیه یا هیئت وزراء در آن وقت گفتگویشان در این بود که آیا اجازه هم باید بتصویب مجلس باشد یا اینکه نباید بتصویب مجلس باشد اینجا کمیسیون قوانین مالیه و وزارت مالیه در ذیل پیشنهاد کردن این سه ماده تصدیق میکنند که اجازه هم باید بتصویب مجلس شورای ملی باشد این هیچ مخالفتی با قانون اساسی ندارد یکی دیگر اینکه یک هیئتی را وقتیکه معین میفرمایند باینکه نقری را باینکه ملتی و شرابطی و لایحه اش را چند روز خودتان در آن مذاکره میکنید و بالاخره رأی میدهید و بالاتفاق تصویب میکنید باید که املاک و اطمینان را با آنها داشته باشید و الا اینکه مجلس بگوید که باید قرار داد آن مستأجر و اجازه نامه را باتمام شرایط و جزئیات اجازه بدهد مجلس شورای ملی بیاورد و مجلس شورای ملی اگر تمام آن جزئیات را تصویب کرد اجازه داده شود و اگر رد کرد که اجازه داده نشود این را واقعاً بنده یک چیز غریبی میدانم بجهت اینکه آن وقت مجلس شورای ملی تنها هیئت مقننه نیست هم هیئت مقننه است هم هیئت مجریه برای اینکه داخل در

تمام جزئیات امور اجرایی شده است آقایان میفرمایند که خیلی بهتر است که این املاک بخود رعایا اجازه داده شود بنده هم در این باب همراهم و موافقم و اگر خوب تأمل بشود این ماده هم همین را میگوید بجهت اینکه میگوید که وزارت مالیه مجاز خواهد بود که بطور مزایه این املاک را اجازه بدهد و البته هر کسیکه با شرایط سهلتر و مال الاجاره بیشتری و با تضمینات و اعتبارات طالب شد قسمیکه وزارت مالیه مطمئن شد که مال الاجاره اش با او خواهد رسید دچار اشکالی نخواهد شد البته با اجازه میدهد هر کس میخواهد باشد اعم از اینکه زارع خالصجات باشد یا اشخاص دیگر و در آخر عرض خودم جلب میکنم خاطر آقایان نمایندگان را بر عرض اول خودم که چهارصد پارچه املاک خالصه دولت از وقتیکه چند روز دیگر باید محصولش را بر دارند بلکه محصول باغهاش بیصاحب مانده است و موقوف در یافت منافع و عایدات دولت است بابت تکلیف نمانده حالا اگر واقعاً تصویب میفرمایند در حالتیکه گمان نمیکنم هیچکدام تصدیق بفرمایند که این طور باید بشود در صورتیکه تصدیق میفرمایند که باید عایدات دولت محفوظ بماند و زودتر تکلیف این املاک را باید معین کرد که محصول را بردارند و نگذارند از بین برود خوب است سعی بکنند که بزودی این مواد از مجلس بگذرد تا اینکه دولت تکلیف خودش را بداند و روزی هم که در این جا گفتگوی آن کمیته ای اول بود بنده عرض کردم که دولت باید املاک خودش را اداره بکند نه اینکه اجازه بدهد ولی این را باید بداند که گفتن عریض کردن است گفتن خوبی آسان است اما کردن بعضی لوازم و اسباب لازم دارد وزارت مالیه هم خودش میگوید که امروزه اسباب و وسائل اداره کردن اینکار برای من فراهم نیست و منافع دولت را هم در این می بینم که این املاک را اجازه بدهد پس بعد از آنی که وزارت مالیه خودش این طور میگوید من تعجب میکنم از اینکه ما باز اصرار داریم که دولت باید این املاک را خودش اداره بکند.

**آقا شیخ غلامحسین** - بنده همان نظریاتی را که در کلیات عرض کردم همان ها را تکرار میکنم اولاً چنانکه بعضی از آقایان اظهار کردند که این قانون مخالفی با قانون اساسی ندارد این یک مسئله است متنازع فیه اگر بنظر بعضی مخالفت ندارد بنظر بعضی دیگر که از جمله بنده هستم مخالفت دارد و در خصوص مخالف بودن این هم با نظام نامه داخلی چنانکه در کلیات عرض کردم در اینجا هم از حضرت رئیس اجازه میخواهم که عرض کنم و آن اینست که در نظامنامه داخلی اینطور مینویسد که هر وقت یک طرحی از طرف نمایندگان پیشنهاد شد یا این که اول باید در مجلس قابل توجه بشود بعد برود بکمیسیون و با این که رجوع بشود بعد از این که از کمیسیون راپورت داده شد به مجلس آمد در قابل توجه بودن آن رأی گرفته شود رجوع بشود.

**رئیس** - این مطلب موتمن اینجاست باید در کلیات گفته شود.  
**آقا شیخ غلامحسین** - بسیار خوب این را عرض میکنم این که آقایان فرمودند که در این

ماده اجازه داده میشود بوزارت مالیه که با استحضار خزانه دار کل این املاک را اجازه بدهد و این موافق است با آن قانونی که چند روز پیش راجع بوظایف خزانه دار کل و اختیارات او از مجلس گذشت برعکس بنده تصور میکنم این که شما در این ماده مجبور میکنید وزارت مالیه و خزانه دار کل را که بطریق مزایه اجازه بدهد و کمیسیون اگر میخواهد یک طرحی پیشنهاد کرده باشد بهتر این بود که پیشنهاد میکرد وزارت مالیه مجاز است در اینکه املاک دولتی را اجازه بدهد یا اداره نماید هر طوری که خزانه دار کل صلاح بداند نه این که پیشنهاد بکنید که وزارت مالیه مجاز است در این که اجازه بدهد بخرانه دار کل هم اطلاع بدهد که مستحضر باشند و اگر آقایان میخواهند که نظر کرده باشند در قانونی که از مجلس گذشت و آن اختیاراتی که بخرانه دار کل داده شده است بنده تصور میکنم که بهتر این بود که در اینجا مینوشتند که وزارت مالیه مجاز است در این که املاک دولتی و خالصجات اطراف طهران را اجازه بدهد یا اداره بکند توسط خزانه دار کل و اما این که بعضی از آقایان میفرمایند که وزارت مالیه تصدیق میکند و ما تصدیق میکنیم که اجازه کردن آن ها برای وزارت مالیه ممکن نیست برعکس بنده تصور میکنم که با بودن مستخدم امریکائی اداره کردن خیلی خوب ممکن است و اما اینکه بعضی از آقایان فرمودند که سرخرمن است و محصول خالصجات بی تکلیف مانده است این تقصیر و کوتاهی از دولت است که مدتی است این مطلب را بابت تکلیف معوق گذاشته است مثلاً اینکه الان هم می بینم که از یک طرف وزارت مالیه در روزنامهجات اعلان مزایه مینماید و از طرف دیگر روز بعدش یک قرارداد را پیشنهاد مینماید که موافق آن کثرت است باینکه اشخاص معینی داخل مذاکره شده است و بنده خیلی جد داشتم در اینکه همان روزی که کثرت است کمیته ای سابق در مجلس رد شد فوراً یک تکلیفی برای خالصجات معین بشود چنانچه آقای رئیس هم مینویسند که دو روز بعد از انقضای کمیته ای یک سؤال کرده بودم که برای خالصجات چه ترتیبی را اتخاذ کرده اند از برای اینکه بدولت و اهالی خالصه از آن راه خسارتی وارد نیاید.

**معاون وزارت مالیه** - اینجا بنده می بینم که اکثر تکیه کلام آقایان باین است که این مخالف است با قانون اساسی و حال اینکه هیچ همچو چیزی نیست اولاً در اصل موضوع نزاع است که آیا اجازه باید بتصویب مجلس باشد یا نباید باشد و ثانیا در صورتی که مسلم شده که اجازه بدهد با مجلس است آنوقت خود مجلس که بموجب این ماده بوزارت مالیه اجازه داد عیناً مراقب خواهد بود با مقصود مجلس و قانون اساسی و مخالفتی هم ندارد و اما در خصوص اداره کردن این املاک که آقای آقا شیخ غلامحسین اظهار کردند وزارت مالیه هم مخالفتی ندارد در اینکه مجلس اجازه بدهد که وزارت مالیه یا اجازه بدهد یا اداره بکند آنوقت وزارت مالیه اگر صرفه را در اداره کردن دید که البته اداره خواهد کرد و الا اجازه میدهد در اینکه مجلس پیشنهاد شده است من باب الاحتیاط است که اگر

صرفه دولت را در اجازه دید بطریق مزایه اجازه خواهد داد و الا خودش اداره میکند و هیچ ضرری ندارد و اما اینکه فرمودند وزارت مالیه قصور کرده است که تا جمال خالصه جاتا را اداره نکرده است از آن روزی که آن کمیته ای منحل شد یک اداره در وزارت مالیه تأسیس شده است باسم اداره خالصه جات و مأمورینی معین کرده است که مشغول ترتیب آن هستند و محصول هم که الان وارد شهر میشود در تحت نظر وزارت مالیه است و لکن وزارت مالیه همینطور صلاح میدانند که زودتر این مسئله از مجلس بگذرد و وقتی که تکلیف آن معلوم شد یا بطور مزایه یا بطور های دیگر اجازه بدهد از این جهت بنده عقیده ام این است که زودتر این را بگذرانند و نگذارند طول بکشد که روز بروز اسباب خسارت است.

**رئیس** - گویا مذاکرات کافی باشد (گفتند کافی است) شش فقره اصلاح پیشنهاد شده است سه فقره راجع بترتیب اجازه دادن است و سه فقره راجع بترتیب اجازه تقدم رعایا بر سایرین حالا آنچه راجع بترتیب اجازه دادن است خوانده میشود و رأی میگیریم (بترتیب ذیل قرائت شد)

۱- از طرف آقای حاج آقا... بنده پیشنهاد میکنم عرض جمعی (با استحضار خزانه دار کل) بانصوب خزانه دار کل بنویسند

۲- از طرف آقای حاج شیخ علی... بنده پیشنهاد میکنم که این جمله در آخر ماده اول اضافه بشود:

و صورت اجازه و شرایط آن بجنس شورایی پیشنهاد شود.

۳- از طرف آقای هشتاد و دو... بنده پیشنهاد میکنم این جمله بآخر ماده اول منجی شود.

۴- از طرف آقای لواءالدوله... بنده پیشنهاد میکنم ماده اول این نوع نوشته شود.

ماده ۱- وزارت مالیه مجاز است محصول خالصجات دولتی را بانظرات خزانه دار کل پس از تصویب مجلس متوسل شورایی با اجازه بدهد.

**رئیس** - یک پیشنهادی هم از طرف آقای آقا شیخ غلامحسین شده است که الان رسید خوانده میشود (بمبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم ماده اول اینلایحه این قسم نوشته شود وزارت مالیه مجاز است املاک خالصه دولتی اطراف طهران را با اجازه خزانه دار کل اداره نمود و بیا بصوب او بصر مزایه اجازه بدهد

**رئیس** - در پیشنهاد آقای حاج آقا چه میگوید کمیسیون قبول میکند؟

**معاون الملک** - کمیسیون هیچیک از این پیشنهادها را قبول ندارد.

**حاج آقا** - بنده چون با این ماده موافقم و آن ایرادهائی که باین ماده شد چه از جهت مخالفت با قانون اساسی و چه از حیثیات دیگر حواری آنها داده شد دیگر در آن خصوص عرض ندارم ولی فقط

بنده چون در این پیشنهادی که کرده ام يك كلمه از ماده را تغییر داده ام و آن این است که استحضار خزانه دار کل تصویب خزانه دار کل نوشته شود باید توضیحی عرض کنم که چرا استحضار را بتصویب تبدیل کرده ام و همچنین اجازه را تصدیق کرده ام بدیهی است که با املاک دولتی را مثل سایر املاک اربابی باید بجهة حفظ محصول آنها آن ها را اجازه بدهیم در اجازه هست و بیع نیست بواسطه اینکه تا امروز نشنیده بودیم که اجازه بیع باشد و الا باید بکل نکات اجازه از قضا بپرو برود.

**رئیس** - این از موضوع خارج است.  
**حاج آقا** - بله راجع با اجازه دادن بانصوب خزانه دار کل است که میخواهم عرض کنم.  
**رئیس** - این راجع بیع بود که گفتند **حاج آقا** - مقصود این است که این املاک را باید اجازه داد اما باید بیعیم بطور باید اجازه بدهیم یا اینکه هنوز آن اصل از قانون اساسی تقصیر نشده است ما امروز برای ترتیب املاک دولتی و اصلاح امور مالیه اطمینان داریم باینکه يك نفر خزانه دار کل داریم و باید همان طوری که عرض وزارت مالیه و کمیسیون بوده است و ما يك چیزی در این ماده بنویسیم که نظرات او را در آن مدنیت داده باشیم و این باینکه بنویسیم با استحضار خزانه دار کل باشد حاصل نمیشود برای اینکه بعد از اینکه يك ترتیبی وزارت مالیه برای این املاک قرارداد و بعنوان مزایه آنها را بعرض اجازه گذاشت هر چه بنظر خودش رسید آنها را اجازه میدهد و خزانه دار کل فقط باید مستحضر باشد از آن بدون اینکه بتواند تغییری بدهد ولی ما نظرمان مدنیت داشتن نظر خزانه دار کل است در ترتیب اجازه از این جهت باید بنویسیم با تصویب خزانه دار کل و وقتی که نوشتم با تصویب خزانه دار کل آنوقت در کلیه ترتیبات اجازه چه از حیث کمی یا زیادتی مدت و چه از حیثیات دیگر اگر تغییری را لازم بداند میدهد ولی اگر بنویسیم با تصویب خزانه دار کل با طبیعه آن غرضی را که ما داریم از این خواهد رفت و آن مدنیت داشتن نظر خزانه دار کل است در ترتیب داشتن نظر خزانه دار کل است در ترتیب اجازه این املاک از این جهت بنده پیشنهاد کرده ام که گنمه استحضار بتصویب تبدیل شود تا اینکه آن مقصودی را که در نظر داریم حاصل شود و اجازه را هم تصدیق کرده ایم.

**معاون الملک مخبر** - اگر برای خزانه دار کل يك وظایف و حدودی معین نشده بود آنوقت فرمایش آقای حاج آقا صحیح بود ولی چیزی که هست اینجا این است که هیچ اسم خزانه دار کل هم برده نشود و استحضار او هم قید نشود بجهت اینکه يك لایحه آورده بدست مجلس و گذشت که ۱۲ و ۱۳ ماده داشت و در اینجا يك تکلیفی برای خزانه دار کل معین کردند که من جمله رسیدگی بامور مالیه مملکت است از قبل تقیث و غیره یکی دیگر در ماده (۸) است که او را مکلف کرده ایم که هر قسم صرفه جوئی که صلاح بداند در معاملات دولتی ملاحظه و